

موضوع این شماره :

## ویژه روز دختر

با آثار و گفتارهایی از :

آیت‌الله میرباقری

محمدحسن قدیری ایبانه

روح الله مومن نسب

حمید فاضل

عرفان خلیلی فر

مجید رحیمی

رضا لک زایی

مهدیه منافی

فائزه اسکندری

فاطمه داداشی

پریچهر جنتی

سید زهرا برقی

علی اصغر سیاحت

میلاد پورعسگری

سعید ابوالقاسی

چواد عبدل زاده



### خردورزی

نشریه تخصصی اندیشه‌های جاری انقلاب اسلامی

شماره شانزدهم تیر ۱۳۹۹

۱۰۹ صفحه سه ساعت زمان مطالعه

کاری از :



سایت فکرت

www.Fekrat.net

@ Fekrat\_net



# ریحانه‌های بهشتی

بررسی رویکرد فمینیسم رادیکال و امام خمینی نسبت به استقلال زن | از آزادی زنان و دختران در اسلام و غرب تا مقابله با تهاجم فرهنگی  
 بازتابی دختر در سپه‌ما ایران | دیدگاه فمینیسم و نقد آن | این کار بر مقادیر زیادی به دنیا پدیده‌ها است



مقاومت و تسلیح در اعماق قلب و رسیدن به مقاصد شفاعت



تبدیل جدا بیست‌های جنسی به ارزش اجتماعی عامل تعیین‌کننده زنان است



تأسیس شبکه‌های مجازی ایرانی اسلامی می‌تواند حیات را متوقف کند




فدای دخترم



جایگاه انسانیت حضرت معصومه در میان انسان‌ها



ارزنده‌ترین زینت زندگی



بسم الله الرَّحْمَن الرَّحِيم  
هست کلید در گنج حکیم  
فاتحه، فکرت و ختم سخن  
نام خداست، بدین ختم کن

## خردورزی

نشریه تخصصی  
اندیشه‌های جاری  
انقلاب اسلامی

شماره دو  
شانزدهم تیرماه ۱۳۹۹

صاحب امتیاز  
مؤسسه فرهنگی  
رسانه ای شناخت

مدیر مسئول  
دکتر رفیع الدین اسماعیلی

سر دبیر  
دانیال بصیر

شورای سیاست گذاری  
دکتر محمدحسین فرج نژاد  
دکتر محمدعلی روزبهانی  
دکتر محمدرضا زهرایی  
دکتر حسن محمدی  
دکتر فائزه اسکندری  
حسن صدراپی عارف  
رسول لطفی  
مجتبی خاکی

هیأت تحریریه  
سیدحسین امامی  
سعید مهدیان، میلاد فرشیدنیا  
میلاد پورعسگری، مجید رحیمی  
عرفان خلیلی، سعید ابوالقاسی  
جواد عبدالزاده، مهدیه منافی  
پرچهره خنتی، سیدزهره ابرقعی  
فاطمه داداشی

با تشکر از:  
حجت الاسلام عبدالحمید گلزار  
حجت الاسلام دکتر حمید فاضل

دکتر رضا لکزایی  
گرافیک

گروه هنر و رسانه

هشت بهشت

تولید شده در



سایت فکرت  
www.Fekrat.net



### این کاربر مقادیر زیادی به دنیا بدهکار است!

دکتر فائزه اسکندری



۹۰

### دیدگاه فمینیسم و نقد آن

سعید ابوالقاسی



۹۴

### فدای دخترم!

حجت الاسلام دکتر حمید فاضل



۱۰۱

### ارزنده ترین زینت زندگی

جواد عبدالزاده



۱۰۳

### جایگاه انسانیت حضرت معصومه سیاره انسان‌ها

دکتر رضا لکزایی



۶۴

### مشکلی عیان در آمارهای نهان

مهدیه منافی



۷۰

### بازنمایی دختر در سینما ایران

علی اصغر سیاحت



۸۰

### نقش تمدنی حضرت معصومه و قلم به عنوان مرکز اصلی انقلاب اسلامی

میلاد پورعسگری



۸۶

### بررسی رویکرد فمینیسم رادیکال و امام خمینی، نسبت به مسئله نرین

عرفان خلیلی



۴۰

### از آزادی زنان و دختران در اسلام و غرب، تا مقابله با تهاجم فرهنگی

حجت الاسلام مجید رحیمی



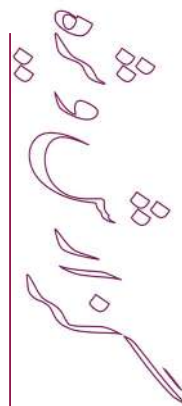
۴۶

### گزارشی از شبهات پیرامون دختر و زندگی اجتماعی آن

اختصاصی فکرت



۵۲



### مقام معیت و تسلیم در اعماق قلب و رسیدن به مقام شفاعت

آیت الله محمد مهدی میرباقری



۷

### تبدیل جذابیت‌های جنسی به ارزش اجتماعی، عامل تبعیض علیه زنان است

دکتر محمد حسن قدیری ایبانه



۱۷

### «اجبار در حجاب» یا «الزام در حجاب»، پاسخ کدام است؟

حجت الاسلام سید عباس سیدزاد



۲۱

### چالش‌های حجاب و عفاف در میانی فقهی چگونه قابل پاسخ‌گویی است؟

حجت الاسلام و المسلمین مصطفی تشیعی



۲۸

### تاسیس شبکه‌های مجازی ایرانی - اسلامی می‌تواند حیازدایی را متوقف کند

مهندس روح‌الله هومن نسب



۳۳





## جایگاه حقیقی دختر در منظومه فکری - اندیشه‌ای دینی



حجت الاسلام دانیال بصیر

مرد دین  
پژوهشگر فلسفه دین

یاد می‌کند و همواره مقام زن را در نقش مادر، همسر و دختر مورد اکرام قرار می‌دهند. توجه خاص حضرت رضا علیه السلام به جایگاه و مقام زن در محبتی که به خواهر خویش حضرت معصومه سلام الله علیها داشتند زبانزد و مثل زدنی است.

در سایر تعبیر دیگر خداوند متعال در آیه ۴۹ سوره شوری می‌فرماید: «لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۗ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَّا لَهُ وَهَبٌ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكُورَ» که از دختر به عنوان هدیه یاد می‌کند و باعث خوشحالی و خرسندی انسان‌ها می‌بایست شود. بدیهی است این تعبیر بهترین تعبیر ممکن برای دختر و نشانگر جایگاه حقیقی و واقعی آن است. در ادبیات معصومین علیهم السلام چنین تعبیری متداول است. چنانکه در سیره پیامبر اسلام آمده، حضرت در برخورد با دخترش حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها همگان را به حیرت وا می‌داشتند. بر دست دختر خویش بوسه می‌زدند می‌فرمود: «پدرش فدای او باد.» و زمانی که عازم سفر می‌شدند حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها آخرین کسی بود که پیامبر از او خداحافظی

برتری را براساس جنس قرار نمی‌دهد بلکه ملاک برتر بودن و گرامی‌تر بودن را تقوا و ایمان دانسته است. آموزه‌های دینی، ساختاری را برای «دختر» در جامعه قرار می‌دهد که طبق آن، جایگاه و کرامت او را مشخص کرده و نوع رفتار و موضع‌گیری‌های وی را سامان می‌بخشد و روابط سالمی برای ارتباط او با جنس مخالف ترسیم می‌کند. جایگاه زنانگی و مساله انسانی زن در مکتب مبین اسلام و آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام بسیار مورد توجه قرار گرفته و در روایات متعدد به این جایگاه اشاره شده که مشتمل بر شأن مادری، سفارش به پاسداری و تکریم دختر از سوی خانواده و در آینده از سوی همسر، منزلت و نقش اجتماعی دختران و زنان، شأن اقتصادی زن، شأن علمی، فرهنگی و سیاسی زن است. سیره ائمه معصومین علیهم السلام با تاسی از پیامبر گرامی اسلام، همواره رفتاری محبت‌آمیز با احترام خاصی برای دختران باعث روشنی حرمت و کرامت آنان در منظومه فکری اسلام دارد. منجی بشریت حضرت ولی عصر عجل الله فرجه، از حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها به عنوان الگو حسنه و به بزرگی

موضوع «دختر» و اهمیت آن در اسلام از مهم‌ترین و پر بحث‌ترین مسائل در منظومه فکری اسلامی است. در آیات و روایات بسیاری، جایگاه انسانی و شایسته «دختر» و حظ و بهره او در عرصه خانواده و اجتماع بیان شده است. علاوه بر آن نیز وقتی سیره و رفتار معصومین علیهم السلام را کنکاش می‌کنیم، تماما بیانگر اهمیت پاسداری کرامت انسانی است و این کرامت انسانی شامل هر دو جنس زن و مرد می‌شود. بنابراین در منظومه فکری - اندیشه‌ای اسلام، هیچگونه تفاوتی بین زن و یا مرد بودن از لحاظ جنسیت نیست؛ لذا خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً؛ ای مردم از پروردگارتان که شما را از «نفس واحدی» آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد، پروا دارید.» مزید مطالب گذشته نیز براساس آموزه‌های قرآنی هر دو جنس در بهترین صورت خلق شده و روح الهی در هر دو جاری است. فضای که آموزه‌های دینی ترسیم می‌کنند تفاوتی بین زن و مرد بودن ایجاد نمی‌کند و



می‌کرد و در بازگشت نیز زودتر از هر کسی به دیدن وی می‌رفت و می‌فرمود: «بوی بهشت را از دخترم فاطمه استشمام می‌کنم.» رسول مکرّم اسلام با این سخنان و برخورد عملی با دختر خود، علاوه بر شناساندن مقام و عظمت اهل بیت سلام الله علیهم و تأکید بر ادامه سلسله ولایت و امامت از طریق دختر خود، می‌خواستند به تمامی انسان‌ها ثابت کنند که در آخرین دین الهی، «دختران و زنان» از کرامت و جایگاه خاصی برخوردارند.

از مهمترین مسائلی که حافظ کرامت و جایگاه با ارزش دختران در آموزه‌های دینی ذکر شده است، مساله ازدواج و مقام همسری و مادر است؛ حضرت ثامن الحجج علیه السلام ازدواج و تشکیل خانواده را امری عقلی بر می‌شمارند که عقلا و اندیشمندان همواره با این امر تأکید داشته‌اند. «وَلَوْلَمْ يَكُنْ فِي الْمُنَاكِحَةِ وَالْمُصَاهِرَةِ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ وَلَا سُنَّةٌ مُّبَيَّنَةٌ وَلَا أَثَرٌ مُسْتَفِيضٌ لَكَانَ فِيمَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَرِّ الْقَرِيبِ وَ تَقَرُّبِ الْبَعِيدِ وَ تَأْلِيفِ الْقُلُوبِ وَ تَشْبِيكِ الْحُقُوقِ وَ تَكْثِيرِ الْعَدَدِ وَ تَوْفِيرِ الْوَالِدِ لِنَوَائِبِ الدَّهْرِ وَ حَوَادِثِ الْأُمُورِ مَا يَزَعُجُ فِي دُونِهِ الْعَاقِلُ اللَّيِّبُ وَ يُسَارِعُ إِلَيْهِ الْمُؤَفَّقُ الْمُصِيبُ؛ حتی اگر در قرآن آیه‌ای محکم از قرآن و تأکیدی در سنت و روایتی مستفیض و مشهور نبود، از آن روی که خداوند در ازدواج نیکی با نزدیکان، نزدیک شدن افراد دوردست و نرمش قلوب را قرار داده... هیچ عاقل خردمندی از آن روی بر نمی‌تافت و افراد موفق به ازدواج پیشی می‌گرفتند».

علاوه بر این در تراث اندیشه دینی که از سوی اهل بیت علیهم السلام باقی مانده است، هر انسان به

مثابه یک موجود عاقل در همه دوره‌های سنی با توجه به ابعاد روحی و روانی، نیازمند برنامه‌ریزی است. هنگامی که دختران و همین‌طور پسران به رشد عقلی و جسمی رسیدند، می‌بایست برای رها نشدن در روحی و تاثیرات نامطلوب جسمی و روحی عهد مقدس ازدواج را در زندگی خویش اجرا نمایند؛ لذا در روایت رضوی آمده است که: جبرئیل نزد پیامبر گرامی اسلام آمد و وی عرضه داشت: «يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْرُوكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ إِنَّ الْأَبْكَارَ مِنَ النِّسَاءِ بِمَنْزِلَةِ الثَّمَرِ عَلَى الشَّجَرِ فَإِذَا أَيْتَعَ الثَّمَرُ فَلَا دَوَاءَ لَهُ إِلَّا اجْتِنَاؤُهُ وَ إِلَّا أَفْسَدَتْهُ الشَّمْسُ وَ غَيَّرَتْهُ الرِّيحُ وَ إِنَّ الْأَبْكَارَ إِذَا أَدْرَكْنَ مَا يُدْرِكُنَّ النِّسَاءَ فَلَا دَوَاءَ لَهُنَّ إِلَّا الْبُعُودُ وَ إِلَّا لَمْ يُؤْمَنْ عَلَيْهِنَّ الْفِتْنَةُ؛ ای محمد، پروردگارت تو را سلام می‌رساند و می‌فرماید: دوشیزگان همچون میوه روی درخت هستند؛ میوه چون برسد برای آن چاره‌ای جز چیدن نباشد و گرنه آفتاب آن را فاسد و باد آن را خراب می‌کند؛ دوشیزگان نیز هرگاه به مرحله رشد زنان برسند، آنان را درویی جز شوهر کردن نباشد و گرنه از گمراهی و فساد ایمن نخواهند بود». این روایت دختران را با تشبیهی ظریف به میوه درختان تشبیه و تأکید دارد که در ازدواج آنان تأخیری رخ ندهد، زیرا در غیر این صورت آسیب‌ها و فتنه‌هایی دامن‌گیر آن‌ها می‌شود که جبران نشدنی است.

از مسائل بسیار مهمی که امروز در جامعه اسلامی خود درگیر آن هستیم، عدم فهم دقیق از مقوله هویت دینی شخص مقابل در ازدواج است. از نظر آموزه‌های دینی اسلامی، ازدواج تنها برای برآوردن گزینه جنسی نیست، بلکه همچون قلعه‌ای است

که زن و مرد را در برمی‌گیرد و از دین و ایمان آنان پاسداری می‌کند. در منظومه فکری اسلامی ازدواج برای دور نگه داشتن دختر از آلودگی و پلشتی و مصونیت از گناه قرار داده شده است لذا هویت شخص مقابل و همکفو بودن وی بسیار ارزشمند خواهد بود در یک عهد و میثاق مقدس.

از دیگر ابعاد و جنبه‌هایی ارتقا جایگاه و ارزش انسانی زن توجه ویژه منظومه فکری اسلام در خصوص مهریه و نفقه زنان است. که می‌بایست توجه داشت که فلسفه تعیین و پرداخت مهریه و نفقه از نگاه اسلام، تنها جنبه مادی و اقتصادی ندارد، بلکه بسیاری از ابعاد معنوی و تربیتی لطیف که حاکی از پیوند محبت‌آمیز است، نیز در آن منظور شده است.

در پایان چنین باید گفت اگر امروز در جامعه دختران و زنان با نابسامانی‌ها یا ایجاد مشکلاتی روبرو هستند به خاطر دوری از معارف اصیل دینی است که بسیاری از آنان در درون خانواده و با خوش رفتاری در قبال یکدیگر حل و فصل خواهد شد.

## مقام معیت و تسلیم در اعماق قلب و رسیدن به مقام شفاعت

آیت الله محمد مهدی میرباقری



۷

## تبدیل جذابیت‌های جنسی به ارزش اجتماعی، عامل تبعیض علیه زنان است

گفت‌وگوی اختصاصی «فکرت» با دکتر محمد حسن قدیری ایبانه



۱۷

## «اجبار در حجاب» یا «الزام در حجاب»، پاسخ کدام است؟

گفت‌وگوی اختصاصی «فکرت» با حجت‌الاسلام سید عباس سیدنژاد



۲۱

## چالش‌های حجاب و عفاف در مبانی فقهی چگونه قابل پاسخ‌گویی است؟

گفت‌وگوی اختصاصی «فکرت» با حجت‌الاسلام مصطفی تشیعی



۲۸

## تاسیس شبکه‌های مجازی ایرانی - اسلامی می‌تواند حیازدایی را متوقف کند

گفت‌وگوی اختصاصی «فکرت» با روح‌الله مومن نسب



۳۳

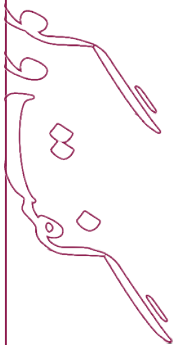


متن زیر سخنان آیت الله میرباقری به تاریخ ۲۰ آذر ماه ۹۶ است که به مناسبت سالگرد ورود حضرت معصومه سلام الله علیها به قم در حرم مطهر حضرت ایراد فرمودند. ایشان در این جلسه بیان میدارند، انسان برای این که بتواند به خداوند متعال برسد باید با امام معصوم همراه شود و در چهارچوب طرح و برنامه امام معصوم حرکت کند تا به مقصد برسد نه این که خود، طرح و برنامه شخصی داشته باشد. همراهی با امام مشروط به شرایطی است که طبق فرازی از زیارت نورانی جامعه کبیره می توان گفت آن شرایط عبارت اند از قلب سلیم و تبعیت از معصوم. قلب سلیم قلبی است که غیر خدا در آن راه ندارد و با هرگونه شک و شرک بیگانه است. وقتی انسان به سلامت قلبی رسید تابع معصوم می گردد و این تبعیت، همراهی و معیت با معصوم را به دنبال دارد؛ هم معیت در دنیا و هم معیت در آخرت، هم معیت در قبل از ظهور و رجعت و هم معیت در بعد از ظهور و رجعت، هم معیت در ظاهر، هم معیت در باطن. هر چه این معیت بیشتر و کامل تر باشد ظرف وجودی انسان بهره بیشتری از فیوضات الهی به واسطه معصومین می برد، به طوری که می تواند به مقام شفاعت که اولاً و بالذات مختص معصومین است نایل آید، مانند حضرت معصومه سلام الله علیها که در طرح و برنامه حضرت ثامن الحجج با ایشان همراهی نمود و به مقام شفاعت شیعیان دست یافت.

## مقام معیت و تسلیم در اعماق قلب و رسیدن به مقام شفاعت

آیت الله محمد مهدی  
میرباقری  
با موضوع  
اطاعت و تبعیت از انسان  
کامل





## قلب سلیم

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين وصل الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين واللعن على أعدائهم أجمعين. «وَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَرَأْيِي لَكُمْ تَبَعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ وَ يَرُدُّكُمْ فِي آيَاتِهِ وَيُظْهِرْكُمْ لِعَدْلِهِ وَيَمَكِّنْكُمْ فِي أَرْضِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ»؛ در این فراز نورانی از زیارت جامعه کبیره، امام هادی علیه السلام تعلیم فرمودند به این که ما اگر بخواهیم به همراهی معصوم علیه السلام برسیم باید صفاتی را داشته باشیم. بعضی از این صفات این ها است: «وَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَرَأْيِي لَكُمْ تَبَعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ»، قلب باید نسبت به معصوم علیه السلام تسلیم شود؛ چون می دانید قلب ما فرمانده قوای ماست، همه قوا تحت فرمان قلب هستند. این، قلب است که اراده می کند چشم ببیند، گوش بشنود و زبان تکلم کند. اگر این قلب تسلیم شد همه قوا تسلیم می شوند و اگر قلب طغیان و سرکشی کرد قوای دیگر هم طغیان می کنند.

لذا آن محوری که انسان باید آن را ابتدا تسلیم به معصوم علیه السلام کند قلب انسان است، قلب باید نسبت به معصوم تسلیم شود و در مقابل هر حکم و اراده ای که معصوم می کند تسلیم باشد و این تسلیم شدن قلب هم مقاماتی دارد تا به تعبیر نورانی قرآن به مقامی می رسد که می شود «قلب سلیم»، که شیعیان کامل این گونه هستند، صاحب قلب سلیم هستند. این آیه نورانی قرآن در

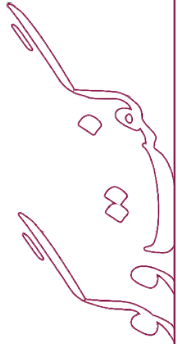
خاطر مبارك تان است، خدای متعال می فرماید: «وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ ، إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (صافات/۸۳-۸۴)؛ یکی از شیعیان وجود مقدس امیر المومنین طبق روایاتی که آیه را نقل کردند حضرت ابراهیم خلیل است. این معانی در روایات ما فراوان گفته شده است. وقتی می خواهد حضرت ابراهیم خلیل را توصیف کند می فرماید: «وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ ، إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»؛ وقتی روی به پروردگار خود آورد با قلب سلیم روی به حضرت حق آورد.

لذا در روایت ذیل این آیه [آمده است که کسی] به حضرت عرض کرد من از شیعیان شما هستم، حضرت فرمودند: که اگر مصداق این آیه شدی که «إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» آنوقت ادعا کنید من شیعه هستم «وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (۱) کسی شیعه است که صاحب قلب سلیم باشد. این قلب سلیم را در روایت معنا کرده اند: «قَالَ السَّلِيمُ الَّذِي يَلْقَى رَبَّهُ وَ لَيْسَ فِيهِ أَحَدٌ سِوَاهُ قَالَ وَ كُلُّ قَلْبٍ فِيهِ شَكٌّ أَوْ شِرْكٌ فَهُوَ سَاقِطٌ» (۲)؛ فرمود قلب سلیم قلبی است که غیر از خدا در آن قلب نیست، بعد حضرت توضیح دادند قلب سلیم قلبی است که در آن شرک و شک نیست، قلب سلیم قلبی است که صاحب یقین نسبت به حضرت حق است و غیر خدای متعال هم در آن دل راه ندارد: «كُلُّ قَلْبٍ فِيهِ شَكٌّ»؛ اگر کسی صاحب یقین نشد صاحب قلب سلیم نیست. اگر شرک در قلب وارد شد؛ یعنی انسان غیر خدا را دوست می داشت، این قلب، قلب سلیم نیست. قلب سلیم صاحب یقین



**آن محوری که انسان باید آن را ابتدا تسلیم به معصوم علیه السلام کند قلب انسان است، قلب باید نسبت به معصوم تسلیم شود و در مقابل هر حکم و اراده ای که معصوم می کند تسلیم باشد و این تسلیم شدن قلب هم مقاماتی دارد تا به تعبیر نورانی قرآن به مقامی می رسد که می شود «قلب سلیم»، که شیعیان کامل این گونه هستند، صاحب قلب سلیم هستند.**





يك جايي نمی تواند در مقابل حکم خدای متعال تسلیم شود و به نظرش می آید این حکم قابل تحمل نیست، به خاطر این است که ترازوی انسان تغییر کرده است، این قلب خالص نیست.

می دانید که ترازوی انسان قلبش است، ما در همه لحظات ترازو می کنیم، این ترازو هم با ماست، از کوچک ترین کاری که می خواهیم انجام دهیم نهایتاً آن را در کفه ترازو می گذاریم و می گوئیم خوب است یا بد است؟ انجام بدهیم یا انجام ندهیم؟ يك لقمه می خواهیم در دهان مان بگذاریم ترازو می کنیم، خدای متعال این را در وجود ما گذاشته است ترازو می کنیم بخورم یا نخورم؟ انسان در ماه رمضان لقمه را تا دم دهان می برد، گرسنه است بر می گرداند، ظرف آب را تا دم دهان می برد، تشنه است بر می گرداند. این، ترازوی انسان است. اگر این ترازوی انسان خالص شد و بر مدار خدای متعال قرار گرفت هر چه را بخواهد ترازو کند با محبت الهی ترازو می کند. هر چه خدای متعال دوست دارد او هم می پسندد، هر چه دوست ندارد ترك می کند. اخلاص در محبت بالاترین مرحله است. اگر يك جايي انسان در مقابل حکم خدای متعال وقتی در ترازو می گذارد به نظرش می آید پذیرش این حکم دشوار است و پیداست که هنوز در دل انسان اخلاص واقع نشده است. خیلی واضح است، این ترازو درست وزن نمی کند.

حضرت فرمود اگر کسی در مقام حکم، اهل نماز، روزه، زکات، حج و همه این ها است، ولی دل، در مقابل حکم خدای متعال آرام نیست می فرماید

شان کامل نمی شود «حَتَّى يُحَكِّمُوكُمْ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ» که در اختلافات شان تو را حکم قرار دهند و هر چه تو حکم کردی نسبت به آن گردن بگذارند و در دل شان احساس دلتنگی و حَرَج و نگرانی نکنند: «حَتَّى يُحَكِّمُوكُمْ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتُمْ» (نساء/۶۵)؛ در دل و جان شان هم نسبت به آن چه تو حکم می کنی و قضاوت تو، احساس حرج و دل تنگی نکنند، «و يُسَلِّمُوا تَسْلِماً»؛ تسلیم محض شما باشند، یکی از مقامات تسلیم این است.

بعد حضرت در ذیل این آیه شریفه، در آن روایتی که مرحوم کلینی در کافی نقل کرده است، فرمودند اگر کسی یا قومی نمازها را به جا می آورند، اهل زکات هستند، انفاق مالی می کنند، روزه می گیرند، جهاد در راه خدا می کنند و حج می روند اگر: «لَوْ أَنَّ قَوْمًا عِبَدُوا اللَّهَ وَحَدَّةَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ وَ حَجَّجُوا الْبَيْتَ وَ صَامُوا شَهْرَ رَمَضَانَ» (۳) همه این عبادات را انجام می دهند بعد در مقابل حکم خدا و رسول اعتراض دارند: «ثُمَّ قَالُوا لَيْشِيءٌ صَنَعَهُ اللَّهُ أَوْ صَنَعَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَ الْأَصْنَعُ خِلَافَ الَّذِي صَنَعَ» می گویند این چه طور حکم کردنی است! این حکم را نمی پسندند، بلکه حضرت بالاتر فرمودند، فرمودند اعتراض هم نمی کنند، در قلب خودشان نمی توانند بپذیرند: «لَكَانُوا بِذَلِكَ مُشْرِكِينَ» این قلب، قلب مشرک است. دلیلش هم خیلی واضح است، اگر قلب، تسلیم خدای متعال است و ترازوی قلب خدای متعال است دلیلی ندارد که حکم خدا را نپذیرد. این که می بینید قلب در

و صاحب اخلاص در محبت است. «كُلُّ قَلْبٍ فِيهِ شَكٌّ أَوْ شِرْكٌ فَهُوَ سَاقِطٌ»؛ قلب تا به مقام یقین و اخلاص در محبت نرسیده است و رد پای از غیر خدای متعال در آن هست، این قلب ساقط است. قلبی که خالص برای خدای متعال می شود قلب سلیم است و غیر خدای متعال در آن رد پای ندارد. در روایاتی که شرك خفی را معنا می کند - البته پیداست شرك جلی در مؤمنین نیست، مؤمن برای خدای متعال شریک قایل نیست اما ممکن است در عین این که فقط خدا را می پرستد به مقام اخلاص نرسیده باشد، شرکی داشته باشد که مانع اخلاص است. در روایات است که شرك گاهی آن قدر مخفی است که تشخیصش از تشخیص رد پای مورچه سیاه در شب تاریک بر سنگ سیاه، دشوارتر است. اما همین شرك هم مانع و مزاحم انسان است. صاحب قلب سلیم کسی است که هیچ گونه شك و شرکی در قلبش نیست، به مقام اخلاص رسیده است: «كُلُّ قَلْبٍ فِيهِ شَكٌّ أَوْ شِرْكٌ فَهُوَ سَاقِطٌ»؛ قلب سلیم قلبی است که: «يَلْقَى رَبَّهُ وَ لَيْسَ فِيهِ أَحَدٌ سِوَاهُ».

پس قدم اول در همراهی در معصوم این است که قلب انسان همراه با ولی خدا شود به طوری که این قلب خالص گردد: «قَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ»، که این تسلیم قلب هم مقاماتی دارد و انسان تا به مقام تسلیم نرسد از شرك نجات پیدا نمی کند. ذیل این آیه ی شریفه روایتی نقل شده است. خدای متعال در قرآن می فرماید: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ» (نساء/۶۵)؛ پیغمبر ما! این ها به مقام ایمان نمی رسند و ایمان



این هنوز به طور کامل خالص نشده است، هنوز مؤمن کامل نیست: «لکانوا بذلک مُشْرِکِین»، هنوز اخلاص در وجود انسان نیامده است. علامت اخلاص این است که انسان تسلیم محض باشد. پس قلب سلیم قلبی است که هیچ شرکی در آن نیست، یعنی تسلیم محض است. لذا حضرت بعد از این حدیث فرمودند: «عَلَيْكُمْ بِالتَّسْلِيمِ»؛ بروید این مقام را به دست بیاورید، مقام تسلیم، که هر چه خدای متعال حکم کند شما در مقابل آن حکم احساس آرامش کنید. این می شود مقام تسلیم کامل.

### تبعیت از رأی امام معصوم

اگر کسی این گونه شد و قلب تسلیم شد، که همه قوای انسان تحت فرمان قلب انسان هستند، قدم بعد این است که: «وَرَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ»؛ باید همه رأی او تابع رأی امامش باشد. نمی توان تصور کرد که انسان برای زندگی خودش رأی و برنامه ای نداشته باشد. ولی اگر برنامه او دنبال برنامه امام نبود و برای خودش یک برنامه، رأی و نظری دارد، این فرد نمی تواند همراه امام حرکت کند. همراهی با امام وقتی اتفاق می افتد که انسان تمام آرا و نظارش تبع رأی امامش باشد، طبیعتاً برنامه ای که برای زندگی خودش دارد دنباله برنامه امام باشد، در عرض امام نباشد. انسان گاهی برای خودش آرا، انظار و تدابیری دارد که دنباله تدبیر امام نیست، امام یک برنامه ای دارد او هم برای خودش یک برنامه دیگری دارد. او نمی تواند همراه امام حرکت کند. شاید یک معنای

«رَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ» یعنی همین که انسان تدبیر و برنامه ای دارد و این برنامه باید دنباله برنامه امام باشد. اما یک تدبیری برای عالم دارند و انسان درون آن نقشه امام باید حرکت کند: «وَرَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ».

### آماده شدن برای نصرت امام و همراهی با او

اگر این دو تا محقق شد «وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ»؛ همه امکانات خودش را مهیا کند تا در خدمت امام علیه السلام قرار دهد. این انسان می تواند «حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهَ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ»؛ خدای متعال اراده کرده است که دینش را به وسیله ائمه علیهم السلام احیا کند، «وَيُرِدُّكُمْ فِي آيَاتِهِ»؛ در ایام الله که عصر ظهور است و رجعت، ائمه علیهم السلام برمی گردند، «وَيُمَكِّنْكُمْ فِي أَرْضِهِ»؛ همه امکانات در اختیار آن ها قرار می گیرد، زمین در اختیار امام علیه السلام است: «وَيُمَكِّنْكُمْ فِي أَرْضِهِ». اگر کسی می خواهد همراه امام علیه السلام باشد، «فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ»، به این همراهی برسد باید این مسیر را طی کند: «قَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَرَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ»؛ قلب تسلیم محض باشد تا قلب سلیم شود، رأی، طرح و برنامه ی انسان، تبع برنامه ی امامش باشد، امکانات هم مهیا برای خدمت به امام علیه السلام باشد. چنین فردی می تواند به همراهی با امام برسد: «فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ»، دو همراهی است! بزرگان این دو همراهی را معنا کردند، به گمانم مرحوم مجلسی اول این گونه معنا کرده بودند؛ یک معنایش این است که انسان گاهی

ظاهرش همراه با امام است ولی باطنش همراه با امام نیست. در ظاهر با امامش حرکت می کند ولی قلبش با امامش نیست.

می دانید بسیاری از خوارج در جنگ صفین به حسب ظاهر در کنار امیرالمؤمنین ارواحنا فداه بودند، ولی این، همراهی ظاهری بود، دل شان با امام نبود، اعماق وجودشان با امام نبود، یک جایی هم صف شان جدا شد. این دو «معیت» یعنی هم ظاهر و هم باطن انسان، همه قوای وجودی انسان باید با امام در این عالم حرکت کند. یک معنای دیگر هم که دارد این است که ائمه علیهم السلام یک دورانی قبل از ظهور دوران دارند که به بیان خودشان از آن تعبیر به «هُدْنِه» می شود. بالأخره دوران سازش است و دوره ای است که با دستگاه مقابل فعلاً درگیری علنی ندارند. یک دوره ای است که دوران ظهور و غلبه شان است. این دو تا معیت یعنی این؛ یعنی اگر انسان در این دوران در کنار امام بود در آن دوران هم می تواند در کنار امام باشد. اگر انسان در دنیا با امام بود در آخرت هم می تواند با امام باشد. ولی اگر در این دوران در کنار امام نیست می گوید هر وقت شما پیروز شدید ما می آییم، در خدمت تان هستیم. قوم حضرت موسی علی نبینا و آله و علیه السلام به حضرت موسی عرض می کردند: «فَأَذْهَبَ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ» (مانده/۲۴)؛ شما بروید جنگ کنید ما این جا نشستیم، هر وقت پیروز شدید ما کنار شما می آییم. این انسان در دوران پیروزی هم کنار امام نیست کسی در آن دوران با امام خودش حرکت

می‌کند که در این دوران با امام باشد. کسی که در این دوران، منافع خودش را در نظر می‌گیرد خیال می‌کند که می‌تواند در آن دوران در کنار امام باشد. توهم دارد، خیال می‌کند آن طرحتی که او دارد را در



عالم اجرا می‌کند. لذا می‌گوید در دوران پیروزی شما من در کنار شما هستم. این گونه نیست. امام به برنامه خودشان در عالم عمل می‌کنند. ما اگر این دوران تابع امام بودیم، برنامه ما تابع برنامه

امام بود، رأی ما تابع رأی امام بود، در آن جا هم کنار امام خواهیم بود و الا نه.

پس این سه چیز- البته بیش از این هاست و این سه مورد حدقلی است که شرط همراهی امام علیه السلام است- تسلیم قلب، تبعیت رأی، و این که همه امکانات انسان، اعم از امکانات ظاهری و باطنی اش برای خدمت به امام علیه السلام مهیا باشد. این، انسان را به دو همراهی می‌رساند؛ یکی همراهی در دوران پیروزی ائمه علیهم السلام و دیگری هم در دوران قبلش. این، دو همراهی است، همراهی ای که مشروط نیست که بگوییم شما پیروز شوید [بعد از آن] ما به جبهه شما می‌آییم! این گونه نیست. چه در دورانی باشد که به حسب ظاهر دوران غربت آنهاست، چه در دوران غلبه آن ها، انسان باید با امام حرکت کند و این، وقتی است که انسان، این سه خصوصیت را پیدا کند. و الا تلقی انسان این باشد که وقتی پیروز شدید ما می‌آییم، این گونه نیست.

بعضی از مفسرین این آیه را این گونه معنا کردند، خداوند متعال می‌فرماید: «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ» (نصر/۱)؛ وقتی کمک و نصرت الهی فرارسید و پیروزی به دست آمد: «وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» (نصر/۲)؛ پیامبر ما! دیدی که مردم فوج فوج وارد دین شدند. این را بعضی از مفسرین این گونه معنا کردند. دین وارد قلب این ها نشده است، این ها وارد دین می‌شوند، این ها اهل دین نیستند. فوج فوج می‌آیند ولی فوج فوج هم از آن طرف می‌روند. باید دین وارد قلب انسان شود،

همراهی با امام این گونه است.

### حضور ائمه در عالم با عهد «شفاعت»

این نکته را اشاره کنم که ائمه علیهم السلام با یک عهده‌ی وارد عالم دنیا شدند. عهد آن ها این است که آمدند شفاعت و دستگیری کنند و با محبت ما را ببرند و به قرب الهی برسانند، در این عالم پر تلاطم که یک طرف شیطان است با دستگاه و کید پیچیده خودش، و طرف دیگر ائمه علیهم السلام به اذن الهی به این عالم تشریف آوردند تا با عهد شفاعت دستگیری کنند و ما را از این خطرات سنگینی که در این عالم ما را تهدید می‌کند به سلامت عبور دهند. راه نجات، همین همراهی با امام علیه السلام است. اگر انسان با امام همراه شد، همسفر امام علیه السلام شد به مقصد می‌رسد و حتماً به توحید دست پیدا می‌کند، حتماً از خطرات شرک و جهنم نجات و به وادی رحمت الهی راه پیدا می‌کند. ائمه علیهم السلام آمدند، ما باید همراه با امام شویم.

این همراهی هم در واقع معنایش این است که ما تابع می‌شویم و امام، اصل است. این همراهی بدین معنا که ما هم عرض امام قرار می‌گیریم نیست. ما باید سایه امام شویم: «قَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ»، قلب تسلیم باشد، رأی انسان تابع باشد، همه وجود انسان در خدمت امام باشد. این همراهی، همراهی تعلقی است ما باید متعلق به امام شویم. از آن طرف هم همراهی امام با ما این است که امام علیه السلام شفیع، نگهبان، قیوم و محافظ ماست.



مقام معیت تسلیم در اعماق  
و رسیدن به مقام شفاعت  
آیت الله میریاقری





همه قوام ما به همراهی امام علیه السلام است. اگر انسان به همراهی امام رسید انوار امام در وجود انسان ظاهر می شود، انسان نورانی به نور امام می شود انسان با چراغ امام در عالم راه می رود، انسان تحت شفاعت امام قرار می گیرد: «وَهُمْ وَاللَّهِ يُنَوَّرُونَ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ» (۴)؛ قلب و قوایش نورانی به نور امام می شود، ایمان یعنی همین، و با شفاعت امام در عالم حرکت می کند و با شفاعت در عالم به سمت خدای متعال حرکت می کند.

### تجلی شفاعت امام در شیعیان کامل

این، مقاماتی هم دارد. گاهی می بینید نازله نور امام مقاماتی دارد. کدام مرتبه از نور امام در وجود انسان تجلی کند؟ اگر انسان به همراهی کامل با امام رسید، همه مقامات وجودی اش همراه با امام شد، اگر به کمال ایمان رسید مقامات نورانیت امام به اندازه ظرف ممکن انسان، همه این مقامات در انسان ظهور پیدا می کند. این می شود شیعه و مؤمن کامل. مؤمن و شیعه کامل آن کسی است که به همراهی امام خودش رسیده است، در این سفر الی الله با امام خودش حرکت می کند، تبع و سایه امام است و انوار وجودی امام در وجود او هست. لذا شما می توانید نور امام را در او ببینید، از او استفاده کنید. در بعضی روایات آمده است که اگر به زیارت ما موفق نشدید به زیارت مؤمن بروید، ما زیارت شیعیان ما و مؤمنین را به جای زیارت خودمان قبول کردیم. نوری از امام در وجود مؤمن هست این معیت و همراهی، انسان را به نورانیت



امام می رساند، سیرش با نور امام است. آن گاه کسانی هستند که سرعت و سبقت در این همراهی دارند. شما ببینید اصحاب سید الشهداء با امام حسین هستند و ما هم ممکن است این شاء الله با امام حسین باشیم و هستیم. ولی آن هایی که اهل سرعت و سبقت هستند، زودتر آمدند، تسلیم تر بودند، آن ها درجات بالاتری دارند. شیعیان کامل و انبیای الهی آن هایی هستند که زودتر بر دیگران در همراهی امام و تسلیم شدن به او سبقت گرفتند، شیعیان کامل شدند، بعد مدار یک امت شدند.

حضرت ابراهیم خلیل علی نبینا و آله و علیه السلام یک امت بزرگ را خود، شفاعت و هدایت می کند. اصل هدایت از وجود مقدس نبی اکرم و اهل بیت است. آن هایی که شیعیان کامل هستند خودشان صاحب مقام هدایت و شفاعت می شوند. کسانی که همراه با امام علیه السلام می شوند، آن هایی که همراهی کامل با امام دارند و در طرح امام حرکت می کنند، هیچ از خودشان ندارند، همه قوای آن ها طبق دستور و برنامه امام حرکت می کند، طبیعتاً همه قوای شان ملحق به امام و نورانی به نور امام

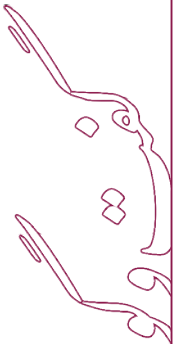
می شود، خودشان به مقامی می رسند که به تعبیر زیارت عاشورا مقام محمود است؛ یعنی شفاعت امام در آن ها تجلی پیدا می کند، آن ها واسطه هدایت، دستگیری و عبور دادن مردم از جهنم به بهشت می شوند. در همین دنیا هم کارشان همین است، بندگان خدا را از جهنم به بهشت می برند، از ضلالت به هدایت می برند، از گمراهی به سمت امام هدایت می کنند. مؤمنین و شیعیان کامل این گونه هستند.

اصل مقام شفاعت و دستگیری در این وادی، از آن نبی اکرم و اهل بیت است، مقام محمود مختص به ایشان است، ایشان صاحب مقام محمود است: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَّحْمُوداً» (إسراء/۷۹)؛ به حضرت دستور داده شده است که شما شب زنده داری کنید تا پروردگارتان شما را به مقام محمود برساند. این مقام محمود همان مقام شفاعت، دستگیری، هدایت و واسطه در رحمت شدن است. وجود مقدس نبی اکرم و اهل بیت این گونه است. این، هم مقام بسیار عظیمی است و هم کار بسیار دشواری است، خدای متعال بندگان خود را به دست هر کسی نمی دهد، اجازه نمی دهد هر کسی در کار بندگان دخالت کند، باید یک عهده با خدا بسته باشند: «لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا» (مریم/۸۷)؛ آنهایی که صاحب عهد هستند حق شفاعت دارند. خدای متعال یک قول و قرارهایی از اهل بیت گرفته است و به آن ها اجازه ی شفاعت داده است.



**کسانی که به امام ملحق می شوند، همراه امام می شوند، در طرح امام علیه السلام حرکت می کنند، گاهی سِمَت فرمادھی در این جبهه امام پیدا می کنند، خودشان به تبع امام صاحب مقام محمود می شوند، شعاعی از شفاعت و هدایت امام در آن ها قرار می گیرد و واسطه فیض می شوند. آن ها می توانند یک قوم و عده ای را وارد جنت کنند؛ چون شفاعت که حرف نیست! شفاعت یعنی عبور دادن و نفوس را پاك و تطهیر کردن، چون موجود گناهکار و موجودی که صفات رذیله دارد تا پاك نشود وارد بهشت نمی شود. انسان ناپاك را که به بهشت نمی برند، معنای شفاعت این نیست که دست انسان ناپاك را بگیرند و به بهشت ببرند. شفاعت معنایش این است که انسانی که بعضی از صفات و اعمال جهنمی در او هست، او را پاك و از این قیود آزاد می کنند، تطهیرش می کنند، بهشتی اش می کنند، آن گاه او را به بهشت می برند. این، یعنی شفاعت.**

کار انبیا در عالم همین است. کار انبیا این است که ما را پاك و تطهیر و بهشتی کنند و بعد به بهشت ببرند. اصل این مقام مختص وجود مقدس نبی اکرم و اهل بیت است. آن گاه آن هایی که همراهی می کنند، شیعه می شوند، در طرح امام حرکت می کنند، با برنامه امام در عالم حرکت می کنند، بسیاری از اوقات به آن ها مأموریت شفاعت و دستگیری می دهند و مثل انبیا و اولیا می شوند. به اندازه ای که همراه امام هستند اذن در شفاعت و تطهیر و دستگیری پیدا می کنند، این که عباد الله را از جهنم به بهشت ببرند، از ظلمات به وادی

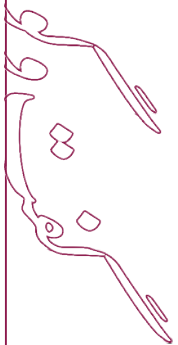


کسانی که به امام ملحق می شوند، همراه امام می شوند، در طرح امام علیه السلام حرکت می کنند، گاهی سِمَت فرمادھی در این جبهه امام پیدا می کنند، خودشان به تبع امام صاحب مقام محمود می شوند، شعاعی از شفاعت و هدایت امام در آن ها قرار می گیرد و واسطه فیض می شوند. آن ها می توانند یک قوم و عده ای را وارد جنت کنند؛ چون شفاعت که حرف نیست! شفاعت یعنی عبور دادن و نفوس را پاك و تطهیر کردن، چون موجود گناهکار و موجودی که صفات رذیله دارد تا پاك نشود وارد بهشت نمی شود. انسان ناپاك را که به بهشت نمی برند، معنای شفاعت این نیست که دست انسان ناپاك را بگیرند و به بهشت ببرند. شفاعت معنایش این است که انسانی که بعضی از صفات و اعمال جهنمی در او هست، او را پاك و از این قیود آزاد می کنند، تطهیرش می کنند، بهشتی اش می کنند، آن گاه او را به بهشت می برند. این، یعنی شفاعت.

کار انبیا در عالم همین است. کار انبیا این است که ما را پاك و تطهیر و بهشتی کنند و بعد به بهشت ببرند. اصل این مقام مختص وجود مقدس نبی اکرم و اهل بیت است. آن گاه آن هایی که همراهی می کنند، شیعه می شوند، در طرح امام حرکت می کنند، با برنامه امام در عالم حرکت می کنند، بسیاری از اوقات به آن ها مأموریت شفاعت و دستگیری می دهند و مثل انبیا و اولیا می شوند. به اندازه ای که همراه امام هستند اذن در شفاعت و تطهیر و دستگیری پیدا می کنند، این که عباد الله را از جهنم به بهشت ببرند، از ظلمات به وادی

مقام معیت تسلیم در اعماق  
و رسیدن به مقام شفاعت  
آیت الله میریاقری





نور ببرند، از گناه به وادی عبادت، بندگی، توبه و طهارت ببرند. به آن ها این اجازه ها را می دهند، آن گاه تصرف می کنند، هدایت و دستگیری می کنند، کمک می کنند، بندگان خدا را می برند. این ها هم خودشان مقاماتی دارند. در روایات دیدید، گاهی به يك مؤمن اجازه داده می شود به اندازه يك قبیله بزرگ شفاعت کند. این شفاعت در قیامت تابع همین شفاعت در دنیا است. مؤمنی که در دنیا واسطه فیض امام بوده است، دست مردم را می گرفت، کارش بود، به او اجازه داده بودند، دست مردم را می گرفت و از ظلمات به سمت نور می برد در آخرت هم از جهنم دست شان را می گیرد و به بهشت می برد.

در مشهد بودیم، يك عزیزي به من فرمودند در این فتنه هایی که الآن شده است و این گونه جوان ها را می برند چه کار باید کرد؟ گفتم من یک راه بیشتر نمی شناسم، به محضر امام رضا بروید، التماس کنید، يك کلمه ای در وجود شما بگذارند، با این کلمه بتوانید دست بندگان خدا را بگیرید، با حرف و حدیث که نیست! باید يك اذن و نورانیته داده شود تا انسان بتواند يك کاری انجام دهد. آن هایی که در دنیا متصل به امام هستند، در طرح امام حرکت می کنند، امام هم به این دنیا آمده است تا دست بندگان خدا را بگیرد و با خود ببرد. حتی بنده گاهی تلقی ام این است که عبادات ائمه در دنیا عمدتاً برای شفاعت و هدایت دیگران است. آن ها مقامات خودشان را قبل از آمدن به دنیا طی کردند، با خداوند قرار گذاشتند، به این دنیا آمدند تا دنیا

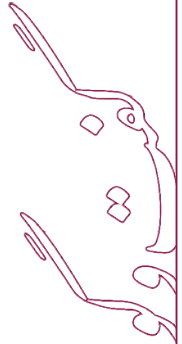
را نورانی کنند، این عالم را به نور خودشان نورانی کنند، ما را ببرند و به خدای متعال برسانند. آن هایی که به دنبال امام حرکت می کنند، در طرح امام حرکت می کنند، امام به آن ها مأموریت می دهد و واسطه بین امام و مردم می شوند. حقیقتاً هدایت به سمت امام و خدای متعال به وسیله آن ها واقع می شود. این ها خودشان در جاتی دارند.

### ◀ مقام شفاعت حضرت فاطمه ی معصومه سلام الله علیها

وجود مقدس فاطمه معصومه سلام الله علیها یکی از مقامات واقعاً عجیب و فوق العاده ای که دارند این حدیث از امام صادق علیه السلام است که فرمودند: پاره تن من در قم دفن می شود شیعیان ما «بأجمعهم» به شفاعت ایشان وارد بهشت می شوند. شما این حدیث را معنا بفرمایید یعنی چه؟! «بأجمعهم»! یعنی از همه مؤمنین دستگیری می کند. این، چه مقامی است؟! عرض کردم مقام شفاعت مقام عهد با خدا، محبت، رنج کشیدن و بار برداشتن است. بار مردم بر دوش انبیا بود. نمی خوابیدند تا عبادالله را به بهشت ببرند، خواب را بر خودشان حرام می کردند، آسایش و راحتی را بر خودشان حرام کرده بودند، نه در این دنیا بلکه در عوالم بعد هم همین طور است. وجود مقدس نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در عالم قیامت هم همین طور است. شفاعت، بار برداشتن است. کار بسیار سختی است. شما می خواهید دست يك طفل را بگیرید و قدری



او را تربیت کنید، کار بسیار دشواری است. حال می خواهند این انسانی را که دارای اختیار است، خدای متعال مجبورش نکرده است، با اختیار خودش باید به بهشت برود. می خواهند طوری او را تربیت کنند که با اختیار خودش موحد و خالص شود، فکر گناه هم نکند، يك صفت بد هم نداشته باشد. کار بسیار سختی است. حال نه يك نفر، نه دو نفر، میلیاردها انسان را می خواهند تطهیر کنند. ببینید چه کار سختی است؟! چقدر استقامت در راه خدا، محبت و فداکاری می خواهد. لذا امام «مَعْلِنِ الرَّحْمَةِ» است، «رحمت موصوله» است؛ هیچ وقت این رشته رحمت قطع نمی شود. وجود مقدس فاطمه معصومه این گونه است که همه شیعیان به شفاعت ایشان وارد جنت می شوند، شاید معنایش این است که هر مؤمنی يك مقامی از مقامات معنوی اش به شفاعت ایشان است، بأجمعهم!

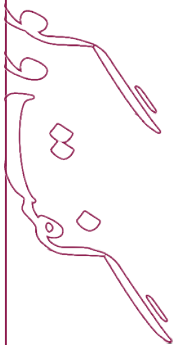


**وجود مقدس فاطمه  
معصومه سلام الله عليها یکی از  
مقامات واقعاً عجیب و فوق العاده  
ای که دارند این حدیث از امام صادق  
علیه السلام است که فرمودند:  
پاره تن من در قم دفن می شود  
شیعیان ما «بأجمعهم» به شفاعت  
ایشان وارد بهشت می شوند. شما  
این حدیث را معنا بفرمایید یعنی  
چه؟! «بأجمعهم»! یعنی از همه  
مؤمنین دستگیری می کند. این،  
چه مقامی است؟! عرض کردم  
مقام شفاعت مقام عهد با خدا،  
محبت، رنج کشیدن و بار برداشتن  
است. بار مردم بر دوش انبیا بود.  
نمی خوابیدند تا عبادالله را به  
بهشت ببرند، خواب را بر خودشان  
حرام می کردند، آسایش و راحتی  
را بر خودشان حرام کرده بودند، نه  
در این دنیا بلکه در عوالم بعد هم  
همین طور است. وجود مقدس نبی  
اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در  
عالم قیامت هم همین طور است.**

شان رسیدند الآن در وسط بهشت هستند. امام در مقامی است که همه مقامات بهشت تجلیات و نازله وجود امام است. همه نعمت های بهشتی نازله وجود امام علیه السلام هستند. این ها مضمون روایات است که من عرض می کنم. وجود مقدس فاطمه معصومه سلام الله عليها به گونه ای در خدمت امام، متصل به ایشان و شیعه کامل بودند که به مقام شفاعت و هدایتی که از ناحیه امام رضا است دست پیدا کردند، واسطه فیض هستند. بخش عمده ای از کار امام رضا علیه السلام در هدایت جامعه مؤمنین و بخش عمده ای از کار معصومین به وسیله ایشان انجام می شود. ایشان به منزله واسطه فیض همه معصومین هستند. شاید معنی این جمله که در زیارت حضرت می خوانید: «إِشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأناً مِنَ الشَّانِ»؛ یعنی شأنی از آن شأن شفاعت اهل بیت. هر امامی شفاعت می کند، یکی از شئون که امام رضا به وسیله آن شفاعت می کنند ایشان هستند. امام جواد هم همین طور هستند، سایر ائمه هم همین طور هستند. یکی از وسائط فیض همه معصومین اند، یک سلسله از دستگیری های همه معصومین به وسیله این وجود مقدس است، هر معصومی از معصومین است.

حال عنایت کنید از جمله کارهایی که ایشان در ذیل امام رضا علیه السلام انجام دادند الآن بعد از هزار و دویست سال ما می فهمیم چه کار کردند. اگر هزار و دویست سال قبل می گفتند وجود مقدس امام رضا شعبه ای از هدایت خود را در قم قرار داده

درجات مؤمنین در بهشت فرق می کند، همه که در یک درجه نیستند! آن هایی که در یک درجه ای هستند آن ها هم در یک مراحل با دستگیری حضرت وارد می شوند. مقام ایشان در اتصال به معصوم این گونه است. شأن ایشان نسبت به امام رضا این است، ایشان شیعه کامل به تمام معنا هستند. مصداق شیعه کامل وجود مقدس فاطمه معصومه سلام الله عليها است که در ایمان به مرحله کمال رسیده است در حب الامام، همراهی امام و در تبعیت از امام به کمال رسیده است. لذا یک بخشی از کار امام رضا بر روی دوش ایشان گذاشته شده است. کار امام علیه السلام کار کوچکی نیست. همه کائنات تحت اختیار امام علیه السلام هستند، برای همه عوالم کار می کند. یک بخشی از کار امام رضا بر روی دوش ایشان گذاشته شده است. کما این که یک بخشی از کار وجود مقدس حضرت سید الشهدا بر روی دوش حضرت زینب کبری سلام الله عليها گذاشته شده است. واسطه هستند، خود ایشان تحت هدایت امام هستند، به وسیله ایشان خیلی ها هدایت می شوند. همان نقشی که وجود مقدس زینب کبری سلام الله عليها در هدایت به سمت سید الشهدا داشتند، وجود مقدس فاطمه معصومه در جلب قلوب مؤمنین و دستگیری از آن ها و هدایت و سیر آن ها به طرف امام علیه السلام دارند. حقیقت شفاعت در جنت هم همین است؛ شفاعت در جنت یعنی مردم را به امام برسانید. اگر کسی به امام رسید الآن در وسط بهشت است: «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ» (انفطار/۱۳)؛ آن هایی که به امام



است ما نمی فهمیدیم. ولی الآن شما بعد از هزار و دویست سال بعضی از آثاری را که این وجود مقدس در هجرت شان به قم داشت می بینید، يك مقدار جلوه کرده است. آن موقع انسان نمی توانست بفهمد فاطمه معصومه سلام الله علیها دارند چه کار می کنند، ولی الآن می فهمیم، می فهمیم امام رضا با همین هجرت ظاهری شان به خراسان چه کردند و فاطمه معصومه سلام الله علیها در درون طرح امام رضا چه کار کردند. جامعه مؤمنین را شکل دادند و چه قدر در شکل گیری جامعه شیعه و مؤمنین در این هزار و دویست سال وجود مقدس ایشان نقش داشته است؛ نقش های ظاهری و باطنی. این، بخشی از کار ایشان در درون کار امام است. امام رضا هجرت کردند، ایشان به تبع امام رضا هجرت کردند. بخش عمده ای از آن برنامه ی هدایت و شفاعت حضرت به وسیله حضرت فاطمه ی معصومه سلام الله علیها انجام شده است.

این که بگوییم حضرت نمی دانستند، آمدند و در ساوه مریض شدند، این ها همه اش درست است ولی این ها ظاهر کار است. فرمودند قم کجاست؟ به قم تشریف آوردند، هفده روز در قم، در آن بیت النور بودند، بعد هم رحلت فرمودند، همه این ها درست است، ولی این نیست! واقع این است که حضرت يك طرح روشنی داشتند با مأموریت می آمدند و می دانستند که باید بیایند و در قم هم بمانند و کارشان هم در قم روشن است، کارشان این است که «إشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ»؛ يك واسطه هستند برای این که مردم را به امام برسانند، يك

واسه هستند برای این که مؤمنین به خدای متعال برسند: «إشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ»؛ شفاعت در توحید و ولایت است، اصلاً شفاعت در جنت یعنی این؛ دست مردم را بگیریم پاك شان کنیم، به امام شان برسانیم، از غیر، پاك شوند، متصل به امام و سرچشمه طهارت شوند، تطهیرشان کنیم.

این، کار وجود مقدس فاطمه ی معصومه است، یکی از شئون وجود مقدس فاطمه معصومه این است. همه معصومین واسطه هدایت هستند، شأنی از هدایت شان در اختیار وجود مقدس فاطمه معصومه است. ایشان در يك مقام قریبی هستند که از ناحیه هر معصومی اجازه ی دستگیری دارند. لذا حرم ایشان حرم همه معصومین است. یکی از نکاتی که قم حرم اهل بیت است شاید همین است که این وجود مقدس که واسطه فیض همه معصومین است که فوق تصور ما خیلی با عظمت و جلالت هستند در این جا رحل اقامت فرمودند و می دانستند برای چه مأموریتی می آیند. باید بیایند و این بار عظیم را بر دوش گرفتند و این کار را دارند در عالم انجام می دهند. مأموریت الهی ایشان است، مأموریت این بزرگواران که تعطیل شدنی نیست. الآن هم همین طور است، به همه ما گفتند بیایید.

این مقام چه مقامی است که مکرر از امام جواد علیه السلام نقل شده است کسی ایشان را زیارت کند «عَارِفًا بِحَقِّهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ»؛ این، یعنی چه؟ شما بفرمایید! حرف که نیست! يك کسی در يك مقامی است که اگر زیارتش کنید بهشت بر

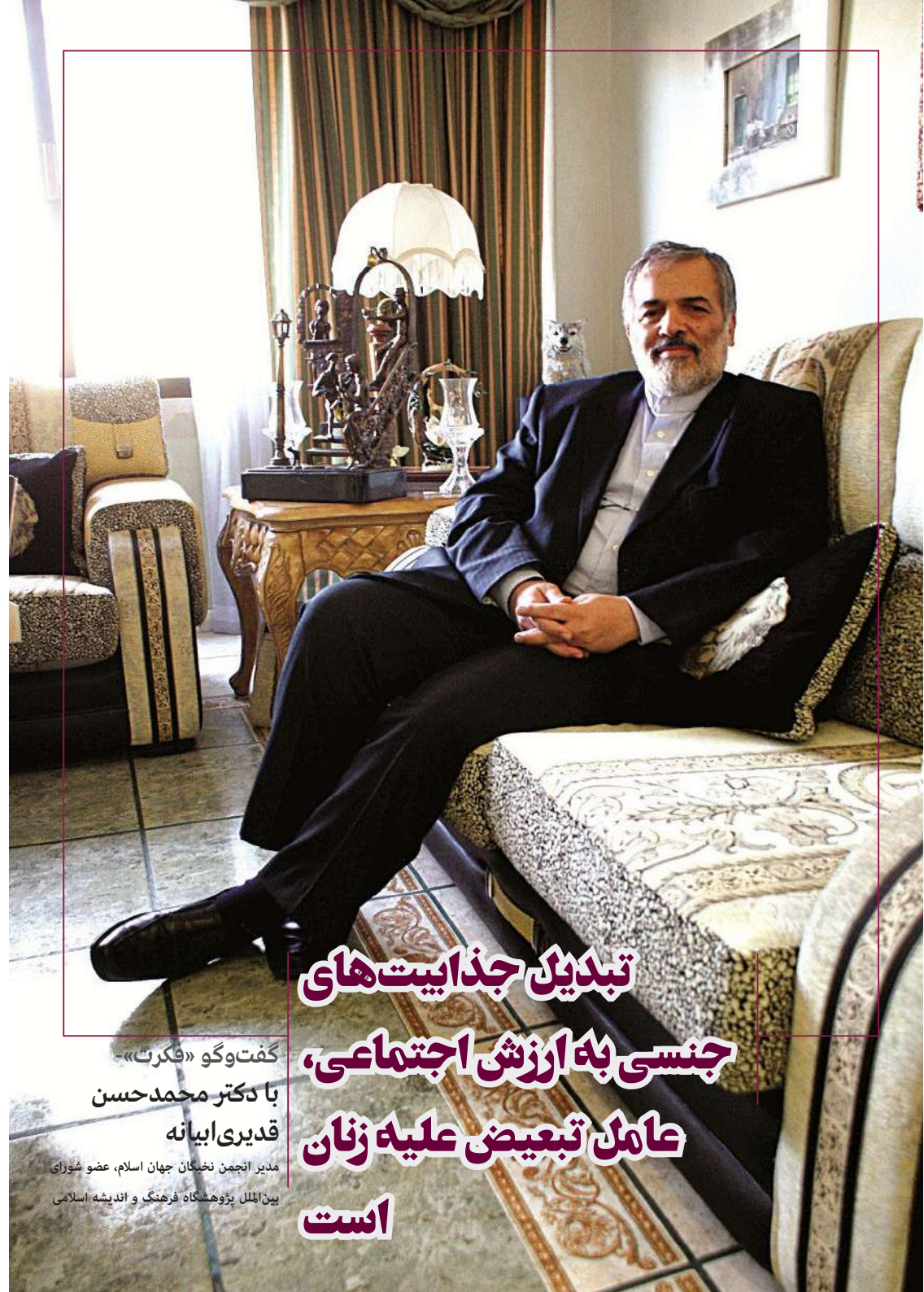
شما واجب می شود. بهشت دار موحدین، مؤمنین و اهل طهارت است. کسی ایشان را زیارت کند جزء حلقه موحدین، مطهرین و مؤمنین است، لذا این حرمی که در این جا هست فوق العاده با جلالت و عظمت است. إن شاء الله ما باید تلاش کنیم از انوار، فیوضاتی، خیرات و برکاتی که در این حرم است و در عالم منتشر می شود برخوردار باشیم. همه فیوضاتی که علمای شیعه در طول این قرن ها در این شهر داشتند از برکات وجود مقدس فاطمه معصومه سلام الله علیها است، شعاعی از برکات ایشان است که از این طریق در عالم واقع شده است و بخشی از فیوضات وجود مقدس فاطمه معصومه سلام الله علیها است. در تاریخ نقل شده است حضرت وارد قم شدند که محل نزول اجلال شان در منطقه میر در خیابان چهارمردان به نام بیت النور حضرت معروف است و هنوز هم باقی است و طبق نقل تواریخ بعد از هفده روز که در قم بودند حضرت رحلت فرمودند و در همین موطنی که ما وجود مقدس ایشان را زیارت می کنیم با احترام و جلالت به خاک سپرده شدند.

پی نوشت ها:

- (۱) التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري علیه السلام، ص: ۳۰۹
- (۲) الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۱۶
- (۳) المحاسن، ج ۱، ص: ۲۷۱
- (۴) تفسیر القمی، ج ۲، ص: ۳۷۱



◀ تشبهاً بسیار پیرامون نگرش اسلام به زنان دائماً در فضای مجازی منتشر می‌شود و دختران ایرانی در معرض این شبها قرار دارند. بسیاری از این سخنان بی‌مایه هستند و با کمی مطالعه برطرف می‌شوند. اما با توجه به شرایط فعلی و دامن‌زدن رسانه‌های غیر رسمی و صفحات و کانال‌های مجازی و شخصیت‌های ضد اسلام به این بحث و در آستانه روز دختر، گفت‌وگوی ویژه‌ای با دکتر «محمدحسن قدیری‌ایبانه»، مدیر انجمن نخبگان جهان اسلام، سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در مکزیک و استرالیا و نویسنده کتاب «زن در اسلام و غرب» انجام شده تا چند پرسش در این زمینه مورد بررسی قرار گیرد:

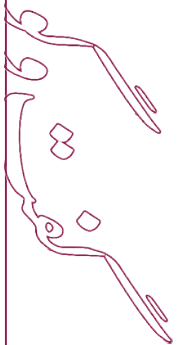


**تبدیل جذابیت‌های جنسی به ارزش اجتماعی، عامل تبعیض علیه زنان است**

گفت‌وگو «فکرت» -  
با دکتر محمدحسن  
قدیری‌ایبانه

مدیر انجمن نخبگان جهان اسلام، عضو شورای بین‌المللی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی





## فکرت: جایگاه زن در اسلام را چطور ارزیابی می‌کنید؟

خداوند ابتدا آدم و سپس حواریا را بهتر از آدم آفرید. تبعیض و ظلم علیه زنان بحث جدیدی نیست و ریشه در تاریخ دارد. برای صحبت از زن باید از روابط مرد و زن هم صحبت کرد. در اسلام روابط زناشویی، یک ضرورت بیولوژیک و انسانی محسوب می‌شود. به همین دلیل، پیامبر اسلام می‌فرماید: ازدواج نیمی از ایمان است. حق لذت‌بردن نیز همینطور است؛ لذا جذاب‌بودن از نظر فیزیکی برای مرد و زن یک نعمت الهی محسوب می‌گردد. البته این جذابیت در اسلام، یک ارزش در خلوت زناشویی است و نباید به یک ارزش اجتماعی و تجاری تبدیل شود. به همین دلیل است که زنان مسلمان، خودشان را در خانه نمی‌پوشانند. به همین دلیل اگر خانمی در خلوت با همسرش، خود را به جذاب‌ترین حالت ممکن درآورد، و مرد نیز با جذاب‌ترین حالت ممکن نزد همسرش حضور پیدا کند، و تلاش کنند برای همدیگر لذت‌آفرینی کنند، پاداش الهی دریافت می‌کنند. ولی وقتی از خانه خارج می‌شوند، نباید جذابیت فیزیکی و جسمی‌شان را نمایان کنند. نه مرد و نه زن در اسلام حق ندارند با جذابیت جسمی وارد روابط اجتماعی شوند. از نظر اسلام، ارزش اجتماعی یک زن به زیبایی یا موارد این‌چنینی نیست، بلکه به دانایی و ایمانش بستگی دارد. به وزن و رنگ و نژادش بستگی ندارد.

بلکه به اقدامات انسانی، اجتماعی و سیاسی او بستگی دارد. ما این را توهین به زن تلقی می‌کنیم که برای فروش تلفن همراه و کالاها به نمایش اندام زنان روی بیاورند. این توهین به زن است که اگر بخواهد در جایی کار کند، مجبور باشد اندام خود را به نمایش بگذارد. اگر جذابیت‌های جنسی ارزش اجتماعی یا تجاری باشد، عامل تبعیض است؛ چون کسی که فاقد این جذابیت باشد، خیلی از فرصت‌ها را از دست می‌دهد. به همین دلیل در اسلام پورنوگرافی ممنوع است. ما تفاوت بین زن و مرد را در خلقت بشر می‌دانیم. نمی‌توان تفاوت بین این رو را نفی کرد. زن است که می‌تواند مادر باشد، لذا نیازهای خود را دارد، متفاوت از مردان. البته در خیلی چیزها هم شبیه به هم هستند و در برخی چیزها هم متفاوت هستند؛ اما نکته مهم این است که زن و مرد مکمل یک دیگرند. لذا زنان در ایران اگر بخواهند، می‌توانند نیمه‌وقت کار کنند، اما مردان این حق را ندارند. برای اینکه زن، فرزند و نیازهای دیگری دارد. او می‌تواند خودش تصمیم بگیرد که نیمه‌وقت کار کند. به همین دلیل ما از حقوق برابر صحبت نمی‌کنیم، بلکه از عدالت در حقوق صحبت می‌کنیم و این تفاوت‌ها را لحاظ می‌کنیم. لحاظ نکردن و نادیده گرفتن این تفاوت‌ها و مطلقاً از برابری صحبت کردن، یعنی مرد نباید مسئولیت هزینه‌های خانواده را بر عهده داشته باشد، چراکه با برابری مغایرت دارد. در اسلام اگر جنگی ضرورت پیدا کرد، وظیفه



نه مرد و نه زن در اسلام حق ندارند با جذابیت جسمی وارد روابط اجتماعی شوند. از نظر اسلام، ارزش اجتماعی یک زن به زیبایی یا موارد این‌چنینی نیست، بلکه به دانایی و ایمانش بستگی دارد. به وزن و رنگ و نژادش بستگی ندارد، بلکه به اقدامات انسانی، اجتماعی و سیاسی او بستگی دارد. ما این را توهین به زن تلقی می‌کنیم که برای فروش تلفن همراه و کالاها به نمایش اندام زنان روی بیاورند. این توهین به زن است که اگر بخواهد در جایی کار کند، مجبور باشد اندام خود را به نمایش بگذارد.

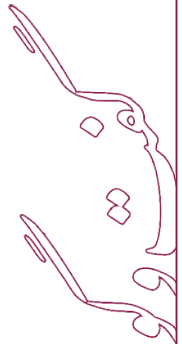
مردان است که در آن حاضر شوند. به همین دلیل است که دوره سربازی برای زنان نیست، اما برای مردان اجباری است. ولی اگر زنان بخواهند در دستگاه نظامی خدمت کنند، می‌توانند از طریق ساز و کار تعیین شده وارد این حوزه شوند. هیچکس نمی‌تواند آن‌ها را مجبور کند. لذا این تفاوت را به رسمیت نشناختن و حقوق خاص و متفاوت برای زن‌ها طلب‌نکردن، و فقط از برابری صحبت‌کردن، به نفع زنان نیست. همیشه باید این تفاوت‌ها را در نظر داشت. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: یک ساعت عدالت، بهتر از ۷۰ سال عبادت است. این عدالت را باید در رابطه با همه اعمال کرد، به خصوص زنان و کودکان. پیامبر همچنین می‌فرماید: زنان شبیه به گل هستند، با آن‌ها با خشونت رفتار نکنید. مگر نه اینکه قبل از ظهور اسلام، کودکانِ دختر را زنده‌به‌گور می‌کردند؟ از نظر آن‌ها داشتن دختر ننگ برای خانواده محسوب می‌شد. اما اسلام این نگرش غلط را از بین برد. پیامبر ما فرمودند: پسران نعمت‌های خداوند هستند و دختران نتیجه رحمت و بخشندگی خداوند هستند.

فکرت: عده‌ای بدون اطلاعی از نگرش واقعی اسلام به زن، و با پیروی کورکورانه از غربی‌ها، مدعی هستند که در اسلام شرایط ظلم به زنان وجود دارد. لطفاً در این خصوص توضیح دهید.

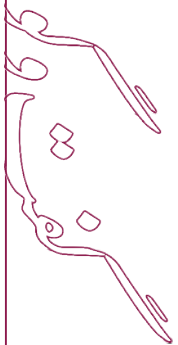
وقتی تحریک جنسی وجود داشته باشد در نتیجه، تجاوز هم وجود دارد. تجاوز هم در واقع ظلم به زنان است. در ایران که یک کشور اسلامی است، اگر در یک شهری با جمعیت یک میلیون نفری، در طول یک سال، یک تجاوز صورت بگیرد، فاجعه‌ای بزرگ محسوب می‌شود. اما وقتی این مسئله را با برخی کشورهای غربی مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم ماجرا کاملاً متفاوت است. در برخی از کشورها به زنان اجازه می‌دهند که هر طور بخواهند از خانه خارج شوند. اجازه می‌دهند همجنس‌گرایی در جامعه و میان مردان و زنان وجود داشته باشد. اما یک زن حق ندارد اندامش را در معرض دید عمومی قرار ندهد. در فرانسه اگر دانش‌آموزان دختر نخواستند اندامشان را به نمایش بگذارند، حق رفتن به مدرسه را ندارند؛ اخراج می‌شوند و حق تحصیل ندارند، حق کار هم ندارند.

ببینید، ظلم علیه زن، فقط ظلم علیه زن نیست؛ مردی که به همسرش ظلم می‌کند، به خودش هم ظلم می‌کند. مرد و زن باید یک زندگی سالم باهم داشته باشند. ظلم به دیگری ظلم به خود است. برای اینکه ارزشی را که در احترام به زنان باید داشته باشد از دست می‌دهد. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: کسی که ظلم را بپذیرد شریک ظالم است. یک مسلمان نه حق دارند ظلم کند و نه ظلم را بپذیرد. به نظر ما، زنانی که می‌پذیرند با جذابیت جنسی‌شان وارد روابط اجتماعی و تجاری شوند، شریک کسانی هستند که آن‌ها را مورد سوء استفاده قرار می‌دهند. اسلام طرفدار ارضاء جنسی در روابط زناشویی و پرهیز از تحریک جنسی در روابط اجتماعی است. وقتی تحریک جنسی وجود داشته باشد در نتیجه، تجاوز هم وجود دارد. تجاوز هم در واقع ظلم به زنان است. در ایران که یک کشور اسلامی است، اگر در یک شهری با جمعیت یک میلیون نفری، در طول یک سال، یک تجاوز صورت بگیرد، فاجعه‌ای بزرگ محسوب می‌شود. اما وقتی این مسئله را با برخی کشورهای غربی مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم ماجرا کاملاً متفاوت است. در برخی از کشورها به زنان اجازه می‌دهند که هر طور بخواهند از خانه خارج شوند. اجازه می‌دهند همجنس‌گرایی در جامعه و میان مردان و زنان وجود داشته باشد. اما یک زن حق ندارد اندامش را در معرض دید عمومی قرار ندهد. در فرانسه اگر دانش‌آموزان دختر نخواستند اندامشان را به نمایش بگذارند، حق

خردورز



تبدیل جذابیت‌های جنسی به ارزش اجتماعی، عامل تبعیض علیه زنان است  
دکتر محمد حسن قدیری آبیانه



رفتن به مدرسه را ندارند؛ اخراج می‌شوند و حق تحصیل ندارند، حق کار هم ندارند. آیا این ظلم به زنان نیست که در جوامع غربی وجود دارد؟ اگر مریم مقدس امروز زندگی می‌کرد، از این حقوق در فرانسه محروم بود! هرگز نشنیده‌ایم سازمان‌های طرفدار زنان در غرب که بر علیه تبعیض صحبت می‌کنند، از حقوق زنان مسلمان در دفاع از عدم نمایش اندامشان دفاع کنند. این چطور دفاع از حقوق زنان است که غربی‌ها و دنباله‌های آنان، از آن صحبت می‌کنند؟

📌 **فکرت: در خصوص مسئله زنان در اسلام شبهات بسیاری وجود دارد که یکی از آن‌ها بحث امکان ازدواج مرد با چند زن است، که این را ظلم به حقوق زنان می‌دانند. لطفاً در این خصوص توضیح دهید.**

معمولاً جمعیت زنان یکی، دو درصد از مردان بیشتر است. در برخی مواقع مثل مهاجرت‌ها و جنگ‌ها هم تفاوت بیشتر خواهد بود. در برخی از کشورهای آمریکای لاتین تعداد زن‌ها، میلیون‌ها نفر بیشتر از مردان است. حالا با توجه به اینکه روابط زناشویی یک حق است، این تعداد مازاد، این میلیون‌ها زن چه باید کنند؟ بر اساس کاتولسیسم، نه تعدد زوجات وجود دارد و نه طلاق. بنابراین این‌ها می‌توانند خواهران روحانی شوند یا برای همیشه مجرد بمانند و هرگز مادر نشوند. این با حقوق زن برای روابط زناشویی و برای مادر شدن منطبق نیست.

در غرب، بر اساس قانون مدنی تعدد زوجات وجود ندارند، ولی طلاق وجود دارد. بنابراین اگر میلیون‌ها مرد، زنان خود را طلاق دهند می‌توانند با زنان مجرد ازدواج کنند. در این نوع از جوامع، مسئله مادران و زنان مطلقه پیش می‌آید. مسئله برای کسی که نمی‌توانست ازدواج کند حل می‌شود، ولی برای زنانی که شوهر داشتند و حالا مطلقه هستند، مشکل ایجاد می‌شود. در اسلام یک راه‌حل برای این مشکل وجود دارد که آن تعدد زوجات است؛ البته فقط برای مردان است و نه برای زنان. تعدد زوجات مردان را یک حق و آزادی برای زنان به شمار می‌آوریم و آن را یک عمل ضد تبعیض می‌دانیم. چرا زن نمی‌تواند بیش از یک شوهر داشته باشد؟ چون احساسی‌تر است و برای اینکه مهم است که مشخص باشد چه کسی پدر فرزند است. پدر، مادر و جامعه باید بدانند پدر این فرزند کیست. در نتیجه فقط مرد می‌تواند بیش از یک زن داشته باشد، آن هم تا چهار زن. ولی زن مجبور به ازدواج نیست؛ نه با مجرد، نه با متأهل. البته به انتخاب و تصمیم خودش می‌تواند با مرد مجرد یا متأهل ازدواج کند. در اسلام فقط زن اگر خودش بخواهد، حق ازدواج با مرد متأهل را دارد. لذا این یک حق برای زنان محسوب می‌شود. در حالی که زنان در غرب این حق و آزادی را ندارند، ولی می‌توانند بدون حقوق و بدون مسئولیت، معشوقه افراد متأهل باشند. در غرب خانه‌های کوچکی مخصوص معشوقه‌ها وجود دارد. اما در

اسلام، اگر یک مرد با بیش از یک زن ازدواج کند، همه زن‌ها از حقوق مساوی برخوردارند و تبعیضی بین آن‌ها و فرزندانشان وجود ندارد. اگر مردی با بیش از یک زن ازدواج کند، باید همه چیز را به طور مساوی اختصاص دهد.



از میان مباحث و شبهات مربوط به مسائل زنان و خانواده، یکی از موضوعاتی که سال‌های اخیر بیش از سایر مباحث در سطح جامعه فراگیر شده و موجب جنجال آفرینی رسانه‌ای گردیده، مسائل مربوط به قوانین حجاب در کشور است که تحت عنوان «حجاب اجباری» بکار گرفته می‌شود. این مساله که می‌توان آن را پرچم اعتراضی برای اغلب مسائل زنان توسط مخالفان حجاب قانونی نام برد، در برهه‌های مختلف همراه با هر مسئله‌ای از مسائل مربوط به زنان در کشور مجدداً احیا شده و توسط پیاده نظام‌های رسانه‌ای جبهه رقیب موجب عوام‌فریبی گردیده است، تا جایی که توانسته‌اند عده‌ای از معتقدین به حجاب شرعی را با خود همراه و شعار آزادی حجاب را پررنگ کنند. لذا بر آن شدیم با نگاهی نو به مسئله‌ی قانونی حجاب در کشور، ضرورت الزام آن را از جنبه‌های مختلف بررسی کرده و پاسخ به شبهات مربوط به آن را در گفتگو با یکی از کارشناسان حجاب و عفاف حجت الاسلام و المسلمین سیدنژاد، پاسخ گوئیم. در ادامه به گفت و گو پیرامون این موضوع خواهیم پرداخت:

## «اجبار در حجاب» یا «الزام در حجاب»، پاسخ کدام است؟

گفت‌وگوی  
اختصاصی  
«فکرت»

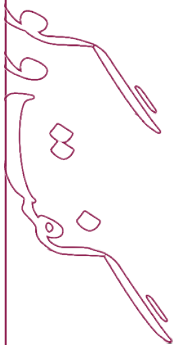
با حجت الاسلام  
سید عباس سیدنژاد

کارشناس عفاف و  
حجاب و استاد حوزه

با موضوع  
عفاف و حجاب

تهیه و تنظیم: گروه فاطمیه  
(فاطمه داداشی)





## فکرت: تفاوت الزام و اجبار در بحث حجاب چیست؟

برای پاسخ به این سوال ناگزیر باید هر یک از دو واژه الزام و اجبار را معنی کرده و توضیح دهیم. مسئله اول؛ تفاوت بار روانی و آهنگین است. الزام در لغت به معنی لازم گردانیدن کاری بر عهده خود یا غیر است. اگرچه این لغت بیشتر برای الزام و عهده دار کردن کاری بر عهده دیگری به کار برده می شود ولی الزام داشتن کاری بر عهده خود فرد، خلاف عقل و عرف نیست. معنی لغوی اجبار هم چیزی شبیه معنی الزام است و تفاوت چندانی ندارد. اهل لغت و ادبیات این دو کلمه را مترادف هم می دانند؛ اما به خاطر مواد به کاررفته در این کلمه یعنی «ج.ب.ر» خود به خود در مقابل کلمه «اختیار» قرار می گیرد و کمی بار روانی معنای آن را شدیدتر می کند. به طور کلی برخی از کلمات وقتی در کنار کلمه متضادش قرار می گیرند، معنی کاملتری پیدا می کنند. گاهی فردی را مخاطب قرار داده و به او می گوئیم «لازم است آن کار را انجام دهی» ولی گاهی می گوئیم «تو مجبوری آن کار را انجام دهی» همانطور که ملاحظه می کنید معنی دو جمله یکی است ولی بار معنایی جمله دوم شدیدتر است و ممکن است مخاطب را به واکنش وادارد. مثلا تصور کنید بابت هر کار لازمی که انسان انجام می دهد کلمه اجبار اضافه شود، چه پیامی خواهد داشت؟ مثلا در سنخ آموزش



بگوئیم مدرسه اجباری، در سنخ تغذیه بگوئیم غذا خوردن اجباری، برای درمان بگوئیم داروی اجباری و قس علی هذا... همه این کارها به نوعی اجباری است ولی تا حالا دیده ایم کسی این پسوند را برای امور زیر استفاده کند؟ این شیطنت مخالفان مسایل دینی است که از بار روانی کلمه سوء استفاده می کنند. اگر خاطرتان باشد تا همین سالهای اخیر به کسی که به خدمت مقدس سربازی می رفت می گفتند «سرباز وظیفه» ولی برای اینکه کشور را در

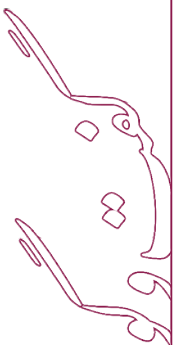
حوزه امنیت وارد چالش کنند مدت هاست از واژه خدمت اجباری استفاده می کنند. مسلم است بار روانی خوشایندی برای هیچ جوانی ندارد. مسئله دوم: محل به کار بردن این دو کلمه است. اگر کمی در ادبیات رساله های عملیه دقت کنیم معمولا مرجع تقلید حکم واجب مکلف را با کلمه «باید» تعریف می کنند؛ یعنی لزوم انجام فلان عمل، نه اجبار انجام چنین عمل، چون در بسیاری از موارد اجبار باعث نقض غرض می شود چرا که اجبار در بسیاری از عبادات

باعث بطلان آن می‌شود. مثلاً مجبور کردن کسی به گرفتن وضو یا فریضه الهی که وی هیچ نیت و قصد خاصی از روی اختیار برای انجام آن ندارد. شاید به همین دلیل است که قرآن واژه «عدم اکراه» را در دین به کار برده است؛ چرا که مکلف خود احکام دین را پذیرفته است، پس اجبار و اکراه برای انجام تکالیف شرعی در این جا معنایی ندارد ولی چون اصل دین یک مسئله اعتقادی است، نمی‌شود کسی را مجبور به پذیرفتن یک مسئله اعتقادی کرد. با این تفصیل کاملاً روشن شد که استفاده از واژه‌ی اجبار برای یکی از اعمال دین یعنی حجاب بی معنی است؛ یعنی اگر کسی اسلام را پذیرفته پس مکلف به انجام تکالیف اسلام است. برای همین در اسلام و تشیع قید شده است که «اصول دین» تحقیقی است و تقلید در اصول جایز نیست. یعنی انسان باید آنقدر تحقیق کند تا با عقل و قلب اسلام را بپذیرد. مسئله سوم: با توجه به به کار بردن این دو کلمه در حجاب و طرح شبهات پیرامون آن، باید اول هدف‌مان روشن باشد که قرار است مسئله حجاب را از کدام منظر و مکتب پاسخ دهیم؟ نمی‌شود مسئله از نگاه لیبرالیسم مطرح شود و از نگاه اسلامی پاسخ آن داده شود. اگرچه اسلام پاسخش را دارد ولی مورد قبول آن فرد قرار نمی‌گیرد و مثل آب در هاون کوفتن است؛ مثلاً طرح این سوال که «آیا حقوق و قوانین مدنی در نظام اسلامی



**دقت داشته باشیم دشمن دو تلاش همسو و هماهنگ برای مخالفت با حجاب اسلامی انجام می‌دهد. اولی ارائه‌ی الگوهای رفتاری هنجارشکن برای توده مردم با استفاده از کلماتی که بار روانی عوام‌پسند و منزجرکننده دارد؛ و دوم همراه کردن خواص آنها می‌دانند خواص علاقه زیادی برای محبوب شدن بین مردم دارند و برای شهرت و محبوبیت هرکاری را می‌کنند؛ پس در تلاشند از این حربه استفاده کرده و آن‌ها را با خود همراه می‌کنند.**

تابع احکام اجتماعی اسلام است یا خیر؟» بد نیست به اصل چهارم قانون اساسی اشاره‌ای داشته باشیم. در این اصل آمده؛ «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر برعهده فقهای شورای نگهبان است.» اساساً اسلامی بودن یک نظام و حکومت، معنایی جز این نمی‌تواند داشته باشد که آن حکومت در صدد پیاده کردن احکام اسلام باشد و این مطلبی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بدان تصریح شده است. پس جای بحثی باقی نمی‌ماند که نظام جمهوری اسلامی موظف است قانون حجاب در اسلام را که یک قانون مدنی برای پوشش زنان است به عنوان یک قانون به رسمیت بشناسد و اگر کسی فقط کمی در مبانی قوانین اسلامی و حوزه زنان و مردان و روابط بین آنان تأمل کند و آگاهی نسبی داشته باشد، درمی‌یابد که مساله حجاب، از سنخ مباحث حقوق مدنی؛ و احکامی همچون حکم زنا و لواط، در زمره قوانین مربوط به حقوق جزا (کیفری) می‌باشند؛ و اتفاقاً قوانین نظام جمهوری اسلامی هم بر همین اساس تدوین شده است. پس همانطور که گفتیم اول باید بینیم مخاطب بحث ما کیست؛ اگر کسی است که اسلام را و قوانین و احکام آن را قبول دارد ولی اعتقادی





به الزام حجاب در حکومت اسلامی ندارد، مسلماً با همین مقدمات اندکی که گفته شد به فکر فرو می‌رود؛ ولی اگر کسی باشد که قوانین اسلام را قبول ندارد، سخت است با این منظر با او وارد گفتگو شد. پس با این اوصاف، اگر قایل باشیم که در اعتقادات، اجبار و اکراه ممنوع است و از طرفی قابل باشیم که وظیفه‌ی حکومت اسلامی وضع قوانین رعایت احکام اسلامی است، خود به خود واژه اجبار حذف و واژه الزام جایگزین می‌شود.

### فکرت: پس چرا برخی از معتقدین با قانون حجاب و الزام آن مشکل دارند؟

دو علت باعث شده که ذهنیت آدم‌ها از واژه الزام نادرست باشد و این بیشتر بار روانی و اجتماعی دارد نه اعتقادی. علت اول تندروی‌ها و القاسلیقه‌ها در این حوزه است. باید اعتراف کنیم برخی بدون توجه به مضامین امر به معروف و نهی از منکر و عدم علم کافی به مراحل و مقدمات و اصول آن باعث شدند تا حتی برخی از متدینین به واژه الزام حساسیت نشان دهند. اسلام امر به معروف و نهی از منکر را برای ضمانت اجرایی احکام الهی که همانا مطالبه‌ی مومنین است، وضع کرده و این یکی از جلوه‌های زیبای حکومت اسلامی است؛ ولی متأسفانه عمل نادرست به این فریضه‌ی الهی، ممکن است باعث حذف قوانین الهی در جامعه شود.

**باید اعتراف کنیم برخی بدون توجه به مضامین امر به معروف و نهی از منکر و عدم علم کافی به مراحل و مقدمات و اصول آن باعث شدند تا حتی برخی از متدینین به واژه الزام حساسیت نشان دهند. اسلام امر به معروف و نهی از منکر را برای ضمانت اجرایی احکام الهی که همانا مطالبه‌ی مومنین است، وضع کرده و این یکی از جلوه‌های زیبای حکومت اسلامی است؛ ولی متأسفانه عمل نادرست به این فریضه‌ی الهی، ممکن است باعث حذف قوانین الهی در جامعه شود.**

### فکرت: ممکن است بفرمایید چه برخورد نادرستی انجام شده است؟

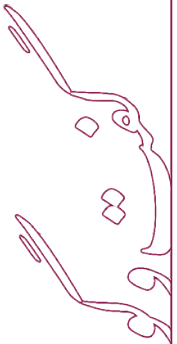
ببینید خداوند حکیم، برای تخلفات کیفری و جزایی که گفتیم، تنبیه و احکام خاصی دارد که فقط حاکم شرع و ضابطین آن می‌توانند آن را انتخاب و اجرا کنند و مردم وظیفه‌ای در قبال آن ندارند مانند زنا. اینجا باید حاکم شرع وارد عمل شود اما متأسفانه ما هنوز هم شاهد برخوردهای جزایی توسط افراد غیرضابط هستیم. اولاً بدحجابی همانطور که گفتیم تخلف کیفری و جزایی نیست و یک مسئله مدنی است. ثانیاً در مسئله‌ی مدنی ما مجاز به برخوردهای کیفری

و جزایی نیستیم مگر اینکه حاکم شرع و ضابط قضایی تشخیص دهد فلان عمل، یک عمل کیفری بوده است. اما همین برخوردهای سلیقه‌ای باعث شده مردم به واژه الزام حساس شوند و آن را مخالف آزادی مدنی خود تلقی کنند. علت دوم از ایجاد ذهنیت نادرست به واژه الزام در حجاب، رفتار هنجارشکنانه‌ی مخالفان حجاب است؛ گاهی در حد یک بدحجابی است که افراد متدین یا وظیفه شناس، تذکر لسانی و توصیه اخلاقی می‌کنند و مسئله به همین جا ختم می‌شود، ولی گاهی از این حد فراتر رفته و باعث ناهنجاری جدی در اجتماع می‌شود که به ناچار پای ضابطین و پلیس و آگاهی به وسط کشیده می‌شود. اینجا حتی اگر مسئله صرفاً ظاهر هنجارشکنانه‌ی افراد نباشد که نیست، ولی بازتاب جامعه با مداخله دشمنان و رسانه‌های معاند و تکنیک‌های رسانه‌ای، آن را مرتبط به قانون الزام حجاب کرده و مجدد ذهنیت مردم نسبت به الزام حساس می‌شود.

### فکرت: اینگونه که شما بین الزام و اجبار فرق قایل هستید، بنظرتان دلیل عدم استفاده مخالفان از کلمه الزام چیست؟

پاسخ روشن است؛ آنها به خوبی می‌دانند که نباید وارد این گرداب علمی شوند و از طرف مقابل مدافعان حجاب را وارد یک بازی باخت - باخت می‌کنند. آنها با پافشاری روی واژه «اجبار»، مخاطب را





شهرت و محبوبیت هرکاری را می‌کنند؛ پس در تلاشند از این حربه استفاده کرده و آن‌ها را با خود همراه می‌کنند. از طرفی هم توده مردم الگوپذیری خاصی از افراد مشهور دارند. و اما اولین مساله سازی غلط؛ آنها برخی از موافقان نظام جمهوری اسلامی را بدین گونه با خودشان همراه می‌کنند که بگویند «مسائل اعتقادی» مثل حجاب با «رفتار اجتماعی» مثل قوانین راهنمایی رانندگی، تفاوت دارد و دوم اینکه اجبار تنها در نوع دوم موضوعیت دارد چون به هر حال جامعه نیاز به نظم دارد ولی در مسایل اعتقادی، اجبار قبیح و خلاف فطرت انسان است و انجام آن با اکراه ارزش اجتماعی و دینی ندارد. همانطور که ملاحظه می‌کنید دو مقدمه کاملاً صحیح و منطقی است ولی نکته‌ی جالب، نتیجه‌ای است که از این دو مقدمه می‌گیرند؛ آن‌ها می‌گویند پس «یکی از اشتباهات مادر جمهوری اسلامی اجبار حجاب بوده است» در حالی که این دوستان غافل هستند از اینکه حجابی که الزام می‌شود صرفاً یک «اعتقاد» مثل نماز و روزه نیست بلکه ظهور و بروز اجتماعی دارد، با این تفاوت که جنبه دینی هم دارد. یعنی جنبه‌ی دینی داشتن یک مسئله هیچ منافاتی با جنبه رفتاری آن در جامعه ندارد. برای همین وقتی اعتقاد نداشتن به روزه تا جایی که جنبه فردی دارد هیچ کس حق برخورد با فرد را ندارد ولی به محض اینکه جنبه اجتماعی پیدا می‌کند (روزه‌خواری علنی) ازسرخ رفتارهای اجتماعی

گاهی در حد یک بدحجابی است که افراد متدین یا وظیفه شناس، تذکر لسانی و توصیه اخلاقی می‌کنند و مسئله به همین جا ختم می‌شود، ولی گاهی از این حد فراتر رفته و باعث ناهنجاری جدی در اجتماع می‌شود که به ناچار پای ضابطین و پلیس و آگاهی به وسط کشیده می‌شود. اینجا حتی اگر مسئله صرفاً ظاهر هنجارشکنانه‌ی افراد نباشد که نیست، ولی بازتاب جامعه با مداخله دشمنان و رسانه‌های معاند و تکنیک های رسانه‌ای، آن را مرتبط به قانون الزام حجاب کرده و مجدد ذهنیت مردم نسبت به الزام حساس می‌شود.

نمی‌گذارد. و قطعاً در چنین جایی مخالف اجبار که طرفدار آزادی هست، برنده بازی خواهد شد.

### فکر: چند نمونه از بازی روانی دشمن در باب الزام حجاب اسلامی را بفرمایید؟

قبل از پاسخ و بررسی این مساله دقت داشته باشیم دشمن دو تلاش همسو و هماهنگ برای مخالفت با حجاب اسلامی انجام می‌دهد. اولی ارائه‌ی الگوهای رفتاری هنجارشکن برای توده مردم با استفاده از کلماتی که بار روانی عوام‌پسند و منزجرکننده دارد؛ و دوم همراه کردن خواص. آنها می‌دانند خواص علاقه زیادی برای محبوب شدن بین مردم دارند و برای



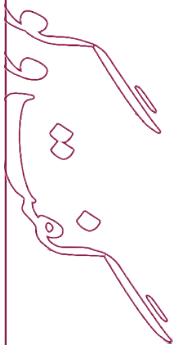
گرفتار یک چالش دو سر باخت می‌کنند.

### فکر: آیا چنانچه گفته می‌شود؛ اسلام موافق حجاب اجباری است؟

پاسخ شما در هر دو صورت یعنی چه مثبت باشد و چه منفی شما را بازنده میدان می‌کند؛ نه می‌توانید بگویید که «نیست» که در این صورت یکی از احکام اسلام را انکار کرده‌اید؛ و در مقابل اگر پاسخ دهید «هست»، آنچنان بار منفی اجبار سنگینی می‌کند که نمی‌توانید کمر راست کنید. اینجاست که همان سخن قبلی مان یعنی غلبه بار روانی مسئله بر بار علمی را تکرار می‌کنیم که اصلاً فضایی برای بحث و گفتگو باقی

«اجبار در حجاب» یا «الزام در حجاب»، پاسخ کدام است؟

حجت الاسلام سید عباس سیدنژاد



محسوب می‌شود و برای آن قانون وضع می‌گردد. اصلا از نظر اجتماعی چه تفاوتی بین «حدود شرعی» مثل پوشش حجاب اسلامی و «رفتار اجتماعی» که این افراد قایل به قانون‌گذاری و الزام و اجبار آن هستند، وجود دارد؟ با چه ملاکی حدود شرعی اجتماعی را از رفتارهای اجتماعی جدا می‌کنند؟ آیا غیر از این است که در اولی یک عنصر بیشتر برای شدت لزوم که همانا عمل به دستور اسلام و احکام است را داراست؟ یعنی رفتار اجتماعی که اجتماعی بودنش بر هیچ عاقلی پوشیده نیست، با عنصر دینی و حدود شرعی، از مقدار لزوم آن کاسته می‌شود یا بیشتر می‌شود؟ پس اگر بپذیریم که رفتارهای اجتماعی محل قانون‌گذاری و الزامات قانونی است، و اگر قبول داریم که حکومت اسلامی قوانینش را بر اساس قوانین مدنی اسلام بنا کرده است، پس چطور می‌توانیم بگوییم که قانون الزام حجاب اسلامی توسط حاکمیت اشتباه است؟ دومین سوال غلط از عدم واژه شناسی درست و ترمینولوژی دقیق از معنای واژگان صورت می‌گیرد؛ مثلا مخالفان حجاب می‌گویند «ما حق انتخاب داریم» و در ادامه‌ی این جمله، بلافاصله جمله‌ی جذاب و خوشایندی را به کار می‌برند که «خودمان تشخیص می‌دهیم در جامعه چه بپوشیم و چه نپوشیم» خوب دقت کنید به این جمله که آیا موافقان حجاب قانونی و الزامی حرفشان این است؟ مشکل با «چه» پوشیدن است؟ و منظور از چه یعنی رنگ و مدل و...؟ اگر چه همین مسئله



در جایگاه خودش مورد بحث است که آیا در جامعه (هرجامعه‌ای) انسان‌ها حق دارند هر چه دل‌شان خواست بپوشند؟ مافعلا با این کاری نداریم. باید دقت کنیم که مسئله ما با اصل پوشیدن است نه «چه» پوشیدن! مادر این مقام با رنگ و مدل روسری و چادر کاری نداریم بلکه با اصل روسری و پوشیدن سر با هم اختلاف داریم. پس وقتی خودمان را درگیر این سوال کنیم و دقت روی واژگان نداشته باشیم باز در تبادل آرا و گفتگو بازنده‌ایم. حال بیاییم سر مسئله حق انتخاب؛ باز ناچاریم کلمه حق را معنی کنیم:

” ما همواره مسئله حجاب را به شریعت گره زدیم و اگر غیر از این باشد، اشتباه است. یعنی ما تابع قوانینی هستیم که براساس مظلوبیت وضع شده باشد و این مظلوبیت دو وجه دارد؛ آنجایی که شارع سکوت کرده برعهده‌ی خود بشر است و ما نباید مردم را به آنچه شارع در موردش سکوت کرده اجبار کنیم ولی در جایی که شارع مقدس سکوت نکرده باید قوانین الهام گیرنده از مبادی وحی در ادیان الهی باشد یا از قوه عقلی جمعی و سلیم نشات گرفته باشد.

یک بار حق به معنی جواز است و یک بار به معنی امتیاز؛ در معنی اول گاهی به فرد حق خطا و اشتباه می‌دهید، یعنی او در فلان کار محوله حق اشتباه دارد یعنی احتمال اشتباه در این نوع امور وجود دارد پس فاعل آن مجاز است که اشتباه کند و در صورت اشتباه تنبیه نمی‌شود. مثلا خطای سهوی در رانندگی به عنوان یک خطا معرفی می‌شود و خطاکننده به عنوان مجرم معرفی نمی‌گردد. گاهی حق در امور تکامل و کسب یک امتیاز است؛ مثل حق مسکن برای شهروندان، حق تعلیم و... اینجا اگر به ما این حق را ندهند، مقصر هستند.

حال اینکه می‌گویند ما حق انتخاب داریم از کدام سنخ است؟ قطعاً مراد آنها اولی نیست. پس آنها می‌خواهند از این حق طلب امتیاز کنند و پوششی را انتخاب کنند که خودشان میل دارند. اگر خوب دقت کنید این نوع مطالبه از قدرت و توانایی است که خداوند به بشر عطا کرده؛ ولی سوال اینجاست در امور اجتماعی که غرب بیش از همه‌ی جوامع پاینده به قراردادهای اجتماعی خود مثل رانندگی است، مرز این انتخاب تا کجاست؟ برای چند نفر است؟ مثلاً آیا قانون می‌تواند نوع رانندگی را بسته به سلیقه‌ی تک تک شهروندان تدوین کند؟ پس این حق یعنی گرفتن امتیاز در پوشش، در جامعه و جهی ندارد و از اساس غلط است و جامعه یا به صورت خودجوش بر اساس عرف آن کشور یا منطقه پوشش را رعایت می‌کند که نقطه مطلوب ماست، در غیر این صورت حکومت موظف است برای آن قانونی در نظر بگیرد. ضمن اینکه کلمه حق در همه جوامع ناظر به حق ذاتی انسان‌هاست؛ یعنی چیزی که خداوند براساس آن خلق کرده یعنی علت فاعلیت. به عنوان مثال، غایت اسلام شکوفایی عقل است و شراب زائل‌کننده‌ی عقل. در واقع شرب شراب در مقابل غایت انسان است. پس حق به آن تعلق نمی‌گیرد. حتی اگر مثل غربی‌ها حق را حق غایی قبول کنیم باز مطلوب تا حدودی حاصل می‌شود؛ در این صورت همجنس‌گرایی حق نیست (حتی با

قرارداد)؛ چراکه با غایت اندام بشر در تضاد است. نیاز جنسی حقش رابطه با جنس مخالف است.

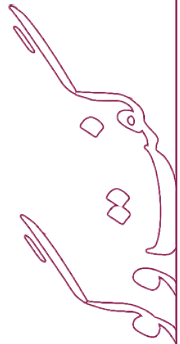
## فکرت: اگر بحث قانون و الزام قانونی مطرح شود؛ این سوال پیش می‌آید آیا در گذشته که حاکمیت بی‌حجابی را قانون کرده بود باید ما ملزم به آن قانون می‌شدیم؟ یا می‌پرسند که مثلاً در فلان کشور اروپایی قانون نداشتن حجاب است، پس چرا مسلمانان اصرار دارند در آنجا حجاب داشته باشند؟

در پاسخ باید بگوییم اگر دقت کرده باشید ما همواره مسئله حجاب را به شریعت گره زدیم و اگر غیر از این باشد، اشتباه است. یعنی ما تابع قوانینی هستیم که براساس مطلوبیت وضع شده باشد و این مطلوبیت دو وجه دارد؛ آنجایی که شارع سکوت کرده برعهده‌ی خود بشر است و ما نباید مردم را به آنچه شارع در موردش سکوت کرده اجبار کنیم ولی در جایی که شارع مقدس سکوت نکرده باید قوانین الهام‌گیرنده از مبادی وحی در ادیان الهی باشد یا از قوه عقلی جمعی و سلیم نشات گرفته باشد. حالا سوال ما این است آیا شارع در حوزه حجاب و پوشش سکوت کرده است؟ چگونه می‌شود عریان شدن را از مجری عقل سلیم قبول کرد؟ در واقع در حکومت اسلامی برای همین نهادی مثل شورای نگهبان تاسیس شده تا

وجه دینی و شرعی یک قانون را بررسی کند.

## فکرت: پس اگر قرار باشد حجاب از منظر قرآن مورد استناد باشد و حکومت اسلامی نیز بر همین مبنا حجاب را قانونی کند، تکلیف اقلیت‌های مذهبی چه می‌شود؟

اولاً که ما اسنادی داریم که همه ادیان الهی قائل به حجاب بودند و حجاب در اسلام تازگی ندارد و این مسئله به دلیل گستردگی نیاز به یک پرونده‌ی جدیدی برای گفتگو دارد. ثانیاً قوانین جامعه در آنجایی که باعث سلب امتیاز از قومیت و مذهبی باشد حق باشماست ولی ما اثبات کردیم که عریانی و بی‌حجابی امتیاز نیست. ثالثاً حاکمیت قوانین را ناظر به فرد فرد جامعه تدوین نمی‌کند بلکه برای مدیریت وظایف خودش تدوین قانون وضع می‌کند؛ مثلاً قوانین رانندگی برای قومیت‌ها و شخصیت‌ها و غیره نیست که بگوییم فلان قومیت و مذهب علاقه دارد از سمت چپ (مثل برخی کشورها) رانندگی کند. قوانین پوشش و حجاب برای کنترل جامعه و نظم در مسائل فرهنگی و مذهبی حاکمیت است و همه ملزم هستند نسبت به اجرای آن تعهد داشته باشند.





چند صباحی است که شبهات مربوط به حجاب و عفاف از حیظه موضوعی جنجال‌های اجتماعی با محوریت حجاب اجباری، به سمت اصل و ریشه‌ی حجاب و محدوده حجاب شرعی سوق پیدا کرده است. این شبهه که بیشتر وجهه فقهی داشته و نیاز به بررسی تاریخی و منابع روایی دارد، در صورت عدم پاسخگویی و تبیین درست آن، موجب گفتمان‌سازی جدیدی علیه حجاب و عفاف در سطح جامعه خواهد شد. از جهتی هم با دخالت و بزرگ‌نمایی و فریب رسانه‌ای جبهه رقیب، با چالش‌های جدی‌تری مواجه خواهیم بود. لذا بر آن شدیم در این رابطه با یکی از کارشناسان فقهی حوزه علمیه، حجت الاسلام و المسلمین تشیعی در این خصوص به گفتگو بنشینیم.

📌 **فکرت: گفته می‌شود که محدوده‌ی پوشش زنان صدر اسلام از حال حاضر کمتر بوده، و بر همین اساس خواستار بازگذاشتن بیشتر محدوده حجاب هستند. نظر شما چیست؟**

این سوال یک مساله‌ای را فرض گرفته که پیش فرض غلطی محسوب می‌شود و آن اینکه پوشش صدر اسلام کمتر از الان بوده است. در روایات تاریخی داریم که پوشش صدر اسلام چه چیز بوده است؟ این پوشش که از چند تکه تشکیل می‌شده، برای زن آزاد به این صورت بوده که یک دامن بلند داشتند که

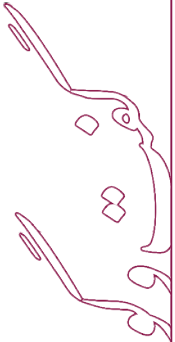


## چالش‌های حجاب و عفاف در مبانی فقهی چگونه قابل پاسخ‌گویی است؟

گفت و گو اختصاصی «فکرت» با

حجت الاسلام و المسلمین مصطفی تشیعی، پژوهشگر در مسائل فقهی

تهیه و تنظیم: گروه فاطمیه (فاطمه داداشی - سیده زهرا برقی)



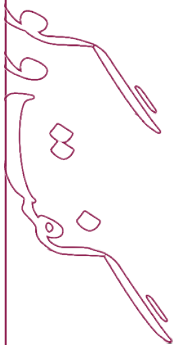
من این را با تاکید می‌گویم که شما حتی پوشش صد و پنجاه سال قبل زنان انگلیسی و اروپایی و حتی شرقی را نگاه کنید چنین مد و برهنگی را در پوشش آنها نمی‌بینید. اینها الان مساله شده است. آن موقع حتی سرشان پوشیده بود. شما به زنان انگلیسی آن موقع نگاه کنید همه موهایشان پوشیده است. پوشش زنان هندی را که مسلمان هم نیستند نگاه کنید، می‌بینید سرشان پوشیده بوده است. زنان شرقی نیز چنین هستند. الان این برای ما مساله شده که می‌گویند چرا باید موی سر پوشیده بشود. اصلا حرمت زن بوده که سر پوشیده بشود. اصلا فراتر از بحث اسلام می‌توان گفت که این امر یک بحث تمدنی و ابراهیمی بوده و در اینجا بحث بنده حتی بحثی اسلامی و تنها از منظر اسلام نیست. چون در مسیحیت و در یهودیت پوشش سر بوده و هست ولی الان چون در تعارض با مد قرار گرفته به آن می‌تازند و مورد حمله واقع می‌شود.

**فکرت: معیار و یا مصداق «الا ما ظهر منها» در آیه شریفه ۳۱ نور، چه نوع زینتی است؟ استناد این که موی سر از زینت ظاهر محسوب نمی‌شود به چیست؟ با توجه به مفهوم «تبرج» که نوعی خودنمایی آگاهانه و عامدانه است، آیا پیدا بودن موی سر و گردن به طور طبیعی، داخل در مفهوم تبرج قرار می‌گیرد؟ چه مواردی داخل در مفهوم تبرج است؟**



**شما حتی پوشش صد و پنجاه سال قبل زنان انگلیسی و اروپایی و حتی شرقی را نگاه کنید چنین مد و برهنگی را در پوشش آنها نمی‌بینید. اینها الان مساله شده است. آن موقع حتی سرشان پوشیده بود. شما به زنان انگلیسی آن موقع نگاه کنید همه موهایشان پوشیده است. پوشش زنان هندی را که مسلمان هم نیستند نگاه کنید، می‌بینید سرشان پوشیده بوده است. زنان شرقی نیز چنین هستند. الان این برای ما مساله شده که می‌گویند چرا باید موی سر پوشیده بشود.**

تا مچ پا می‌آمده و یک لباس بالایی داشتند که دو تکه بوده و بسته می‌شده و تا ساق دست را می‌گرفته و چیزی داشتند که به آن خمار می‌گفتند که این خمار هم تا روی بازو می‌آمده است. امام صادق در روایتی توضیح دادند که این خمار طولش تا بازو بوده و تا پایین سینه می‌آمده و روی موها را کامل می‌پوشانده است. علاوه بر آن در خطبه حضرت زهرا(س) ما یک توصیفی هم از جلباب حضرت زهرا داریم. جلباب همان عباى الان است که روی زمین کشیده می‌شده. پس این فرض که پوشش زنان صدر اسلام کمتر بوده، این فرض غلطی است. این در مورد زنان آزاد بود. اما در مورد کنیزان؛ دو نوع کنیز داشتیم. یکی کنیزهایی که کسی نگاهشان نمی‌کرد و کارهای دون انجام می‌دادند. اینها هم تقریبا همین پوشش را داشتند به استثنای اینکه پوشش پا تا مچ پا نبوده بلکه تا ساق پا بوده و پوشش دستشان هم تا بازو بوده است. اما کسانی که کنیز بودند و بر رویی داشتند اصطلاحا اینها امّ وکد می‌شدند و در حرمسرای اشخاص بودند که در خطبه حضرت زینب هم به این مورد اشاره شده که حضرت زینب به ابن زیاد اعتراض می‌کنند که تو ما را آوردی اینجا وسط صحن قصر در صورتی که زنان و کنیزان خودت را در پشت حریم و حرم خودت قرار دادی و نمی‌گذاری کسی آنها را نگاه کند. این آن چیزی است که در خصوص زنان و پوشش زنان صدر اسلام وجود دارد و به هیچ عنوان برهنگی و پوشش به عنوان مد آنچنان که الان مطرح هست، آن زمان مطرح نبوده است.



در خصوص «ألا ما ظَهَرَ مِنْهَا» آن چیزی که در روایت آمده این است که ظَهَرَ مِنْهَا، در خصوص وجه و کفین و قدم است. یعنی آیه را روایت، تفسیر و تبیین کرده که معیار چیست و ما هم بنابر آیات قرآن، همین روایات را مفسر واقعی احکام و قرآن می‌دانیم. در خصوص بحث تبرج، می‌فرماید: تبرج الجاهلیه. وقتی که امر به حجاب شد، و حجاب برای مسلمانان و مومنان فریضه دانسته شد، تبرج جاهلیت می‌شود آن قسمتی که در زینت زنان منع شده است. آیه می‌فرماید که زینت زنان حرام است و باید پوشانده شود به غیر از ظَهَرَ مِنْهَا. معلوم است که این ظَهَرَ مِنْهَا به خودی خود تبرج نیست. جز آن، تبرج است. حالا می‌خواهد موی سر باشد یا هر چیز دیگر. بلکه غیر از آن تبرج به حساب می‌آید. به غیر از آن اقسام دیگری از خودنمایی هست که آنها جزء زینت‌های آرایشی محسوب می‌شوند مثل خلخال و مواردی که در آیات و روایات آمده است.

## فکرت: بلحاظ فقهی آیا در مورد محدوده‌ی پوشش نص قرآنی یا روایی داریم؟

از لحاظ فقهی برای پوشاندن موها و پوشاندن بدن به جز وجه و کفین، نصّ روایی داریم و روایتش هم موجود است. موی سر باید پوشانده بشود. یک مساله‌ای هست که برخی گفته بودند که بعضا از فقها اشاره‌ای نکردند به اینکه موی سر عورت است. این اشکال ضعیفی بود. قضیه این است که یکی از

فقه‌های قرن ششم که اسمش خاطریم نیست و کتابش هم در دسترس نیست، در آن کتاب نوشته بوده که از نظر ما عورت تمام بدن زن است. یک اصطلاح فقهی هست که می‌گویند زن مثلا تمامش عورت است به جز وجه و کفین. منظور از عورت این است که باید پوشانده شود نه اینکه عیب است. بعد ایشان از او نقل قول می‌کنند که من از این فقیه قرن ششمی شنیدم که البته در کتابش که در دست نیست گفته عورت فقط همان بحث اندام تناسلی است و اصلا به مو بر نمی‌گردد. یعنی آن فقیه دوم اصلا اسم مو را نیاورده. گفته از فلان فقیه شنیدم که فقط اندام تناسلی را گفته است. اینها برداشت‌شان این بوده که این فقیه قرن ششمی گفته که منظور از عورت،

آنچه باید پوشانده شود، فقط بحث تناسلی است. بعد این را نسبت می‌دهند به این که از نظر فلان فقیه حجاب سر واجب نبوده. این خیلی اشکال ضعیفی است. اولاً کتاب آن فقیه اصلا در دست ما نیست. دوماً این فقط یک نقل قول است. سوماً اگر ما این نقل قول را بگوییم درست است پس این فقیه حتی پوشاندن بالاتنه را هم واجب نمی‌داند. اما اصلا این حرف در سایر فرهنگ‌ها هم بد است که بگوییم مثلا بالاتنه نیاز به پوشاندن ندارد. بعد بیاییم این را به اسلام نسبت بدهیم؟ این اشکال ضعیفی است که ایشان کرده و اصلا مستند ندارد.

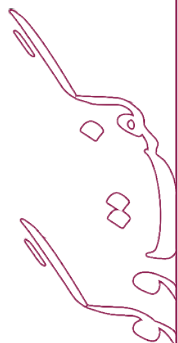


## فکرت: آیا پوشاندن موی سر وجه تکلیفی و وجوب داشته یا وجه استحبابی برای رعایت بیشتر عفاف؟

با توجه به اینکه برای زنان سالخورده عدم رعایت حجاب جایز گردیده، یا اینکه برای کنیزها واجب نشده است، آیا نمی‌توان گفت «زن بودن» و «مسلمان بودن» ملاک رعایت حجاب نیست بلکه جذابیت و جلب توجه ملاک شرعی حجاب است؟ یک بحث قاعده‌ای هست و آن این است که وقتی در قرآن، امری می‌شود؛ این امر ظهور در وجوب دارد. خب آیه قرآن به زنان در خصوص بحث جلاب و بحث خمار امر می‌کند. فارغ از روایاتی که ما در این زمینه داریم که آنها هم به حجاب غیر از وجه و کفین امر می‌کنند، این ظهور در وجوب دارد. و هیچ روایتی و هیچ نقلی ما در خصوص خلافش نداریم. البته ما یک بحث عبادی در مورد حجاب داریم و یک بحث عمومی و اجتماعی نیز قابل طرح است. حجاب یک ساحت عبادی دارد که سر جای خودش هست. کاری هم به بحث جذابیت ندارد یعنی حتی یک پیرزن که حجاب دارد به عنوان عبودیت، این دارد ثواب خودش را می‌برد. بحث نماز هم که حجاب «الصلوة» به جای خودش است. یک بحث اجتماعی و عمومی داریم فارغ از بحث عبادت و عبودیتش. این برمی‌گردد به مناط مفسده و تبرج. اینکه قرآن می‌گوید که پیرزن حجاب سر اگر نداشته باشد باکی نیست، اما اگر داشته باشد بهتر است، اینکه نداشته باشد اشاره دارد به آن وجه عمومی اش که اگر نداشته باشد مفسده‌ای ندارد.

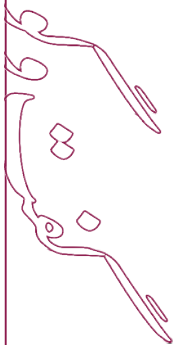
اینکه اگر حجاب داشته باشد، بهتر است، اشاره دارد به جنبه عبادی‌ش. و اینکه می‌گوید حتی بی حجاب هم حق ندارد آرایش کند، اشاره دارد به همین مناط مفسده. برای همین، اینطور نیست که بگوییم ملاک در حجاب، جذابیت ظاهر است. نه بحث عبودیتش هم هست. اما وجهه عمومی و جذابیت ظاهری هم دارد. و بحث جذابیت ظاهری پنجاه درصد از کار است و بحث عبودیت پنجاه درصد دیگر از کار است. با این اوصاف، با این هجومی که الان هست و مد و موارد دیگر مطرح می‌شود، دیگر در کل محور همان جذابیت ظاهری است در مقابل حجاب. در مورد آیه زنان سالخورده یک تحلیلی هست که من جایی ندیدم. این بحثی که در ادامه ذکر می‌شود، تحلیل شخصی بنده است که با تحقیق بدان رسیدم. در قرآن آن آیه‌ای که اشاره دارد که پیرزن‌ها حجاب سر نداشته باشند و همانجا دوباره می‌گوید که اگر داشته باشند بهتر است، که می‌گوید که آنهایی که پیرزن هستند و امیدی به ازدواج شان نیست، عین ترجمه آیه این است که: «باکی برشان نیست که حجاب نداشته باشند. اما اگر داشته باشند بهتر است. البته تبرج و زینت نباید بکنند.» این آیه قرآن است. تحلیل آیه این است که خب حجاب در آیه دیگری واجب شده که اینجا می‌گوید باکی نیست اینها حجاب نداشته باشند. اگر حجاب سر و آن حجاب اسلامی که ما امروز به آن حجاب اسلامی می‌گوییم، واجب نشده بود؛ دیگر اصلاً معنایی نداشت یک آیه دیگر بیاید بگوید که البته بر پیرزن‌ها باکی نیست

نداشته باشند، گرچه داشته باشند بهتر است. یعنی دیگر این آیه، کاملاً قرینه برای این است که آیات دیگر که امر دارند به خمار و جلاب، ظهورش در وجوب است که اینجا دارد استثنا می‌کند. در مورد پوشش کنیزها آن چیزی که ما داریم، استثنا در خصوص ستر الصلاة و حجاب الصلاة است که سندش زیاد قوی نیست منتها مورد اعتنای فقهای ما فقط در مورد فتوا قرار گرفته است. به این معنا که برای کنیز، در نماز واجب نیست که موهای سرش را بپوشاند. در خصوص اینکه کنیزها در تاریخ، چگونه گذر کردند گفتیم که دو قول تاریخی در این مورد داریم. یک قول تاریخی در مورد پاپتی‌ها و مسن‌ها و آنهایی است که کارهای دون انجام می‌دادند. این افراد یک چیزی روی سرشان می‌انداختند اما برایشان مهم نبوده. پوشش پایشان هم تا ساق پا بوده و پوشش دستشان هم تا بازو بود. آن کسانی که کنیزانی خوش صورت و زیبا بوده و در حرمرها بودند، پوشیده بودند. تنها بحث فقهی که آمده بحث حجاب الصلوه است که فقهای ما فتوایشان این بوده که بر اساس روایات موجود که اکثرشان روایات اهل سنت است، این است که کنیز حجاب الصلوه برایش لازم نیست. یک روایت دیگری هم هست در خصوص زنان عشایر. از امام صادق (ع) پرسیدند که زنان عشایر، آن چیزی که ما به آن پوشش اسلامی می‌گوییم را به آن صورت دقیق ندارند. حکمش چیست؟ یعنی چیزی شبیه پوشش زنان شمالی که نشا می‌کنند و اکثراً یک چادر می‌بندند کمرشان و یک روسری



چالش‌های حجاب و عفاف در مبانی فقهی چگونه قابل پاسخ‌گویی است؟  
حجت الاسلام والمسلمین  
مصطفی تشیعی





می‌بندند و مثلاً گردن یک خرده باز است. امام صادق (ع) می‌گویند این هم در این حد اشکالی ندارد. در واقع در اینجا منظور همان شمایل ساده‌ی روستایی است. مسلماً کاملاً مشخص است که به هیچ وجه این بحث پوشش‌های مبتنی بر مد روز را در بر نداشته و فقط همان پوشش و لباس ساده‌ی روستایی مدنظر و بلاشکال است.

### فکرت: آیا نمونه‌های دیگری در سایر احکام شرعی وجود دارد که امر و وجوب در چیزی باشد اما برخی موارد آن استثنا شده باشد؟

بله، مثلاً در بحث ربا داریم که ربا مثلاً حرام است. به غیر از بحث ربای بین پدر و پسر. و بین پدر و پسر ربایی نیست. همچنین در خصوص زن و شوهر این استثنا هست که اگر از همدیگر ربا بگیرند حرام نیست. در مورد بحث رقص هم همینطور است. رقص، در کل حرام است مگر برای زن و شوهر. این استثنائاتی است که وجود دارد.

### فکرت: عبودیت در حجاب به چه معناست؟

عبودیت در بحث حجاب این است که خداوند امر کرده به خمار و جلیاب، یعنی یک پوشش نسبتاً کامل. امر کرده به یک حریم و پرده نشینی. حالا این، فارغ از بحث مفسده و اینها هست.

چون برای پوشش در نماز هم این امر پسندیده است. در واقع می‌شود گفت که این پوشش پسندِ خداوند است. این وقار پسند خداوند است. برای همین در نماز هم برای زن واجبش کرده است. در اینجا دیگر بحث محرم نامحرمی نیست. این، اطاعت از امر خدا در این زمینه و وقع نهادن به این پسند الهی، این بحث عبودیتی و عبادی دارد.

### فکرت: آیا در صدر اسلام برخورد حکومتی با بی‌حجابی داشته‌ایم؟

ببینید. همانطور که گفتم بحث پوشش به خاطر به وجود آمدن مد در قرن بیستم الان معضل ما شده است. یعنی ما در خصوص پوشش، تا قبل از قرن بیستم اصلاً درگیری خاصی در جامعه‌ای نداشتیم. حتی در غرب و شرق اصلاً چیزی نبود. به صورت معمول همانطور که عکس‌هایش هست، پوشیده بودند. حتی این مقدار لختی و برهنگی که بوجود آمده بود در هنرشان، بعد از رنسانس بوجود آمده بود. این مسئله را همه کسانانی که بحث هنر دوران رنسانس را مطرح می‌کنند ادعا دارند. در واقع معتقدند که این سطح از برهنگی بعد از رنسانس آمده و قبل از رنسانس این هم نبود. پس این امر نشان می‌دهد که در صدر اسلام در خصوص پوشش زنان اصلاً درگیری و دغدغه‌ای نبوده است. به خاطر اینکه به صورت سنتی و اصیل، اینها پوشیده بودند و اصلاً احتیاج چندانی به این نبوده که اصلاً اسلام بیاید چوب بگیرد بالای سرشان که این کار را بکنید.

در دوران معاصر، صنعتی به وجود آمد به نام صنعت مد که این پوششی که اصیل و سنتی بود در تعارض با این مد قرار گرفت و الان برای ما معضل شده است. برای همین خیلی‌ها سوال می‌کنند که چرا ما روایتی از برخورد حکومتی پیامبر با مثلاً معضل بدحجابی نداریم. این بخاطر این است که اصلاً معضلی نبوده که پیامبر بخواهد با آن برخورد حکومتی بکند. چرا روایتی هست که مثلاً اسماء خواهر عایشه لباسی پوشیده بود که یک مقداری نازک بود. پیامبر روی خود را برگردانده بود و با عتاب گفته بود که این پوشش درست نیست یا مثلاً روایت دیگری داریم که پیامبر حد پوشش را آمرانه برای زنان و جامعه توضیح می‌دهند و می‌فرمایند باید حجاب اسلامی باشد اما ما در تاریخ نمونه برخورد حکومتی پیامبر با این مساله را نداریم. البته همانطور که عرض کردم تذکراتشان را داریم ولی برخورد و عتابی حکومتی در میان نبوده است. در آن زمان، مردان و زنان بنا بر آن پوشش اصیل و سنتی خودشان زندگی می‌کردند و این رویه حتی تا بعد از صدر اسلام تا قرون وسطی و بعد از آن نیز وجود داشت و تا قرن نوزدهم و حتی تا بعد از رنسانس نیز در جهان پابرجا بوده است. اما همانطور که در ابتدا عرض کردم در اوایل قرن بیستم که دنیا در تقابل با مد و مدگرایی قرار گرفت، مسئله‌ی حجاب و پوشش اهمیت پیدا کرد و به دنبال آن مطالباتی صورت گرفت.



👉 طی سال‌های اخیر شبکه‌های اجتماعی آمریکایی-صهیونیستی طرفداران بسیاری در سطح جهان پیدا کردند. در کشور ما نیز فرصت و شرایط برای فعالیت این نرم‌افزارها آماده شد و با گذشت مدت زمان کوتاهی، شبکه‌های اجتماعی نظیر تلگرام، اینستاگرام، واتس‌آپ، توئیتر و... مورد استفاده عموم مردم قرار گرفتند. مشکل اما زمانی مشخص می‌شود که فضای این شبکه‌ها به دقت مورد بررسی قرار گیرد. مثلاً اینستاگرام باعث شد زمینه‌های بروز بی‌حیایی در سطح فضای مجازی و حقیقی به وجود بیاید. متأسفانه این شبکه اجتماعی به شدت در مقوله حیازدایی از دختران ایرانی مؤثر عمل کرده است. در همین راستا گفت‌وگویی با آقای روح‌الله مؤمن‌نسب، پژوهشگر و کارشناس فضای مجازی انجام گرفته تا ابعاد این مسئله مورد بررسی قرار گیرد.

👉 فکرت: رویکرد فضای مجازی نسبت به دختران و زنان چیست؟

فضای مجازی که الان در اختیار داریم، بازیگران اصلی‌ای دارد که عمده‌ترین آن، اینستاگرام، واتس‌آپ، گوگل و امثال این‌هاست. این نرم‌افزارها زاینده تفکر جنسیت‌گرای غرب هستند. در تفکر غرب، سکولاریسم و محصولاتش یعنی لذت‌گرایی و سودگرایی تبلور پیدا کرده و مبنای قرار گرفته است.

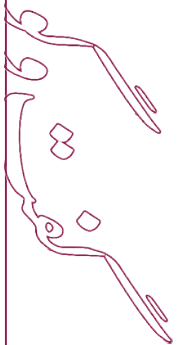
## تأسیس شبکه‌های مجازی ایرانی-اسلامی می‌تواند حیازدایی را متوقف کند

گفت‌وگوی  
اختصاصی  
«فکرت»

با مهندس روح‌الله  
مؤمن‌نسب

با موضوع  
مقام دخترانه در  
فضای مجازی

تهیه و تنظیم: مجید رحیمی



طبیعتاً وقتی این تفکر محصولی را تولید می‌کند و مثلاً آسمش را می‌گذارد اینستاگرام، این نرم‌افزار باید فردمحوری را تقویت کند؛ یعنی باید مخاطبان را به خودشان سرگرم و گوشه‌گیر کند. می‌بینیم که فعالین این شبکه به این نقطه رسیده‌اند. اینستاگرام که تولید این تفکر است، باید لذت‌گرایی را نیز تقویت کند. یعنی مخاطبان باید به دنبال لذایذ، به خصوص لذایذ جنسی و جنسیتی و شیطانی باشند. سودگرایی هم در بحث تعداد فالور و کلیک و این‌ها، بازار مکاره‌ای به وجود آورده و لذا این بحث هم در اینستاگرام مشهود است. وقتی کیس واحدی مثل اینستاگرام را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم مخاطب مجبور است با روش زیست مطلوب غربی‌ها زندگی کند و اگر چنین سبکی در رفتار فرد نباشد، مثلاً سکولاریسم در رفتار آن‌ها نباشد و در عوض شهادت‌طلبی، اسلام‌گرایی و حتی توجه به مشکلات مردم و موضوع کرونا باشد، صفحات موثری که در این زمینه فعال هستند، حذف و محدود می‌شوند؛ چون طبیعت و ذات این شبکه‌ها این است که مشکلات مردم ربطی به مخاطبان ندارد و به مرور زمان کار به جایی می‌رسد که مردم هم همین را می‌گویند. وقتی برای هم‌نوعمان مشکلی پیش بیاید و عکس‌عملی نشان ندهیم، طبیعتاً اگر برای ما هم مشکلی پیش بیاید کسی عکس‌عملی نشان نمی‌دهد و لذا همه به افرادی منزوی

و گوشه‌گیر تبدیل می‌شوند. این ویژگی در گوشه‌گوشه فضای مجازی و نرم‌افزارهای ساخت تفکر مکتب غرب‌گرایی دیده می‌شود. عده‌ای که در کشور غرب‌گدایی را ترویج می‌کنند، به دنبال این هستند که همان تفکر را در کشورمان نهادینه کنند که حاصل آن می‌شود خیلی از اتفاقاتی که در سطح جامعه می‌بینیم، مثل خشونت‌های بی‌مرزی که اینستاگرام و تلگرام و امثال این‌ها دارند، و یا شکسته‌شدن حریم‌ها و حرمت‌ها، نابود شدن حیا در بخش بزرگی از جامعه که در واقع ویژگی دختران ما و حتی دختران غیر مسلمان ایرانی است. من معتقدم آن بخش از فضای مجازی که ساخته‌شده غربی‌ها و یا دنباله‌های داخلی‌شان است، طبیعتاً خروجی‌اش جز چیزی که در سطح جامعه دیده می‌شود، نیست. راهکارش هم قاعدتاً این است که همانطور که در فضای فیزیکی انقلاب اسلامی را شکل دادیم، و نظام سیاسی‌مان را به سمت استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بردیم، باید این چهار رکن را در فضای مجازی بازسازی کنیم و به باید به سمت تحقق انقلاب اسلامی در فضای مجازی برویم تا استقلال داشته باشیم و در نتیجه طعم آزادی و مردم‌سالاری دینی را بچشیم. لذا نیاز داریم همان مسیری که در فضای فیزیکی در آن حرکت کردیم را در فضای مجازی نیز دنبال کنیم. البته می‌توانیم خیلی دقیق‌تر و با اشتباهات کمتر و با استفاده



از تجاربی که در فضای انقلاب اسلامی به دست آوردیم، اهدافمان را در فضای مجازی محقق کنیم و چاره‌ای هم جز این نداریم. در نتیجه باید شبکه‌های اجتماعی ایرانی - اسلامی طراحی بشود. محتواهای نظام ارزشی فضای مجازی ایران باید یک نظام ارزشی متکی بر آموزه‌های اسلامی باشد و نهایتاً باید به این سمت برویم که بتوانیم انقلاب اسلامی و تمدن بزرگ اسلامی را در سطح فضای مجازی محقق کنیم.

📌 **فکرت: راهکاری که شما فرمودید نیازمند این است که مسئولین مربوطه عزم جدی داشته باشند تا شبکه‌های اجتماعی ایرانی - اسلامی طراحی شود. به نظر شما با توجه به شرایط فعلی، امیدی هست کاری در این زمینه انجام شود؟ اصلاً تولید**

## نرم افزارهای ایرانی در سطح مناسب باعث می شود مردم به استفاده از این شبکه های اجتماعی روی بیاورند؟

در تحقق انقلاب اسلامی در فضای فیزیکی که اتفاق افتاد، پیش از پیروزی انقلاب نهضت های مختلفی شکل گرفته بودند. حضرت امام از سال ۱۳۴۲ فریاد انقلاب اسلامی و اعتراض به کاپیتولاسیون را شروع کردند. اما به نظرم وقتی انقلاب اسلامی محقق شد که مردم از شاه نا امید شدند. نا امیدی از دشمن یک قدم بسیار مهم است که هنوز در فضای مجازی محقق نشده است. هنوز هم خیلی ها به فیسبوک، گوگل، توئیتر، اینستاگرام و امثال این ها که زاییده دشمن است و توسط دشمنان مستقیماً کنترل می شوند، امید دارند. این امید باید قطع بشود و لازم است هزینه های سنگینی پرداخت کنیم. تا وقتی که کافر به طاغوت نشویم، ایمان به خدا معنا و مفهوم واقعی خودش را پیدا نمی کند. هستند کسانی که ایمان به خدا ندارند ولی کافر به طاغوت هستند، و چه بسا این ها پیش خدا عزیزتر باشند و بر دنیا هم اثر مثبت بیشتری داشته باشند نسبت به آن هایی که مثلاً ایمان به خدا دارند، اما کافر به طاغوت ندارند. اگر در حوزه فضای مجازی می خواهیم به جایی برسیم، اول باید از دشمن نا امید بشویم؛ دوم، باید امیدمان به خدا و انسان های الهی باشد؛ سوم، باید پارادایم فضای مجازی را با توجه به



”

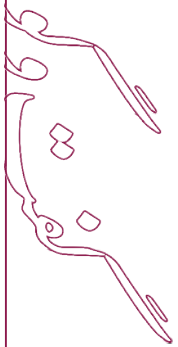
**در تحقق انقلاب اسلامی در فضای فیزیکی که اتفاق افتاد، پیش از پیروزی انقلاب نهضت های مختلفی شکل گرفته بودند. حضرت امام از سال ۱۳۴۲ فریاد انقلاب اسلامی و اعتراض به کاپیتولاسیون را شروع کردند. اما به نظرم وقتی انقلاب اسلامی محقق شد که مردم از شاه نا امید شدند. نا امیدی از دشمن یک قدم بسیار مهم است که هنوز در فضای مجازی محقق نشده است.**

همان دورکن قبلی تغییر بدهیم، به شکلی که نظام ارزشی فضای مجازی، به سمت تحقق همان تمدن بزرگ اسلامی پیش برود. پس یک مسیر طولانی در پیش داریم؛ اما این مسیر طولانی ممکن است از نظر زمانی کوتاه باشد. ممکن است که فرضاً مردم ما ظرف چند ماه یک دفعه به چنین نقطه ای از تعالی برسند که متوجه این مسئله بشوند و به آن عمل کنند. در هر صورت مسیر پیچیده است و دشمن کادرسازی و مدیرسازي کرده و کنترل می کند و اجازه نمی دهد این اراده ها شکل بگیرد؛ اگر هم شکل گرفته باشد سعی می کند این امید را بگیرد و نهایتاً این ها را در نطفه خفه کند؛ اگر هم موفق نشود، وقتی بروز اجتماعی پیدا کردند، دشمن به وسیله جریان های اجتماعی تحت کنترل خودش این ها را نابود می کند؛ لذا کار، کار پیچیده ای است. حضرت امام بعد از انقلاب گفتند تازه انقلاب شروع شده و حفظ انقلاب سخت تر از تحقق انقلاب است. حضرت آقا هم می گویند با گذشت حدود ۴۰ سال از انقلاب، هنوز نظام اسلامی را طراحی نکردیم که برسیم به دولت اسلامی و سپس جامعه اسلامی و نهایتاً تمدن اسلامی محقق شود. باید زمان و انرژی زیادی صرف کنیم. باید کادرسازی کنیم و آموزش بدهیم. پارادایم خودمان را باید در مراکز فکری و علمیه مان ایجاد کنیم و متناسب با آن سرویس طراحی

خردورز

تاسیس شبکه های مجازی ایرانی - اسلامی می تواند حیا دایی را متوقف کند مهندس روح الله مومن نسب

۳۵



کنیم و مردم به محض اینکه طعم آزادی و استقلال را چشیدند، پای کار می‌آیند، یعنی جمهوریت محقق و اسلام حاکم می‌شود. تعبیر حضرت امام این است که اساس خلقت با تربیت است. ما باید از تربیت شروع کنیم. وقتی امام در سال ۱۳۴۲ (با این مضمون) فرمودند: یاران من در گهواره‌ها هستند، یعنی امام به دنبال تربیت بودند. تربیت کودکانی که سال ۱۳۵۷ به جوانان و نوجوانان برومندی تبدیل شدند که بساط شاه را در هم پیچیدند. این کار را ما هم باید در حوزه تربیت نیروی انسانی جدی بگیریم تا کشورمان حداقل در سال‌های بعد به چنین جایگاهی برسد.

**فکرت: مخاطبین فضای مجازی در کشور ما آنچنان جهانی نیستند و با کشورهای خارجی ارتباط چندانی ندارند که بگوییم به جهانی شدن فکر می‌کنند. از طرفی ظاهراً در حال حرکت به سوی جهانی شدن هستیم و فعالیت در یک شبکه جهانی، استفاده از گوشی موبایل و لپ‌تاپ روز به روز برای مردم ما تبدیل شده است. با این تفاسیر، گریز از این وضعیت ممکن است؟**

بحث جهانی شدن که بسیار جذاب به نظر می‌رسد، الزامات و لوازمی را می‌طلبد. مثلاً وقتی وارد توئیتر می‌شوید، توئیتر شما را در حباب اطلاعاتی ایرانی‌ها قرار می‌دهد. یعنی توئیتر شما را ایرانی‌ها می‌بینند، و عموماً هم

توئیتر ایرانیان را می‌بینید. در گوگل هم بعضاً وقی محتواها را انگلیسی جستجو می‌کنید، صفحات فارسی یا انگلیسی مورد نظر خود گوگل برای شما نمایش داده می‌شود. این یعنی شما را در حباب اطلاعاتی خاصی قرار داده و به نظر می‌آید که در شبکه‌ای به نام توئیتر هستید که شبکه‌ای جهانی است؛ اما در واقع توئیتر به شما اجازه نمی‌دهد با جهان ارتباط داشته باشید. در اینستاگرام و شبکه‌های دیگری که طراحی کرده‌اند نیز به همین شکل است. پس طبیعتاً تا وقتی از ابزارهای، تحت تسلط اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها استفاده می‌کنیم، نمی‌توانیم انقلاب‌مان را به شکلی که می‌خواهیم به دنیا عرضه کنیم. عموم کسانی که در معرض هشتگ‌هایی که تولید می‌کنیم قرار می‌گیرند و توئیترها را ری توئیت می‌کنند، ایرانی یا هم‌فکر ما هستند، و اتفاقاً همان کسانی که در کشورهای اروپایی و آمریکایی به این هشتگ کنجکاو می‌شوند، در معرض محتواهایی قرار می‌گیرند که دشمنان ما با استفاده از همین هشتگ تولید کرده‌اند. این یعنی یک نظام دقیق هوش مصنوعی یا به عبارت بهتر هوش شیطانی پشت این قضیه وجود دارد و این نظام دارد مردم را به سمتی که خودش می‌خواهد سوق می‌دهد. اگر بخواهیم با مردم دنیا حرف بزنیم، باید ابزارهای خودمان را داشته باشیم. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» که حضرت آقا گفتند، فضای مجازی هم یکی از لوازم است و باید

به قوت در فضای مجازی برسیم و در این فضا قدرتمند و قوی بشویم. حضرت آقا مستقیماً گفتند باید به فضای مجازی به عنوان یک ابزار توجه کنیم. اگر به عنوان یک ابزار و وسیله به فضای مجازی توجه کنیم، ممکن است فرضاً در مقابل اسلحه دشمن تا یک مدت مقابله کنیم، اما اگر بخواهیم به صورت جدی در مقابل دشمن که همین اسلحه را ساخته، بایستیم اولاً باید بتوانیم اسلحه را از دست دشمن بگیریم و خودمان ماشه‌اش را بکشیم؛ اما فضای مجازی دشمن این اجازه را به ما نمی‌دهد. دوم اینکه، در درجه بالاتر خودمان باید اسلحه بسازیم. در حوزه موشکی، تا وقتی خودمان موشک نساختیم، حتی روس‌ها که کشور دوست محسوب می‌شوند موشک‌ها، سامانه اس ۳۰۰ و تجهیزاتی که نیاز داشتیم را به ما نمی‌فروختند. در صنعت هوافضا و سایر صنایع دیگر همینطور. پس در فضای مجازی نیز همین اصل وجود دارد. ما باید لوازم خودمان را تولید کنیم. وقتی لوازم را خودمان بسازیم، می‌توانیم شروع کنیم. بر اساس دستور حضرت آقا، اول شبکه ملی اطلاعات را راه می‌اندازیم؛ بعد شبکه اطلاعاتی جهان اسلام را راه‌اندازی می‌کنیم، یعنی یک شبکه اینترنت بین کشورهای جهان اسلام، به صورت ابر اطلاعاتی بین‌المللی که می‌توانیم از کشورهای هم‌پیمان و همسایه مثل پاکستان، افغانستان و عراق شروع کنیم و به سوریه و لبنان و حتی ایتالیا و نروژ برسیم. همین کشورها به

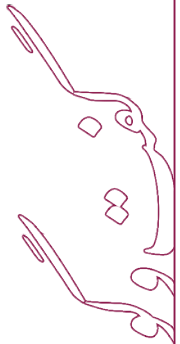
علاوه یمن و... جمعیتی حدوداً یک میلیاردی را تشکیل می‌دهند. اگر همین‌ها را تحت پوشش شبکه اسلامی قرار بدهیم، در قدم بعدی می‌توانیم کشورهای آزادیخواه جهان را به این شبکه متصل کنیم و شبکه اینترنتی مستقل از شبکه آمریکا راه‌اندازی کنیم. بدون هیچگونه تردیدی، چین و روسیه جزو اولین کشورهایی هستند که به این شبکه می‌پیوندند. حتی اروپا هم شبکه‌اش را از آمریکا جدا کرده و می‌شود با آن‌ها هم جدای از آمریکا، توافق‌نامه‌های اطلاعاتی امضا کرد و بعد شبکه یکپارچه را شکل داد، و نهایتاً آمریکایی‌ها هم مجبور می‌شوند از شبکه ما استفاده کنند. این روند باید از یک نقطه شروع بشود. الان مردم دنیا انگیزه زیادی دارند که مستقل از آمریکا این زیرساخت را شکل بدهند. ما می‌توانیم موتور جستجو و ایمیل‌های مختص به خودمان را داشته باشیم. حتی لازم نیست همه مردم دنیا از ایمیل ایرانی استفاده کنند، مردم دنیا می‌توانند از ایمیل خودشان استفاده کنند. مثل صنایع نظامی که به کشورها آموزش می‌دهیم چطور موشک و اسلحه بسازند، در صنایع‌های تک حوزه فناوری اطلاعات هم می‌توانیم به آن‌ها آموزش دهیم که چطور بازی بسازند و شبکه اجتماعی طراحی کنند. به این شکل کشورها را تک‌تک از ذیل تسلط بیگانه و به خصوص آمریکا و اسرائیل خارج می‌کنیم و با این روش در قدم اول اسرائیل بزرگ را متلاشی کرده‌ایم،

در قدم دوم نیز ابرقدرتی به نام آمریکا دیگر در حوزه سایر مفهوم پیدا نمی‌کند که بتواند هر موقع بخواهد اینترنت کشوری را خاموش کند. من معتقدم باید وارد چنین گودی بشویم. تا زمانی که ما فکر کنیم از این ابزارهای دشمن می‌توانیم استفاده کنیم، قدم در این مسیر نمی‌گذاریم. حدود ۷ یا ۸ سال پیش به یکی از مسئولین گفتم: گروهی قصد دارند موتور جستجوگر ایرانی مثل گوگل بسازند و امکاناتش را توضیح دادم؛ آخر بحث گفت که این، همان گوگل است؟ گفتم بله! گفت خوب گوگل که هست! گروه سازنده، حمایت نمی‌خواستند؛ فقط می‌خواستند که سنگ‌اندازی نشود. این مسئول حتی انگیزه سنگ‌اندازی نکردن برایش به وجود نیامد. بنابراین تا وقتی بگویم گوگل که هست، ایمیل که هست و... همین حرف که روی زبان‌ها می‌چرخد نهایتاً باعث می‌شود توانمندی داخلی تقویت نشود. ما وقتی به این نقطه می‌رسیم که ضربه‌های مهلکی بخوریم، یا وقتی که مردم به آگاهی برسند و بفهمند که نهایتاً همین‌طوری که این ابزارها هستند، ممکن است از فردا نباشند. از همان لحظه‌ای که نباشند، یا از اطلاعات ما سواستفاده کنند و برده‌داری نوین‌شان را راه بیندازند، خطر شروع می‌شود. خلاصه بحث این که باید مردم را به این نقطه از آگاهی برسانیم که نسبت به خیر و منفعت‌رسانی دشمن نا امید بشوند، یعنی

«يَكْفُرُ بِالطَّاغُوتِ» شوند، تا به «يُؤْمِنُ بِاللَّهِ» برسند و نهایتاً روی پای خودشان بایستند و آنچه خود دارند ز بیگانه تمنا نکنند.

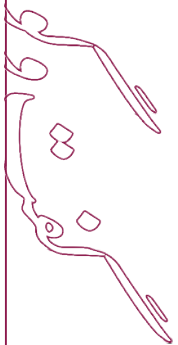
### فکرت: اگر قدمی در این عرصه سخت برداشته شود، ممکن است حیازدایی که در جامعه ایرانی به وجود آمده، برطرف بشود؟

وقتی دوباره به فضای فیزیکی برمی‌گردیم، می‌بینیم که سال‌های سال، شاید بیش از ۱۰۰ سال، آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها به صورت متمرکز و پراکنده روی فرهنگ ایران کار کرده‌اند و حتی بی‌حجابی را در دوره رضاخان اجباری کردند. سال‌های سال از طریق پرده‌های سینما، فیلم‌های ویدئویی، مجلات آن زمان و هر ابزار دیگر مثل صداوسیما سلطنتی استفاده کردند تا مردم را به بی‌حیایی و بی‌حریمی بکشانند. انقلاب اسلامی که پیروز شد، این چرخ برگردانده شد به سمتی که تلاش کنیم تا مردم به جای حرکت به سوی آمال و آرزوهای شیطانی، به سمت باورهای الهی و فطری حرکت کنند. این روند شروع شد و الان به نقطه‌ای رسیده‌ایم که امثال شهید حججی‌ها و قاسم سلیمانی‌ها و بچه‌های جهادی که در روستاها کار می‌کنند و گره‌های کشور را باز می‌کنند و کسانی که امنیت کشورمان را فراهم کرده‌اند به کشورهای دیگر می‌روند تا امنیت را به وجود بیاورند، از دل انقلاب اسلامی بیرون می‌آیند و رویش‌های



تبدیل جذابیت‌های جنسی به ارزش اجتماعی، عامل تبعیض علیه زنان است  
دکتر محمد حسن قدیری ایپانه





انقلاب محسوب می‌شوند. این محصول انقلاب اسلامی در فضای فیزیکی است. با اینکه تأخیر چندین ساله ما باعث شده خیلی از مشکلات جدی در حریم و حیا و مسائل فرهنگی پیش بیاید و سبک زندگی تغییر کند، اگر ما از الان شروع کنیم، قطعاً بهتر از سال آینده و سال‌های آینده و حتی ماه‌ها و روزهای آینده است و می‌توانیم به این سمت برویم که به تدریج شرایط موجود و این بدفرهنگی را اصلاح کنیم و فرهنگ‌سوزی‌هایی که انجام شده را با فرهنگ‌سازی جبران کنیم. من معتقدم این کار شدنی است، اما قطعاً زحمت دارد. شاید خیلی‌ها بگویند هنوز آثار تفکرات شاهنشاهی در جمهوری اسلامی وجود دارد؛ بله، غرب‌گراها و غرب‌گداه‌ها و سلطنت‌طلب‌ها و کسانی که می‌خواهند تفکر سلطنت‌طلبی را وارد حوزه دین کنند، هنوز هستند و تلاش می‌کنند. هنوز باید رئیس‌جمهور کشورمان را متوجه کنیم که علوم انسانی اسلامی وجود دارد. این‌ها تلاش می‌کنند، ما هم باید مبارزه کنیم تا بتوانیم مشکل را مرحله به مرحله حل کنیم؛ یک‌باره هم نمی‌شود این کار را کرد. بیش از ۴۰ سال است که تلاش می‌کنیم از مرحله انقلاب اسلامی وارد مرحله نظام اسلامی شویم. باید در فضای مجازی نیز به تدریج شروع و تلاش کنیم تا این مفاهیم در فضای مجازی هم مثل فضای فیزیکی شکل خودش و نهایتاً مشتری‌هایش را هم

پیدا کند. اگر تعداد این مشتری‌ها بیشتر شود، ان‌شاءالله به نقطه مطلوب که تمدن بزرگ اسلامی است می‌رسیم. البته تأکید می‌کنم معنای حرفم این نیست که ۴۰ سال دیگر این اتفاقات می‌افتد؛ شاید ۴ سال دیگر همه این اتفاقات رخ داده باشد. شدت وقایع خیلی بیشتر از گذشته است، این هم یکی از ویژگی‌های فضای مجازی و سایبر است. لذا در هر صورت این اتفاق باید رخ بدهد. می‌گویند جلوی ضرر را از هر جا بگیریم، منفعت است؛ بعد از اینکه جلوی ضرر را گرفتیم که خودش منفعت دارد، از این مرحله باید ضررها و زیان‌های قبلی را جبران کنیم تا بتوانیم به نقطه مطلوبی برسیم. واقعاً وضع نوجوانان و جوانان ما در فضای مجازی مناسب نیست و این‌ها به کمک‌رسانی اورژانسی نیاز دارند. در اولین قدم از این کمک‌رسانی، مثل قرنطینه که در شرایط کرونایی انجام شد، باید جلوی ترویج بیشتر مفاسد گرفته بشود. برای این کار هم واتس‌آپ، اینستاگرام و امثال این‌ها باید بسته و محدود بشوند و بعد هم بلافاصله باید فرآیند درمان فرهنگی شروع شود، که همان محتواسازی و ارزش‌سازی و طراحی نظام ارزشی بر مبنای ارزش‌های ایرانی-اسلامی است.

📌 **فکرت: به نظر شما در خصوص حیازدایی که در فضای مجازی در حال انجام است، نقش کدام نرم‌افزار بیشتر است و**

## تلاش برای تولید کدام شبکه اجتماعی ایرانی-اسلامی اولویت دارد؟

یقیناً اینستاگرام و گوگل اولویت دارند. در گوگل حتی اگر کلمات خوب هم جستجو کنید، محتواهایی بدون فیلتر نمایش داده می‌شود. به نظر من این دو نرم‌افزار جزو اصلی‌ترین‌ها هستند و باید فکری به حالشان بشود وگرنه حد یقفی در آن‌ها وجود ندارد.

۴۰



**بررسی رویکرد فمینیسم رادیکال و امام خمینی، نسبت به مسئله زن**

عرفان خلیلی

۴۶



**از آزادی زنان و دختران در اسلام و غرب، تا مقابله با تهاجم فرهنگی**

حجت الاسلام مجید رحیمی

۵۳



**گزارشی از شباهت پیراهون دختر و زندگی آن**

اختصاصی «فکرت»

فکر و آگاهی



## بررسی رویکرد فمینیسم

## رادیکال و امام خمینی، نسبت

## به مسئله زن



عرفان خلیلی فر  
نویسنده، پژوهشگر حوزه دین

### نگرش امام خمینی به مسئله زن

امام خمینی به عنوان یک اسلام‌شناس و رهبر سیاسی-اجتماعی مطالب و مباحث گوناگونی را درباره زنان مطرح کرده است. این دیدگاه‌ها در قالب فتاوا و فقهی، سخنرانی‌ها، پیام‌ها و احکامی که در عرصه‌های عمومی اعلام کردند، آمده است. نگرش و موضع‌گیری حضرت امام به یک‌سری مبانی وابسته است که عبارتند از: - تاکید بر نقش خداوند به عنوان خالق

طرف مقابل، جریان فمینیسم با عمری بسیار کوتاه‌تر از دین اسلام وجود دارد که در اثر شرایط خاص در جهان شکل گرفته است. این جریان، همه مسائل را از دریچه منفعت زنان می‌نگرد. یکی از گرایش‌های این جریان، فمینیسم رادیکال است که اساساً با مردان مشکل دارد. در این گزارش، نگاهی به نگرش امام خمینی و فمینیسم رادیکال به مسئله زن خواهیم داشت.

مسئله زن و حقوق زنان یکی از مباحث مهمی است که اندیشمندان، متفکران و جریان‌های سیاسی و اجتماعی شرقی، غربی و اسلامی نگاه‌های متفاوتی به آن دارند. در جبهه اسلام، امام خمینی (قدس سره شریف) به عنوان یک متفکر اسلامی از منظر دین و نیز با نگاهی بی‌طرفانه، مطالبی را در خصوص زنان بیان کرده‌اند که نشان می‌دهد ایشان قائل به یکسان‌بودن ارزش انسانی زن و مرد بودند. در



و مالک انسان: بر این اساس، نگرش حضرت امام به زن برگرفته از جهان‌بینی دینی است.

- توجه به عدم خودبسندگی انسان: به این معنا که انسان در دایره ممکنات و محسوسات زندگی می‌کند که با محدودیت همراه است، و لذا آدمی از گستره آگاهی محدودی برخوردار است و خود به تنهایی نمی‌تواند در همه موارد مصلحت خویش را تشخیص دهد و نیازمند دستورات شرع است.

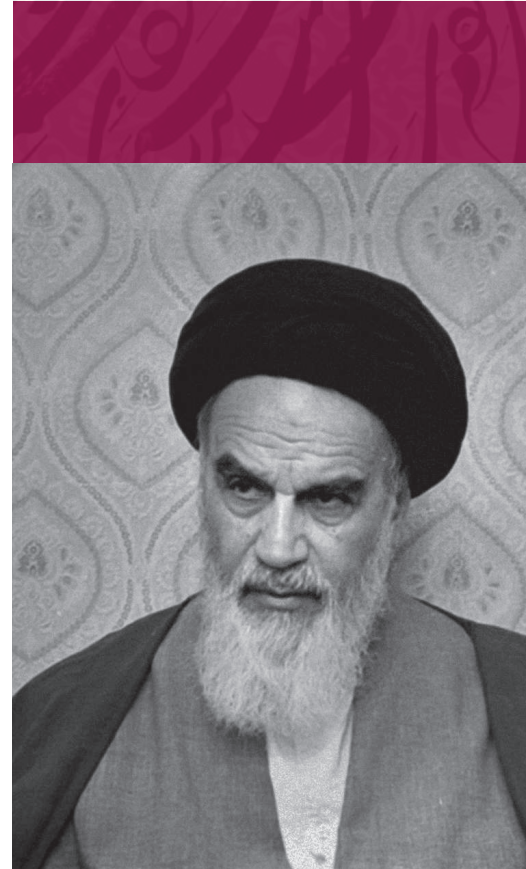
- توان آدمی در تدبیر برخی امور: از دیدگاه امام بین عقل و شرع منافات وجود ندارد و هر یک از این دو می‌توانند یکدیگر را در امور مختلف، خاصه در مباحث مربوط به زنان، یاری نمایند.

- لزوم مشارکت انسان در تعیین سرنوشت خود: از نظر امام، زن انسانی هم‌تراز مرد است و همچون او بایستی در تعیین مقدرات خود مشارکت فعال داشته باشد. البته بایستی حدود شرع را رعایت کند.

نگرش امام خمینی به بحث زن را می‌توان در دو وجه ایجابی و سلبی مورد بررسی قرار داد:

### 👉 وجه ایجابی

۱. باور و تشویق به حضور جدی زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی: بهترین دلیل این امر حضور فراگیر زنان در جریان پیدایش و تداوم انقلاب اسلامی است. حضرت امام در خصوص تحولی که در نگاه



**” امام در مقاطع مختلف زنان را به تلاش برای تحصیل علم و تخلق به ارزش‌های اخلاقی ترغیب می‌کردند. این نگاه باعث شد تعداد زنان فرهیخته و تحصیل‌کرده افزایش یابد و آنان به برخی از رده‌های مدیریتی راه‌یابند.**

به زن در جریان انقلاب اسلامی پیش آمد، می‌فرمایند: «اگر این نهضت و انقلاب اسلامی هیچ نداشت جز این تحولی که در بانوان و در جوانان ما پیدا شد؛ این یک امری بود که کافی بود برای کشور ما».

۲. تاکید بر کسب علم و آراسته‌شدن زنان به مکارم اخلاقی و ارزش‌های اسلامی: امام در مقاطع مختلف زنان را به تلاش برای تحصیل علم و تخلق به ارزش‌های اخلاقی ترغیب می‌کردند. این نگاه باعث شد تعداد زنان فرهیخته و تحصیل‌کرده افزایش یابد و آنان به برخی از رده‌های مدیریتی راه‌یابند.

۳. الگوسازی: امام در راستای هویت‌بخشی به زنان جامعه اسلامی به مسئله الگوسازی توجه کرده و در این راستا زنان شاخص در اسلام به ویژه حضرت زهرا (س) را الگوی یک زن مسلمان دانسته و بر پیروی از سیره ایشان سفارش کرده است.

۴. توجه به درونی‌کردن کرامت: امام خمینی، کرامت زن را محصور در کارهای ظاهری نمی‌دانست و بیش از هر چیز به تغییرات معرفتی و فرهنگی توجه داشت، چرا که معتقد بودند «اگر فرهنگ درست شد، جامعه درست می‌شود و اگر فاسد شد، جامعه و جوانان فاسد می‌شوند».

۵. تفکیک بین پیشرفت زنان و انحطاط به بهانه پیشرفت: در زمان طاغوت که برخی می‌خواستند امام را مخالف رشد و پیشرفت

زنان معرفی کنند، ایشان با فاصله‌گذاری میان انحطاط و ترقی، فرمودند: «ما با ترقی زنان مخالف نیستیم، با این فحشا مخالفیم، با این کارهای غلط مخالفیم». ۶. توجه به آزادی زنان: حضرت امام به آزادی زنان در انتخاب سرنوشت خود و انجام فعالیت‌های اجتماعی و علمی اعتقاد داشت و تاکید می‌کرد و می‌فرمود: «اسلام با آزادی زن نه تنها موافق است بلکه خود پایه‌گذار آزادی زن در تمام ابعاد وجودی زن است». ۷. اعتقاد به تساوی زن و مرد از نظر انسانیت: امام در این زمینه می‌فرماید: «در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد، حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی‌دادن، حق رأی‌گرفتن. در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد. ... زن مساوی مرد است». ۸. باور به وجود تفاوت میان زن و مرد: امام به این نکته نیز اشاره داشتند که «در بعضی از موارد تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آن‌ها ارتباط ندارد». ۹. توجه به وظیفه‌های اساسی زنان: امام خمینی وظیفه زنان را انسان‌سازی می‌دانست و از نظر ایشان «مربی انسان‌ها، زن است»، لذا ایشان تاکید داشتند که «زنان وظیفه دارند علاوه بر تحصیل علم و کسب فضیلت‌های اخلاقی، به تربیت فرزندان صالح همت گمارند». ۱۰. تاکید بر نقش مهم زن در جامعه و تمدن‌سازی: بررسی آرا و اندیشه‌های حضرت



حضرت امام به  
آزادی زنان در انتخاب سرنوشت  
خود و انجام فعالیت‌های اجتماعی و  
علمی اعتقاد داشت و تاکید می‌کرد و  
می‌فرمود: «اسلام با آزادی زن نه تنها  
موافق است بلکه خود پایه‌گذار آزادی  
زن در تمام ابعاد وجودی زن است».

امام نشان می‌دهد ایشان برای زنان نقشی بزرگ‌تر از نقش مردان در جامعه قائل بود.

### وجه سلبی

امام در عین حال که ارزش والایی برای زن قائل هستند و در عبارات بسیاری از مقام، جایگاه و ارزش زن سخن می‌گویند، نگاه سلبی نیز دارند. برای مثال، حضرت امام با کالاشدن زنان به شدت مخالف هستند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «اسلام هیچ‌گاه مخالف آزادی زنان نبوده است، برعکس اسلام با مفهوم زن به عنوان شیء مخالفت کرده است». حضرت امام در یکی از فرمایشاتشان خرافاتی که در مورد زنان وجود دارد و به پای اسلام نوشته می‌شود را کنار زده و تصریح می‌کنند: «شما خیال نکنید که ما، حکومت اسلامی که درست کردیم... زن‌ها را هم همه را کنار می‌زنیم، می‌پیچیمشان توی کفن یا می‌کنیمشان توی خانه... این به اسلام مربوط نیست». امام همچنین با تعرض و سخیف کردن کرامت زن مخالف بودند و لذا با اختلاط زنان و مردان در مکان‌هایی چون دریا شدیداً ابراز مخالفت می‌کردند.

### فمینیسم و زنان

فمینیست‌های رادیکال معتقدند قدرت مردانه‌ای

- اساسی‌ترین و بارزترین جلوه ستم، ظلم به زنان است.
- جنسیت عامل فشار و ظلم به زنان است.
- همه زنان مظلوم و همه مردان ظالمند.
- جامعه غربی پدرسالار است و بیش از همه به زنان ظلم می‌کند.

### ➤ راه‌حل‌ها و راهکارهای پیشنهادی فمینیسم

فمینیسم رادیکال راهکارهایی را جهت خروج زنان از وضعیت تحت ظلم بیان می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. مخالفت با نقش‌های معمول برای زنان: فمینیست‌های رادیکال معتقدند راهکاری چون حق آزادی تولید مثل، امکان عقیم‌کردن و سقط جنین باعث کم یا محدود کردن تفاوت‌ها بین مرد و زن می‌شود.
۲. ریشه‌کن کردن نظام مردسالار در عرصه‌های سیاسی، حقوقی، اجتماعی و فرهنگی.
۳. بهادادن به جسم، تمایلات جنسی و خصایص زنانه.
۴. تدارک ستادهای بحران برای زنانی که مورد تجاوز قرار می‌گیرند.
۵. محافظت از زنان در برابر قاچاق بین‌المللی جنسی.
۶. تدارک آموزش‌هایی درباره آزادی جنسی در مدارس و محیط کار.



است و خود باید در مورد استفاده از آن تصمیم بگیرد. روشن است که این دیدگاه باعث ارتکاب افعالی می‌شود که از نظر آموزه‌های دین و جوامع غربی قابل قبول نیست. فمینیست‌های رادیکال همچنین معتقدند ظلم به زنان همواره در طول تاریخ وجود داشته و به نوعی در جهان نهادینه شده است. لذا تأکید می‌کنند که مردان از همه جهت مقصر هستند. فمینیست‌های رادیکال از اساس اعتقاد دارند مردان و زنان کاملاً یکسان و بی تفاوت هستند و لذا این افراد کوشیده‌اند تفاوت‌های طبیعی بین زن و مرد را نادیده بگیرند. برخی از ادعاهای فمینیسم رادیکال عبارت است از:

که عامل اصلی ظلم به زنان است، ریشه در ساختار اجتماعی و جنسیت دارد و از آنجا که این ساختار قابل اصلاح نیست، باید ریشه‌کن شود. این سخن فمینیسم رادیکال را اینطور تفسیر می‌کنند که ظلم به زنان دیرپاترین، گسترده‌ترین، عمیق‌ترین و یا بدترین نوع ظلم انسانی است.

### ➤ مبانی نظری

فمینیست‌ها خودبسنده‌گی خاصی نسبت به زنان دارند، به طوری که می‌توان گفت نگرش این افراد تاحدی بسته به اومانیسم می‌باشد. به عبارت دیگر فمینیست‌های رادیکال بر این باورند که زن مالک روح و جسم خودش

## بررسی تطبیقی

امام خمینی و فمینیست‌های افراطی اگرچه نسبت به حفظ کرامت زن با یکدیگر اشتراک عقیده دارند، اما در جزئیات نگاه به مسئله زن تفاوت‌های مهمی میان این دو دیدگاه وجود دارد. مهم‌ترین تفاوت این است که حضرت امام در تبیین نظام حقوق زن و حفظ کرامت اساس را بر اوامر خداوند و آموزه‌های دینی قرار می‌دهد، اما فمینیسم رادیکال مبنا و اساس کار خود را بر عقل خودمختار بشر می‌گذارد. تفاوت دیگر این است که در منظومه فکری امام خمینی، مسئله زنان ذیل مسئله انسان قرار می‌گیرد، در حالی که فمینیست‌ها اساساً قائل به برتری زن و مقصر ذاتی بودن مرد هستند. تفاوت‌های جزئی دیگری وجود دارد که عبارتند از:

۱. فمینیسم رادیکال حاکم بودن مردان، نگرش پدرسالارانه و جنسیت زنان را عامل اصلی ظلم به آن‌ها می‌داند، اما حضرت امام عوامل بیرونی نظیر حکومت‌ها، هوای نفس و وسوسه‌های شیطانی را در این زمینه مؤثر می‌داند.
۲. فمینیسم رادیکال معتقد است پدرسالاری از خانواده نشأت گرفته و ظلم به زنان از این نهاد شروع می‌شود و لذا خانواده‌های سنتی را نقد می‌کند، اما حضرت امام نسبت به خانواده و به خصوص نقش مادر در تربیت فرزند نگاهی مثبت دارد.



**” فمینیست‌ها در راستای حمایت از زنان قائل به این هستند که بایستی نقش‌های ویژه و مختص به زنان تغییر پیدا کند، ولیکن امام خمینی معتقد است عمل کردن زنان به وظایف مخصوص خود، منافاتی با فعالیت‌های اجتماعی و علمی آن‌ها ندارد.**

۳. فمینیسم معتقد است ظلم به زنان در صورتی پایان می‌یابد که ساختار مردانه نابود شود و فرهنگ زنانه جای آن را بگیرد، در حالیکه در اندیشه امام اصلاح انسان اعم از زن و مرد مطرح است.

۴. فمینیست‌ها در راستای حمایت از زنان قائل به این هستند که بایستی نقش‌های ویژه و مختص به زنان تغییر پیدا کند، ولیکن امام خمینی معتقد است عمل کردن زنان به وظایف مخصوص خود، منافاتی با فعالیت‌های اجتماعی و علمی آن‌ها ندارد.

۵. برخی از فمینیست‌های رادیکال دین را ذاتاً مردانه و جنسیت‌گرا می‌دانند و به همین جهت از دین زنانه صحبت می‌کنند، اما نگاهی به منظومه فکری حضرت امام نشان می‌دهد،

از نظر ایشان دین (اسلام) کارکرد فراجنسیتی دارد و برای نجات انسان به طور عام است. ۶. فمینیسم تفاوت‌های بین زن و مرد را ناشی از فرهنگ و نظام پدرسالارانه حاکم بر جامعه می‌داند، در صورتی که امام خمینی این تفاوت‌ها را ناشی از طبیعت وجودی زن و مرد می‌داند.

## جمع‌بندی

در پایان و با توجه به مطالبی که بیان شد می‌توان نتیجه گرفت نگرش امام خمینی به مسئله زن، نسبت به رویکرد فمینیسم رادیکال برتری دارد. برای اثبات دقیق‌تر به چند دلیل اشاره می‌شود:

۱. رویکرد حضرت امام به زنان متعادل است و افراطی نیست، لذا ایشان زنان را افرادی محجور نمی‌داند و از طرف دیگر به بهانه نجات زن و مبارزه با ظلم به زنان، در دام مردستیزی نیفتاده و جایگاه و شأن و شخصیت زن و مرد را بهم نزدند.
۲. رویکرد امام خمینی به مسئله زن نشان می‌دهد اگرچه فمینیسم رادیکال از مخالفت دین با حقوق زنان سخن می‌گوید، اما حضرت امام از منظر دین از حقوق زن دفاع کرده است.
۳. مقایسه بین نگرش امام و فمینیسم رادیکال به مسئله زن نشان می‌دهد امام خمینی به شکلی واقع‌بینانه به یکسان‌بودن زن و مرد از نظر انسانیت و امکان و توان رشد معنوی و فرهنگی تأکید داشته و نیز تفاوت‌های جسمی و روحی آن‌ها و حق حضور در عرصه‌های

اجتماعی را در کنار نقش‌های خاص زن در نظر داشته‌اند؛ در صورتی که فمینیسم رادیکال نقش‌های خاص زنان را به چالش کشیده است و این یعنی نگاه این جریان واقع‌بینانه نیست. ۴. جریان فمینیسم همه مسائل را از دریچه منافع زنان می‌نگرد، اما مسئله اصلی امام خمینی رشد و سعادت انسان، اعم از زن و مرد، است؛ لذا در نگرش ایشان مردگرایی مفهومی ندارد. ۵. به طور کلی جریان فمینیسم می‌کوشد تا نقش زنان در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را پررنگ‌تر کند؛ در صورتی که از نظر حضرت امام، زنان می‌توانند نقش‌های اجتماعی‌شان را در کنار نقش‌های درون‌خانواده‌ای انجام دهند. ۶. جریان‌های مدافع حقوق زنان در غرب اگرچه جهت حمایت از زنان ایجاد شدند، اما اکنون شرایط در غرب عالم به گونه‌ای است که بهره‌گیری از زنان به عنوان ابزار تبلیغاتی، نگاه جنسی به زن و بهره‌گیری از آن به عنوان یک نیروی ارزان‌قیمت رواج پیدا کرده است. این در حالی است که امام خمینی با، بازیچه‌شدن زنان مخالف بودند و هدف اسلام و خودشان را پیشگیری از این امر می‌دانستند.

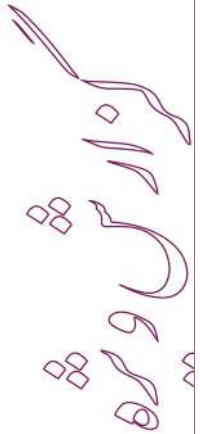
## منبع:

کرامت زن در اسلام و غرب (مورد پژوهی تطبیقی امام خمینی و فمینیسم)، حسین علی رحمتی، پژوهشنامه متین (علمی-پژوهشی)، پاییز ۱۳۸۶، شماره ۳۶، صفحه ۷۱ تا ۹۶.

## جریان‌های

**مدافع حقوق زنان در غرب اگرچه جهت حمایت از زنان ایجاد شدند، اما اکنون شرایط در غرب عالم به گونه‌ای است که بهره‌گیری از زنان به عنوان ابزاری برای جذب سود و سرمایه یا به عنوان ابزار تبلیغاتی، نگاه جنسی به زن و بهره‌گیری از آن به عنوان یک نیروی ارزان‌قیمت رواج پیدا کرده است. این در حالی است که امام خمینی با، بازیچه‌شدن زنان مخالف بودند و هدف اسلام و خودشان را پیشگیری از این امر می‌دانستند.**

خردورز

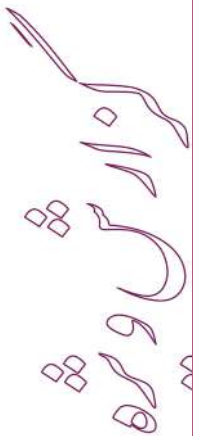


بررسی رویکرد فمینیسم رادیکال و امام خمینی، نسبت به مسئله زن

عرفان خلیلی‌فر

۴۵





در همه حیطه‌های اجتماعی «اعم از فعالیت اقتصادی، فعالیت سیاسی، فعالیت اجتماعی به معنای خاص، فعالیت علمی، درس خواندن، درس‌گفتن، تلاش‌کردن در راه خدا، مجاهدت‌کردن و همه میدان‌های زندگی در صحنه جامعه می‌توانند حضور فعال داشته باشند. در این جا هم میان مرد و زن در اجازه فعالیت‌های متنوع در همه میدان‌ها، هیچ تفاوتی از نظر اسلام نیست». البته این حضور اجتماعی چند شرط اساسی دارد، که عبارتند از:

- تناسب فعالیت اجتماعی با جسم و روح زنانه.
- آسیب‌نرساندن فعالیت اجتماعی به وظایف و تکالیف زنان.
- رعایت حریم محرم و نامحرم در اجتماع.

### ➤ مصادیق آزادی زن در فرهنگ غرب از نظر رهبر انقلاب

طبق سخنان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیشترین معنای آزادی در غرب برای زنان، آزادی از قید پوشش و حجاب است. به طور کلی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، از جمله مصادیق آزادی زن در فرهنگ غرب این‌ها هستند: الف) آزادی از قید حجاب و پوشش: «یکی

بودن هر نوع اراده و انتخاب، و از طرفی تنها راه رسیدن به برابری کامل زن و مرد است.

### ➤ مصادیق آزادی زن در اسلام از نظر رهبر انقلاب

از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مصادیق آزادی زن در اسلام، شامل سه حیطه مرتبط با هم است: الف) حیطه فردی: در قرآن کریم به صراحت اشاره شده: هر زن یا مردی، عمل صالحی انجام دهد به حیات طیبه خواهد رسید. برای تحقق این امر افراد باید آزاد باشند تا بتوانند عمل و رفتار خویش را انتخاب کنند و در این زمینه تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد. در همین راستا، رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: «در این دیدگاه [اسلام]، زن و مرد با یکدیگر هیچ تفاوتی ندارند. در تاریخ، زنان بزرگ و برجسته‌ای حضور داشته‌اند؛ همچنان که مردان بزرگ و برجسته‌ای بوده‌اند». ب) حیطه خانوادگی: «به نظر اسلام، زن در انتخاب همسر آزاد است و هیچ کس نمی‌تواند در مورد انتخاب همسر، بر هیچ زنی چیزی را تحمیل کند. یعنی حتی برادران زن، پدر زن -خویشاوندان دورتر که جای خود دارند- اگر بخواهند بر او تحمیل کنند که تو حتماً باید با شخص مورد نظر ازدواج کنی، نمی‌توانند و چنین حقی را ندارند. این، نظر اسلام است». ج) حیطه اجتماعی: در نگاه اسلام زنان

دستورهای حق پیروی کند و آزادی را برای پیروی از قوانین شریعت به کار برد. به عبارت دقیق‌تر آزادی در اسلام به معنای رهاشدن از هر قید و بندی نیست، بلکه به معنای رهاشدن از نفس برای رسیدن به سعادت است. بنابراین در اسلام تلاش برای از میان بردن موانع و دست‌یافتن به آزادی فراتر از یک حق، بلکه تکلیف شرعی است که خداوند بر عهده انسان قرار داده است. در مسئله زنان نیز همین معنی از آزادی برداشت می‌شود که زنان به عنوان یک انسان، دارای وظایفی هستند که خداوند بر عهده آن‌ها نهاده و برای انجام این وظایف باید از آزادی استفاده کرد. یکی از این تکالیف که به زنان اختصاص دارد، مسئولیت مادری و همسری است. در مقابل، لیبرالیسم غربی مجموعه روش‌ها، نگرش‌ها، سیاست‌ها و ایدئولوژی‌هایی است که عمده‌ترین هدف‌شان فراهم‌آوردن آزادی هر چه بیشتر برای فرد است. به‌طور کلی بعد از رنسانس، مکاتب بسیاری در غرب شکل گرفت که ریشه‌تأماری آن‌ها، آزادی‌خواهی منهای رویکرد دینی بود. از نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز «آزادی انسان در غرب، منهای حقیقتی به نام دین و خداست. لذا ریشه آزادی را هرگز خدادادگی نمی‌دانند. هیچکدام نمی‌گویند که آزادی را خدا به انسان داده است». انسان در غرب موجودی آزاد آزاد است نه آزاد مسئول، بنابراین در حوزه مرتبط با زنان نیز آزادی به معنای مجاز



از مصادیق آزادی در فرهنگ غرب، آزادی در پوشش و نوع لباس است؛ اما آنچه در واقعیت فرهنگ غرب می‌توان مشاهده کرد، نه آزادی در پوشش، بلکه آزادی از قید پوشش و حجاب مطرح است. مهم‌ترین علت و سند این موضوع، ندادن حداقل حقوق به اقلیت‌هاست که دختران مسلمان به جرم پابندی به حجاب از حق آموزش و تحصیل محروم می‌شوند». (ب) آزادی اختلاط زن و مرد در جامعه: «در فرهنگ غرب بنای اصلی بر این است که زن و مرد با هم آزادانه رفتار کنند و این به هیچ وجه به معنای آزادی زنان در مباحث علمی، درس خواندن و شرکت در امور سیاسی نیست وگرنه برآورد این چنین خواسته‌هایی با اختلاط نکردن زن و مرد، آن‌گونه که در فرهنگ غرب مطرح است نیز امکان‌پذیر است». (ج) آزادی زن از قید ازدواج و تشکیل خانواده: در غرب، ازدواج تنها به عنوان ابزار تشکیل سلول اساسی جامعه اهمیت دارد؛ ولی اگر فرض شود که ارزش‌های اخلاقی جوامع تغییر کند و سلول اساسی تشکیل‌دهنده جامعه، آزادی بدون ازدواج باشد، دیگر از اهمیت برخوردار نخواهد بود. (د) آزادی زنان از وظیفه پرورش فرزندان: آزادی از وظیفه پرورش فرزند و سپردن این وظیفه به نهادهای دولتی از جمله مصادیق آزادی زنان در مغرب‌زمین است. «سیمون دوبووار»، از نظریه‌پردازان فمینیسم معتقد است «ازدواج» و «مادری»، دو قید و اسارت

فراروی زنان است؛ او راه علاج را در نفی ازدواج و مادری و یافتن روح آزاد می‌داند.

### ➤ آسیب‌شناسی آزادی زن در فرهنگ غرب

رواج زیاد تمایلات جنسی در جامعه غربی، آسیب‌هایی به کل جامعه انسانی و به خصوص زنان و دختران وارد کرده است. برخی از این آسیب‌ها عبارتند از: الف) عمل برخلاف فطرت انسانی: «غرب با اصرار بر برهنگی و بی بندوباری زن و مرد، بر خلاف فطرت و طبیعت انسان عمل



کرده و به این روش باعث تضييع حقوق زنان در فرهنگ غرب شده است. در واقع فرهنگ غرب سرشار از جاهليت و متاثر از فرهنگ يونان و روم باستان، ارزش و اعتبار زن را به اين می‌داند که خود را در چشم مردان آرایش کند و او را این چنین تحسین می‌کنند». (ب) سوء استفاده از زن و تحقیر او: «در فرهنگ غرب به لحاظ تفکر مادی‌گری و عمل در راستای چنین نگرشی که البته بر پایه فرهنگ رومیایی است و به علت ویژگی‌های ظاهری و جسمی زن احترام و ارزشی که زن در فرهنگ غرب داراست در راستای تحقق یکی از پست‌ترین خصلت‌ها و غرایز مادی بشری انجام می‌شود».



در ادامه راهکارهای مقابله و مواجهه با تهاجم فرهنگی غرب در مسئله زن از منظر حضرت آیت الله خامنه‌ای مختصراً مورد بررسی قرار می‌گیرد:

### ۱. برخورد حکیمانه با فرهنگ غرب

در برخورد با هر پدیده رفتار خردمندانه باعث جلوگیری افتادن در دام افراط و تفریط خواهد شد. در مواجهه با فرهنگ غرب به خصوص در مسئله زنان نیز اگر صرفاً جنبه‌های منفی این فرهنگ را مورد توجه قرار دهیم و جنبه‌های مثبت را نادیده بگیریم، اثر منفی خواهد داشت و حتی می‌تواند منجر به بدبین شدن زنان و دختران جوان نسبت به مبانی فکری دینی شود. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای «معنای برخورد حکیمانه این نیست که همیشه ردکننده مسائلی



**آزادی از وظیفه پرورش فرزند و سپردن این وظیفه به نهادهای دولتی از جمله مصادیق آزادی زنان در مغرب‌زمین است. «سیمون دوبووار»، «ازدواج» و «مادری»، دو قید و اسارت فراروی زنان است؛ او راه علاج را در نفی ازدواج و مادری و یافتن روح آزاد می‌داند.**

### راکارهای مقابله با تهاجم فرهنگی غرب در مسئله زن

براساس آنچه گفته شد نگرش اسلام و غرب به زنان بسیار متفاوت است، تا حدی که می‌توان گفت زن در مغرب‌زمین ارزش و جایگاه رفیعی ندارد. بسیاری از مفاهیم ارزشی غرب، در فرهنگ اسلامی ضد ارزش بوده و با کرامت و شرافت انسانی در تضاد است، رویکرد نسبت به زنان نیز جزئی از این مسئله است. از طرف دیگر باید به این مسئله نیز توجه داشت که غربی‌ها از هر عرصه‌ای برای تحمیل ارزش‌های خود به سایر ملل استفاده می‌کنند. تغییر فرهنگ خانواده و اثرگذاری بر روی زنان و دختران، آن هم در جوامع اسلامی، نسبت به سایر ملت‌ها از اهمیت بیشتری برای غربی‌ها برخوردار است؛ چراکه مردم کشورهای غیر اسلامی کمابیش به تفکرات غربی نزدیک هستند و لذا در این زمینه اولویت غربی‌ها با تغییر در ارزش‌های مسلمانان به ویژه زنان و دختران است. تلاش برای تحمیل ارزش‌های غربی و بیگانه به ملت اسلامی به تعبیر رهبر معظم انقلاب، «تهاجم فرهنگی» نام دارد که بخشی اعظمی از آن متوجه زنان و نهاد خانواده می‌شود. لذا توجه و به کارگیری راهکارهایی برای مقابله و مواجهه با جنبه‌های منفی فرهنگ غرب و نگرش آن به زن و دختران ضروری به نظر می‌رسد.



ج) همجنس‌گرایی: «اکنون در دنیای غرب، همجنس‌گرایی از دردهای بزرگ و ناعلاج است. آنطور ادبیات پرده‌درانه و عریان در زمینه مسائل جنسی و ارتباط زن و مرد را به میان آوردن، آنطور جنس زن را یعنی همان بخش زیبا و لطیف و مستور و در پرده وجود بشر را برای شغل و برای تبلیغات و برای کار به میدان کشاندن، از لبخند او و از زیبایی‌های او، از جسم او، از چهره او برای ترویج فلان جنس بی‌ارزش و پست برای به دست آوردن پول استفاده کردن، این مسائل را هم به دنبال دارد. طبیعی است این کارها را دنیای غرب و سیاست‌های غربی کرده است.»

باشیم که غریبان به آن رسیده‌اند و یا موضع دفاعی بگیریم، بلکه باید موضع و حرکت صحیح داشته باشیم. در مواجهه با غرب گاهی یک پدیده‌ای است که آن را می‌توانیم قبول کنیم، گاهی پدیده‌ای است که می‌توانیم آن را اصلاح کنیم، گاهی پدیده‌ای است که می‌توانیم یک ذیلی برایش تعریف کنیم و با آن ذیل مشکل را برطرف کنیم. اما نکته مهم این است در مقابل تهاجم حالت انفعالی به خود نگیریم که خسارت‌بارترین کارهاست». بنابراین رهبر معظم انقلاب طرفدار نگرش حکیمانه و همه‌جانبه به فرهنگ غربی هستند و لذا از نظر ایشان بایستی منصفانه از فرهنگ غرب انتقاد کرد، چراکه «در بین غربی‌ها هم متفکران، فلاسفه و انسان‌های صادق و صالحی هستند، و یقیناً مردان و زنان خوب و نجیبی هستند که درباره مشکلات امروزه غرب با دیدی نقادانه سعی در اصلاح آن‌ها دارند و از جایگاه امروزی زن در غرب اظهار نگرانی می‌کنند».

## ۲. غنی‌سازی فرهنگ به وسیله تعامل فرهنگی با سایر ملت‌ها

تعامل فرهنگی میان ملت‌ها همواره در طول تاریخ وجود داشته و باعث رشد و تعالی فرهنگ‌ها شده است. در اسلام نیز تبادل فرهنگی به چشم می‌خورد و این دین الهی موضوع منفی در این باره ندارد. قرآن کریم

نیز در آیاتی نظیر آل عمران/۱۳۷، نمل/۶۹ و عنکبوت/۲۰ به اندیشه و تفکر درباره احوال ملل دیگر تأکید کرده است. در آیه ۱۸ سوره مبارکه زمر آمده است: «کسانی که گفتار و سخنان دیگران را می‌شنوند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، آنان خردمندان هستند». رهبر معظم انقلاب ضمن اینکه نگرشی حکیمانه و به دور از افراط و تفریط به فرهنگ غربی دارند، به این نکته مهم نیز اشاره می‌کنند که «فرهنگ غرب، مثل فرهنگ شرق، مثل فرهنگ هر جای دیگر دنیا یک فرهنگ است که مجموعه‌ای از خوبی‌ها و بدی‌هاست. یک ملت عاقل و یک مجموعه خردمند، آن خوبی‌ها را می‌گیرد، به فرهنگ خودش می‌افزاید، فرهنگ خودش را غنی می‌سازد و آن بدی‌ها را رد می‌کند».

”

رهبر معظم

انقلاب ضمن اینکه نگرشی حکیمانه و به دور از افراط و تفریط به فرهنگ غربی دارند، به این نکته مهم نیز اشاره می‌کنند که «فرهنگ غرب، مثل فرهنگ شرق، مثل فرهنگ هر جای دیگر دنیا یک فرهنگ است که مجموعه‌ای از خوبی‌ها و بدی‌هاست. یک ملت عاقل و یک مجموعه خردمند، آن خوبی‌ها را می‌گیرد، به فرهنگ خودش می‌افزاید، فرهنگ خودش را غنی می‌سازد و آن بدی‌ها را رد می‌کند».



### ۳. جایگاه اندیشه و علم آموزی در حل مشکلات زنان

رهبر معظم انقلاب اساساً توجه ویژه‌ای به کسب علم، معرفت و دانش دارند و در بیانانشان همواره نسبت به این مسئله تأکید می‌کنند. در مسئله زنان و مقابله با تهاجم فرهنگی غرب نیز همین اصل وجود دارد و کارساز است. لذا ایشان مطالعه، دقت، تحقیق، ورود به مسائل مبتلابه روز و اهتمام به کارهای دینی را جزو وظایف حتمی و مسلم زنان می‌دانند. از جمله راهبردهایی که رهبر معظم انقلاب در مواجهه با فرهنگ غرب بیان می‌کنند این است که «زنان مسلمان باید به معلومات خود اضافه کنند و در پرتو آن بتوانند به معارف اسلامی زندگی بیشتر بیندیشند. از این طریق است که می‌توان با تجملات، زینت‌های بیهوده و خودنمایی‌های غربی مبارزه کرد؛ زیرا ملتی که فاقد علم باشد، در معادلات امروز جهانی محکوم به عقب‌ماندگی، ذلت و فرودستی است. افزایش آگاهی و علم در زنان باعث می‌شود که به شأن انسانی خویش واقف شده و پوچی و بی‌اساسی تبلیغات استکبار جهانی را درک کنند». نکته قابل توجه دیگر در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای نحوه مواجهه با علم غربی است. ایشان ضمن تفکیک علم غربی از فرهنگ غربی، تأکید می‌کنند که «پیشرفت علمی در غرب هیچ‌گاه به معنای برتری فرهنگی آنان نیست و این مغالطه بزرگی است که کسی بگوید علم

غربی‌ها خوب است، پس ناگزیر باید منش، اخلاق و فرهنگ آن‌ها را هم پذیرا باشیم».

### ۴. راهبرد اسلامی در برخورد با موضوع زن در سه حوزه فردی، خانوادگی و اجتماعی

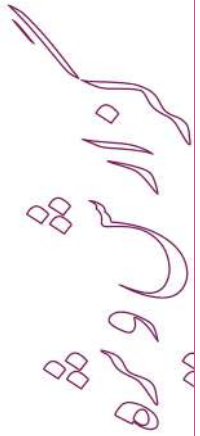
زنان در جوامع امروزی با مشکلاتی مواجه هستند. این مشکلات گاهی مربوط به نداشتن دیدگاه درست جامعه نسبت به زنان است و گاهی مربوط به نقصی می‌شود که در تصویب و یا اجرای قوانین وجود دارد. از نظر رهبر معظم انقلاب «برای حل معضلات زنان، باید از هرگونه گرایش‌های فمینیستی و جنس‌ستیزی پرهیز شود و این تصور که فرهنگ غرب توانسته با بحثی به نام فمینیست مشکلات زنان را حل کند، از اذهان پاک شود. تنها راه کار حل مشکلات زنان بازگشت به اندیشه‌های اسلامی است. زیرا اسلام هم آن مرتبه و رتبه‌ای که برای انسانیت قائل است برای زن نیز قائل می‌باشد و هم با ارزش‌گذاری‌ها و تدوین قوانین و مقررات و احکام لازم مسیر حرکت به سمت کمال را برای زنان فراهم ساخته است». از نظر آیت‌الله خامنه‌ای «در این زمینه باید قوانین و مقرراتی را تصویب کرد که متناسب با اندیشه‌ها و آرمان‌های جدید، ولی در چارچوب ارزش‌های اسلامی باشد». یکی از مهم‌ترین راهبردهایی که رهبر معظم انقلاب برای حل مشکلات زنان بیان

می‌کنند این است که از نگاه اسلام جایگاه زن را باید در سه حوزه مجزا و در عین حال متصل به هم مورد واکاوی و توجه قرار داد:

از جمله راهبردهایی که رهبر معظم انقلاب در مواجهه با فرهنگ غرب بیان می‌کنند این است که «زنان مسلمان باید به معلومات خود اضافه کنند و در پرتو آن بتوانند به معارف اسلامی زندگی بیشتر بیندیشند. از این طریق است که می‌توان با تجملات، زینت‌های بیهوده و خودنمایی‌های غربی مبارزه کرد؛ زیرا ملتی که فاقد علم باشد، در معادلات امروز جهانی محکوم به عقب‌ماندگی، ذلت و فرودستی است. افزایش آگاهی و علم در زنان باعث می‌شود که به شأن انسانی خویش واقف شده و پوچی و بی‌اساسی تبلیغات استکبار جهانی را درک کنند».

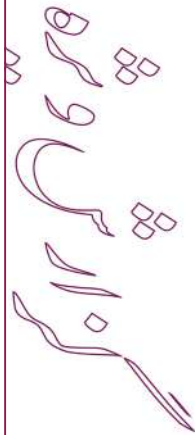
### الف) حوزه فردی

هدف از آفرینش انسان رسیدن به کمال بشری است، و در این میان فرقی بین زن و مرد نیست. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه حضرت زهرا (س) را اینگونه مصداق



از آزادی زنان و دختران در اسلام و غرب، تا مقابله با تهاجم فرهنگی

حجت الاسلام مجید رحیمی



بارز یک زن آراسته به فضایل اخلاقی معرفی کرده‌اند: «فاطمه زهرا (س) در قله بشریت قرار دارد و کسی از او بالاتر نیست و می‌بینیم که آن بزرگوار به عنوان یک بانوی مسلمان این فرصت و قدرت را یافت که خودش را به این اوج برساند؛ پس فرقی بین زن و مرد نیست». بنابراین به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین راهکارها در مقابله با فرهنگ غرب، افزایش خودآگاهی دختران نسبت به وجود و ارزش‌های انسانی خویش و نسبت به هویت‌یابی جنسیتی است. اگر هویت‌یابی جنسیتی به طور صحیح انجام شود و همگان بدانند که از لحاظ انسانی و ارزش‌های الهی، زنان و مردان در برابر خداوند یکسان هستند، در مقابله با جلوه‌های جذاب فرهنگی غرب با اندیشه و خرد ورزی برخورد خواهند کرد.

### ب) حوزه خانوادگی

رهبر معظم انقلاب نقش زن در خانواده را بسیار مهم می‌دانند، زیرا «آسایش فضای خانواده، آرامش و سکونی که در فضای خانواده است به برکت زن و طبیعت زنانه است. کانون خانواده جایی است که عواطف و احساسات باید در آنجا رشد و بالندگی پیدا کند، بچه‌ها محبت و نوازش ببینند و طبیعت مرد که طبیعت خاصی خام‌تری نسبت به زن است در میدان خاصی شکننده‌تر است و مرهم زخم او فقط

و فقط همسر است، باید نوازش ببیند». بنابراین حفظ نهاد خانواده بر مبنای اسلام، از جمله راهکارهای مقابله با فرهنگ غرب است. متأسفانه غرب با تبلیغات آرام و بی‌سر و صدا علیه امنیت خانواده سعی در گسترش گزاره‌های فرهنگ غربی به سایر فرهنگ‌ها را دارد. با حفظ امنیت عاطفی و حقوقی برای اعضای خانواده‌ها بر مبنای تعالیم اسلامی می‌توان امیدوار بود تربیت نسل‌ها به درستی انجام و سدی در برابر این تهاجم فرهنگی ایجاد شود. روشن است که بخشی از این مهم بر عهده زنان است.

### ج) حوزه اجتماعی

این حوزه شامل فعالیت‌هایی در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، علمی و اقتصادی می‌شود. از نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «در دیدگاه اسلام راه برای این فعالیت‌ها باز است. اگر کسی با استناد به بینش اسلامی بخواهد زن را از کار علمی محروم کند، از تلاش اقتصادی باز دارد یا از تلاش سیاسی و اجتماعی بی‌نصیب سازد، به خلاف حکم خدا عمل کرده است. زنان به قدری که توان جسمی و نیازها و ضرورت‌هایشان اجازه می‌دهد، می‌توانند در فعالیت‌ها شرکت کنند. آن‌ها هر چه می‌توانند تلاش اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کنند، شرع مقدس مانع نیست». البته از دیدگاه رهبر معظم انقلاب حضور اجتماعی و سیاسی زنان در پارادایم اسلام

دارای دو شرط اساسی است که عبارتند از:

- عدم تناقض اشتغال با مسئولیت مادری.
- عدم تناقض اشتغال با کرامت و عزت زن.

### منابع:

- تحلیل نسبت زن و آزادی در اسلام، در مقایسه با غرب بر اساس آراء آیت‌الله خامنه‌ای، مریم سعیدیان جزئی، سعیده یراقی، پژوهشنامه حکمت اهل بیت (ع)، تابستان ۱۳۹۳، شماره ۳، صفحات ۱۱ تا ۲۴.
- راهکارهای مقابله با فرهنگ غرب در خصوص مسئله زن در بیانات امام خامنه‌ای، مریم سعیدیان جزئی، سعید یراقی، پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی (علمی-پژوهشی)، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، شماره ۱۲، صفحات ۷۱ تا ۹۴.

گروه فاطمیه:  
دکتر فائزه اسکندری  
مهدیه منافی  
پرچهر جنتی  
فاطمه داداشی  
سیده زهرا برقعی

## مولود اولین روز ماه ذیقعدہ | هیس، دخترها فریاد نمی زنند بلکه در آرامش گفتگویی کنند! مسئله‌ای به قدمت تاریخ...! | همه‌ی مسائل دنیای رنگارنگ دخترانه

گزارشی از شبهات مربوط به حضرت معصومه (س) در زندگی شخصی و علمی‌شان | گزارشی از شبهات فمینیستی و غیرفمینیستی مطرح شده در ارتباط با دختران | گزارشی از شبهات دختران در مورد دختران بنا بر اقتضای سنی آنها

به سعادت و کمال را تسریع می‌نماید. حضرت فاطمه معصومه (س) یکی از بانوان با فضیلت در میان خاندان پیامبر (ص) است که به مقامات بالای علمی و معنوی رسیده و می‌تواند الگویی کامل برای رسیدن به مقام «قرب الهی» باشد. در مورد زندگی و شخصیت علمی و اخلاقی حضرت فاطمه معصومه (س) در برخی مقاطع ابهاماتی وجود دارد که دستاویز شبهه‌پراکنی پیرامون حیات طیبه‌ی این بانوی

در این میان، زنان و دختران بزرگوار خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) که با رشد و بالندگی در دامن ولایت و امامت تربیت شده و به ارزش‌های والای انسانی آراسته شده بودند، به عنوان نمونه‌های برجسته‌ی علمی و اخلاقی در جامعه برگزیده شدند. گرچه در رسیدن به مقامات عالی اخلاقی و معنوی میان زن و مرد فرقی نیست اما وجود الگو در زندگی هر انسانی، مسیر رسیدن

با ظهور و گسترش دین اسلام و در پرتو «قوانین الهی» موجبات رشد و بالندگی زنان فراهم شد. زنانی که تازمان بعثت پیامبر گرامی اسلام در قید و بند تعصبات جاهلی، قومی و قبیله‌ای قرار داشتند و انواع محدودیت‌ها بر آنها تحمیل می‌شد، یکباره با وجود پیامبر مهربانی‌ها به سوی ارزش‌ها، کمالات انسانی و شخصیت واقعی خود که سرشار از استعداد و توانایی‌ها بودند سوق داده شدند.

بزرگوار گردیده است. در یادداشت حاضر، به صورت کلی و مختصر برخی شبهاتی که در جبهه خودی و رقیب پیرامون شخصیت اخلاقی و علمی حضرت معصومه (س) وجود دارد، مطرح شده که در آینده پاسخ‌های سلبی و ایجابی مرتبط با هر یک از این شبهات نیز به منظور روشن شدن شرایط ارائه خواهد شد.

- چرا با اینهمه تاکید دینی بر ازدواج، حضرت معصومه (س) هیچگاه ازدواج نکرد؟ اگر عدم کفو و همتایی دلیل بر عدم ازدواج او بود؛ حضرت زینب سلام الله مثال نقض است.

- آیا حضرت معصومه دارای عصمت (عصمت صغری) بودند؟

- سفر حضرت معصومه (س) به عنوان یک خانم به دیاری دور دست چگونه اتفاق افتاد؟ آیا به تنهایی صورت گرفت یا با خاندان حضرت؟ این سفر به تصمیم شخصی خود ایشان بود یا درخواست امام رضا (ع)؟ هدف از این سفر اساساً چه بود؟

- جایگاه و شخصیت علمی آن حضرت چگونه بود؟ این امر را چگونه می‌توان اثبات کرد؟

- آیا اینکه می‌گویند زیارت‌نامه‌ی آن حضرت تنها زیارت‌نامه‌ی ماثور در میان سایر امامزادگان است، صحیح است؟

- چرا در میان سایر فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام، و نیز سایر امامزادگان، حضرت معصومه تا این حد ارج و قرب یافت؟



**مهمترین اختلاف در مکتب اسلام و فمینیسم مربوط به تفاوت یا عدم تفاوت جنسیتی در حقوق زنان و دختران است. ریشه‌ی این اختلاف که در مبانی وجودشناسی و معرفت‌شناسی هر دو مکتب آشکار شده ناشی از این امر است که مصلحت از جانب چه کسی تعیین می‌گردد. اسلام این امر خطیر را از «خداوند» طلب می‌کند، اما فمینیسم «بشر» را تعیین‌کننده‌ی مصلحت خویش می‌داند.**

محمد نامیدند به دلیل حضور حضرت معصومه علیها سلام در این شهر است؟ - رحلت آن حضرت چگونه بوده و توسط چه شخص یا اشخاصی به خاک سپرده شدند؟

✎ - **هیس، دخترها حامی دارند!**

**گزارشی از شبهات فمینیستی و غیرفمینیستی مطرح شده در ارتباط با دختران**

مهمترین اختلاف در مکتب اسلام و فمینیسم مربوط به تفاوت یا عدم تفاوت جنسیتی در حقوق زنان و دختران است. ریشه‌ی این اختلاف که در مبانی وجودشناسی و معرفت‌شناسی هر دو مکتب آشکار شده ناشی از این امر است که مصلحت از جانب چه کسی تعیین می‌گردد. اسلام این امر خطیر را از «خداوند» طلب می‌کند، اما فمینیسم «بشر» را تعیین‌کننده‌ی مصلحت خویش می‌داند. بر همین اساس اتهام «خشونت علیه زنان» از سوی فمینیسم بر اسلام و احکام آن مترتب می‌شود که تا حدی ریشه در نگرش متفاوت پیرامون مفهوم «عدالت» در مکتب اسلام و فمینیسم دارد. در اسلام، «عدالت» یک واقعیت ذاتی است و بر این اساس چون تفاوت حقوقی میان زن و مرد از نظر اسلام موافق مقتضیات وجودی زن است، و مبنای «اقتضای وجودی» را فمینیست قبول ندارد، از این تفاوتها به عنوان

«خشونت علیه زنان» تعبیر می کنند. اما در مقابل در فمینیسم، «عدالت» یک امر کاملاً نسبی است و بر حسب تجربه‌های مختلف بشری، معنای آن نیز متغیر شده و به تبع آن معنای «خشونت علیه زنان» نیز تغییر می‌کند. با این اوصاف، توجه به این مطلب خالی از فایده نیست که ادعاهای فمینیستی در دهه‌های اخیر تا چه حد بر اساس واقع‌نمایی بوده و آیا مباحث مطرح شده تنها دستاویزی برای ضربه زدن به چهره‌ی مقدس اسلام نبوده است؟ اسلام دینی است که با علم به تفاوت میان زن و مرد همواره ارزش و اهمیت زیادی برای زنان، دختران و حقوق آنها قائل شده است. اسلام در مسئله‌ی شخصیت و کرامت بخشیدن به دختران و زنان از تمامی ادیان پیشی گرفته و جایگاه خاصی برای آنها قائل شده و همانطور که ذکر شد این جایگاه بر اساس طبیعت و جودوی یک زن برای او در نظر گرفته شده است. تعابیر زیبای به کار رفته نسبت به دختران همچون ریحانه (گل)، قواریر (بلورها)، و حسنه (نیکی) که در توصیف پسران به کار نرفته، نشان از توجه، امتیاز و قائل شدن ویژگی خاص برای دختران است. به عنوان مثال خداوند در آیه ۴۹ از سوره شوری از دختر به عنوان هدیه تعبیر می‌کند که انسان‌ها باید نسبت به دریافت این هدیه از جانب خداوند خوشحال شوند. اما در عصر کنونی، جامعه‌ی غربی در اوج

بهره‌کشی از زنان و دختران به سر می‌برد و در حال تلاش است تا با قانون‌مند کردن ضد ارزش‌های خود برای دیگر جوامع و فرهنگ‌ها، فشارهای فراوانی خصوصاً بر مسلمانان و پیکره‌ی دین اسلام وارد سازد. بدین ترتیب، توجه به شبهات فمینیستی مطرح شده در ارتباط با دختران امری مهم و حیاتی است که از فرو افتادن در منجلاب فساد ناشی از تفکرات اومانیستی و خود محوری جایگزین شده به جای خدا محوری در جوامع سکولار جلوگیری می‌کند. در این یادداشت، گزارشی از شبهات فمینیستی یا غیرفمینیستی که در رابطه با دختران در سطح جامعه مطرح است ارائه خواهد شد که ارائه‌ی پاسخ کامل برای شبهات مذکور نیازمند پاسخ‌های سلبی و ایجابی است. از این رو تعدا شبهات فمینیستی و غیرفمینیستی از یکدیگر منفک نشده تا در آینده‌ای نزدیک پاسخ شفاف برای هر یک از شبهات مذکور نیز تکمیل و ارائه شود.

## ۱) باکرگی

- چرا دین اسلام بر باکرگی ارزش قائل شده؛ تا جایی که حتی در صورت عدم اطلاع مرد از این مساله امکان بطلان عقد وجود دارد؟ - در فرهنگ و عرف سنتی هم این نگاه در آداب و رسوم خاصی در شب زفاف در مورد دختران انجام می‌شده، و در سالهای اخیر هم گرفتن تاییدیه بکارت از سوی

پزشک در خانواده‌ها رواج داشته است. - ارزش‌گذاری بر باکرگی، کالا انگاری بدن زن است، با کلیشه‌ی زن دست‌خورده، زن دست‌نخورده. - این ارزش‌گذاری منجر به نگاه منفی و سلبی نسبت به دختران مطلقه و بیوه می‌شود. دخترانی که بعنوان دختر دست‌خورده برچسب می‌خورند و حتی در میان اقشار مذهبی هم اقبال ندارند. - اینکه ولادت حضرت معصومه سلام الله علیها بعنوان روز دختر اعلام شده، آیا جهتی جز باکرگی ایشان بوده؟ در این صورت چرا باکرگی را ملاک روز دختر انتخاب کرده‌اند، نه دختر یک خانواده بودن را؟ و اگر این نیست، جهت انتخاب روز ولادت حضرت بعنوان روز دختر از چه جهت بوده است؟ - فمینیست‌ها تلاش جدی بر حذف این ارزش‌گذاری دارند، اگرچه هدف آنها از این حذف، چشم پوشی بر روابط آزاد دختران قبل از ازدواج رسمی است.

## ۲) اذن پدر در ازدواج

- چرا پسران با ورود به سن بلوغ و نیاز جنسی این حق را دارند که بعنوان ازدواج دائم و موقت به رفع نیاز خود بپردازند، اما رفع نیاز دختران تنها در گرو اذن پدر است؟ و با توجه به اینکه عموماً پدران در سنین بلوغ و نوجوانی دختر راضی به ارتباط آنها با پسری نمی‌شوند، نیاز

دختران چطور باید تامین شود؟ (اگر بگویم در قالب ازدواج دائم، جای این شبهه هست که چرا برای پسران گزینه عقد موقت تا زمان ازدواج دائم را در دسترس می‌گذاریم اما برای دختران نه؟) - اساسا اذن پدر تا کجا و چه سنی و نیز تا چه حدی از تصمیم‌گیری، برای دختر می‌تواند نافذ باشد؟ - لازم بذکر است مباحثی وجود دارد که اساسا اذن پدر در فقه قدیم مطرح نبوده و از ۲۰۰ سال اخیر وارد فقه شده. این مساله جای بررسی و تحقیق دقیق دارد.

### ۳) سن تکلیف

- با توجه به اینکه بلوغ دختران هر دیار و زمان نسبت به جای و زمان دیگر متفاوت است، مثلا در میان اعراب و قرن‌های گذشته بلوغ جسمی دختران زودتر از دختران حال حاضر رخ می‌داده؛ آیا لازم نیست نشانه‌های دیگری علاوه بر سن، برای بلوغ تکلیفی دختران لحاظ شود؟ (همانگونه که برای پسران چنین مساله‌ای در نظر گرفته میشود)

### ۴) روابط جنسی آزاد هر سن متناسب با سن خودش:

- مساله‌ای که در سالهای اخیر شاهد آن هستیم، گسترش روابط بین دختران همسن و کاهش سن رابطه (تا ۱۰ ساله‌ها) است. همچنین در

این زمینه تجویزهایی از سوی فمینیست‌ها برای فرهنگسازی این مساله و آزادسازی آن به منظور سنجش گرایش‌های طبیعی دختران (و پسران) در میل به همجنس‌گرایی صورت گرفته است.

### ۵) کودک همسری

- هجمه‌ای که اخیرا شاهد آن هستیم، مقابله با ازدواج در سنین پایین (زیر ۱۸ سال) است. این هجمه از زمانی آغاز شد که مجلس شورای اسلامی در پی تصویب لایحه‌ای برای منع قانونی ازدواج زیر ۱۸ سال بود. - از جزییات و حواشی این اخبار اگر عبور



**شاید بتوان گفت یکی از ریشه‌های مهمی که موجب هجمه جبهه‌ی رقیب علیه مفاهیم غیرت و ناموس شده؛ پیشی گرفتن سنت شفاهی (عرف) عده‌ای از دینداران بر سنت کتبی (نصوص دینی و فقهی) است؛ برخوردهایی که از تفکر قالبی نشات می‌گیرد موجب رواج خشونت‌هایی علیه دختران و زنان شده؛ که همین امر دستاویزی برای جبهه رقیب علیه دین و دیانت گردیده و عنوان تحجر را برای مفاهیم ارزشمندی چون غیرت و ناموس بکار می‌برند.**

کنیم، مساله‌ای که باید به آن پرداخت، مساله تفاوت هر فرد با فرد دیگر، چه در زمینه بلوغ جنسی و چه بلوغ فکری و اجتماعی است. لذا نمی‌توان با ابزارهای قانونی این تفاوت‌ها را نادیده گرفت و برای همه‌ی افراد یک شاخص خشک و غیر قابل انعطاف طراحی کرد. در این زمینه، آنچه که اهمیت دارد ارائه طرح و ایده‌ای برای جلوگیری از «ازدواج اجباری دختران» در سنین پایین است. از سوی دیگر، آنانی که بر طبل شعار «نه به کودک همسری» می‌کوبند، خود و همفکرانشان بر روی تجویز روابط آزاد جنسی میان دختران و پسران یا همجنس، بدون هیچ چارچوبی پافشاری می‌کنند. اینگونه پیداست که مساله‌ی آنها با ازدواج در سنین پایین، مساله اجبار و تحمیل ازدواج نیست، بلکه مشکل آنها، داشتن چارچوب برای روابط است. ناگفته پیداست داشتن یک چارچوب برای روابط جنسی و عاطفی، ضامن آرامش و بهداشت روانی علی‌الخصوص برای دختران خواهد بود. بنابراین لازم است از منظر جامعه‌شناختی، روانشناختی، و حقوقی، نسبت به بررسی چارچوب‌های روابط جنسی و عاطفی و ازدواج در سنین پایین خصوصا با رویکرد تامین امنیت روانی و جنسی دختران اقدام کرد.



## 6) غیرت و ناموس

- از دیگر کلیدواژه‌هایی که جبهه‌ی ضددینی به عنوان ابزار عملیات روانی علیه دینداران استفاده می‌کنند، کاربرد عملی مفاهیمی چون غیرت و ناموس است. شاید بتوان گفت یکی از ریشه‌های مهمی که موجب هجومه جبهه‌ی رقیب علیه مفاهیم غیرت و ناموس شده؛ پیشی گرفتن سنت شفاهی (عرف) عده‌ای از دینداران بر سنت کتبی (نصوص دینی و فقهی) است؛ برخوردهایی که از تفکر قالبی نشات می‌گیرد موجب رواج خشونت‌هایی علیه دختران و زنان شده؛ که همین امر دستاویزی برای جبهه رقیب علیه دین و دیانت گردیده و عنوان تحجر را برای مفاهیم ارزشمندی چون غیرت و ناموس بکار می‌برند. (فاجعه قتل رومینا اشرفی نمونه‌ای از این خشونت است؛ و موارد دیگری مثل ممانعت از تحصیل یا فعالیت‌های اجتماعی زنان و... با عنوان غیرت داشتن بر ناموس از جمله خشونت‌های نامرئی بر زنان است که دستاویزی برای ازاله‌ی معنای حقیقی و زیبای غیرت و ناموس گردیده است) - آنچه لازم است؛ بازتعریف علمی و عملی این مفاهیم و معرفی جلوه‌های حقیقی این مفاهیم است. مفاهیمی که برخاسته از محبت عمیق به زن و صیانت از روح و روان و جسم او برای به ثمر نشستن

استعدادهای اوست، نه سرکوب و تضعیف او.

## 7) نقش برادر و پدر

- نقش برادر و پدر نسبت به امنیت روانی، بهداشت و سلامت روحی دختران چیست؟ - دخترانی که به لحاظ عاطفی ارتباط عمیق-تری با پدر/ برادر خود دارند کمتر در دام روابط عاطفی غیر مشروع می‌افتند. روشهای گسترش فرهنگ روابط سالم دختر-پدری و خواهر-برادری چیست؟ چه مواردی نیازمند تاکید و فرهنگ سازی بیشتری است؟



## از دیگر کلیدواژه‌هایی

**که جبهه‌ی ضددینی به عنوان ابزار عملیات روانی علیه دینداران استفاده می‌کنند، کاربرد عملی مفاهیمی چون غیرت و ناموس است. شاید بتوان گفت یکی از ریشه‌های مهمی که موجب هجومه جبهه‌ی رقیب علیه مفاهیم غیرت و ناموس شده؛ پیشی گرفتن سنت شفاهی (عرف) عده‌ای از دینداران بر سنت کتبی (نصوص دینی و فقهی) است؛ برخوردهایی که از تفکر قالبی نشات می‌گیرد موجب رواج خشونت‌هایی علیه دختران و زنان شده؛ که همین امر دستاویزی برای جبهه رقیب علیه دین و دیانت گردیده و عنوان تحجر را برای مفاهیم ارزشمندی چون غیرت و ناموس بکار می‌برند.**

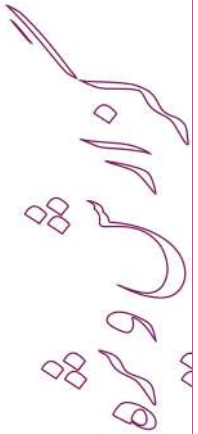
## 8) مسایل جنسی و خود ارضایی

- طبق مشاهدات تجربی، برخی دختران از سنین 5-6 سال غدد جنسی‌شان مقداری فعال می‌شود. اگرچه خودشان از مسایل جنسی مربوطه مطلع نباشند؛ اما لذت بازی با اندام جنسی خود را ادراک می‌کنند. هم چنین در مشاوره‌ها مواردی از اعتیاد به خود ارضایی در دوره نوجوانی دیده شده که در ادامه‌ی همان لذت‌های دوره کودکی گزارش شده است. - آنچه که نیازمند بررسی است؛ اولاً: هنگام مشاهده چنین مواردی در سنین کودکی چه نوع کنشی از سوی والدین باید صورت بگیرد؟ ثانیاً: چگونه از اعتیاد دختران به خود ارضایی در سنین نوجوانی بایستی جلوگیری نمود؟ - اساساً مسایل جنسی از چه دوره و سنینی برای دختران باید بازگو شود؟

## 9) عادت ماهیانه

- تشریح مساله عادت ماهیانه برای دختران و روش‌های آموزش بهداشت سلامت جسمی و روانی و چگونگی مواجهه با این پدیده یکی از دغدغه‌های مهم خانواده‌های دختردار است. - خصوصاً در پاسخ به سوالات دختران در خصوص مسائل مرتبط با عادت ماهیانه که ممکن است در سنین مختلف از سوی دختران پرسیده شود، چه واکنشی باید انجام شود. والدین بهتر است سوال

خردورز



گزارشی از شبهات  
فمینیستی و  
غیرفمینیستی  
مطرح شده در  
ارتباط با دختران



مذکور را به چه نحوی پاسخ دهند تا ابهامات موجود تا حدودی برطرف شود. - نقش اعضای خانواده نسبت به دختران در ایام عادت ماهیانه چگونه قابل تبیین است و آنها چه کمکی می‌توانند در رفع این عارضه‌ی هورمونی انجام دهند.

## ۱۰. ازدواج

- گره خوردن هویت دختران به ازدواج از سوی عرف جامعه و نگاه نامطلوب به دختران مجرد موجب کاهش اعتماد به نفس آنها در سنین نوجوانی و نزدیک به جوانی می‌شود. ترس از انگ‌های عرفی مثل ترشیده شدن، روی دست ماندن، عقده‌ای بودن و... موجب نگرانی آنها، و در بسیاری از موارد تن دادن به ازدواجی که شاید چندان مناسب آنها نباشد، تنها از ترس بی‌هویت ماندن و سرکوفت خوردن از سوی خانواده و جامعه مسائلی است که نباید نادیده گرفته شود. - همین امر موجب کلیشه‌سازی از ازدواج به عنوان تمامیت ارزش زندگی دختران شده و تعبیر ایده‌آلی که در مورد ازدواج رواج یافته و نیز تجملات و فانتزی‌سازی‌هایی که از ازدواج‌های عاشقانه صورت گرفته؛ موجب گردیده تا دختران پس از بلوغ، نگاه آرمانی و هویتی به ازدواج داشته و عمده آمال و اهداف خود را تنها در ازدواج منحصر کنند. این امر نه تنها موجب کاهش

اعتماد به نفس دختران شده، بلکه تصمیم‌گیری در مورد ازدواج عاقلانه و نیز مواجهه با واقعیات زندگی مشترک را تحت الشعاع قرار می‌دهد. - آنچه که لازم است بررسی و انجام گیرد؛ آسیب‌شناسی دقیق این نگاه و نیز نحوه فرهنگ‌سازی برای مقابله با چنین رویکردهایی در امر ازدواج است، تا «ازدواج‌هایی سالم با هدف تعالی انسانی» جایگزین «ازدواج به هر قیمتی» و «ازدواج با هدف هویت‌یابی» شود.

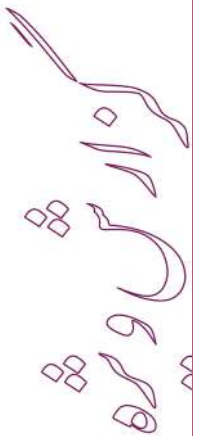


**گره خوردن هویت دختران به ازدواج از سوی عرف جامعه و نگاه نامطلوب به دختران مجرد موجب کاهش اعتماد به نفس آنها در سنین نوجوانی و نزدیک به جوانی می‌شود. ترس از انگ‌های عرفی مثل ترشیده شدن، روی دست ماندن، عقده‌ای بودن و... موجب نگرانی آنها، و در بسیاری از موارد تن دادن به ازدواجی که شاید چندان مناسب آنها نباشد، تنها از ترس بی‌هویت ماندن و سرکوفت خوردن از سوی خانواده و جامعه مسائلی است که نباید نادیده گرفته شود.**

## همه‌ی مسائل دنیای رنگارنگ دخترانه

### گزارشی از شبهات دختران در مورد دختران بنا بر اقتضای سنی آنها

دنیای دخترانه یک دنیای شاد، رنگارنگ و سرشار از مهر و عطوفت است. دین اسلام نیز به این فطرت پاک و معصومانه ارج نهاده و جایگاهی عظیم برای دختران در خانواده و جامعه قائل شده است. این امر تا جایی اهمیت پیدا کرده که پیامبر اسلام در مهمترین مسائل اجتماعی دختران را وارد ساخته و بارها در میان اعراب جاهلی همراه با دختر خود به حل یک مسئله پرداخته‌اند. با نگاهی به سیره‌ی امامان معصوم (ع) نیز اگر کسی از داشتن فرزند دختر احساس ناخشنودی می‌کرد، آن بزرگواران با آنها برخورد کرده و همواره سعی در پاک کردن عقاید و رسومات جاهلی‌شان نسبت به دختران بودند. کرامت و شخصیتی که دین اسلام به دختران بخشیده امری است که با رجوع به آیات، روایات و مبانی دینی کاملاً آشکار است. مقام و منزلت بخشیدن به وجود دختران سبب شده تا استعدادی ذاتی آنها شکوفا شود و امروزه بخش مهمی از توانایی‌های هر جامعه مدیون وجود آنها باشد. دختران در مراحل مختلف رشد و بالندگی خود و بر اساس رویکرد



### ۳) اشتیاق به روابط دوستی با جنس مخالف

در میان دوستان مان عده‌ی زیادی از دختران با جنس مخالف خود دوست هستند و این مسئله را به عنوان یک امتیاز برای خود تلقی می‌کنند. در واقع این دختران معتقدند که از جذابیتی برخوردار هستند که توانسته پسری را به خود جذب کند. با این اوصاف چندین مسئله‌ی مبهم باقی می‌ماند که نیاز به پاسخ دارد:

- این میل به جذابیت (یا دلبری) برای پسران را چطور کنترل کنیم؟
- چطور در برابر دوستان مان احساس کمبود جذابیت نداشته باشیم؟
- چطور اعتماد به نفس داشته باشیم تا از این باب دچار ضربه نشویم؟
- چرا نباید با پسران هم سن و سال خودمان دوست باشیم؟

### ۴) زیبایی بدن و میل به خودنمایی

زیبا بودن و داشتن فاکتورهایی در صورت و اندام و کلیشه‌سازی از آن موجب میل و گرایش دختران نوجوان برای زیباتر شدن هر چه بیشتر خودشان است تا حدی که تبدیل به وسواس می‌شود. از این جهت دچار ابهامات و شبهاتی می‌شوند مثل اینکه:

- چگونه زیباتر شوم؟

می‌کنند، زیباتر هستند. چرا خدا نمی‌خواهد ما زیبا باشیم و زیبایی مان را نشان دهیم؟

- چرا بزرگترها باید روسری بپوشند؟ چرا خدا از ما کوچکترها نخواست حجاب داشته باشیم؟ (این شبهه مربوط به دختران زیر ۹ سال است.)
- چون من یک دختر محجبه هستم که در برخورد با نامحرم نجیبانه برخورد می‌کنم، معمولا در میان جمع تنها می‌مانم. چون حجاب دارم و آزادانه شوخی و خنده نمی‌کنم، باید منزوی بمانم؟



**دنیای دخترانه یک دنیای شاد، رنگارنگ و سرشار از مهر و عطوفت است. دین اسلام نیز به این فطرت پاک و معصومانه ارج نهاده و جایگاهی عظیم برای دختران در خانواده و جامعه قائل شده است. این امر تا جایی اهمیت پیدا کرده که پیامبر اسلام در مهمترین مسائل اجتماعی دختران را وارد ساخته و بارها در میان اعراب جاهلی همراه با دختر خود به حل یک مسئله پرداخته‌اند.**

خاص تربیتی خانواده و همچنین بنا بر اقتضائات سنی‌شان مسائل و ابهاماتی دارند که گستره‌ی وسیعی اعم از دینی، فرهنگی، اجتماعی و حتی خانوادگی را در بر می‌گیرد. در یادداشت زیر سعی شده به صورت کلی برخی از ابهامات یا شبهات مطرح شده از سوی دختران بنا بر اقتضائات سنی‌شان اشاره و در آینده‌ی نزدیک با ارائه‌ی پاسخی روشن و شفاف برای مسائل مذکور به شکوفایی هر چه بیشتر دختران در تمامی عرصه‌های زندگی کمک شود.

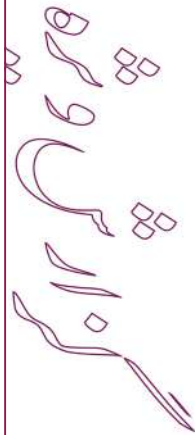
### ۱) شبهه سن تکلیف

- چرا ما دختران زودتر از پسران باید به سن تکلیف برسیم؟
- آیا خدا ما را کمتر از پسران دوست داشته که به ما آزادی بیشتری نداده؟

### ۲) حجاب و پوشش

- اساسا فلسفه حجاب چیست؟
- چرا خیلی از هم سن و سال‌های ما و خانم‌های بزرگتر حجاب کاملی ندارند؟
- آیا خدا آن‌ها را دوست دارد؟ خداوند با آن‌ها چه برخوردی خواهد داشت؟ آیا خدا با آنها هم مهربان است؟ (این شبهه به ذهن دختران تازه به تکلیف رسیده)
- خانم‌هایی که بدحجاب‌اند و آرایش

گزارشی از شبهات فمینیستی و غیرفمینیستی مطرح شده در ارتباط با دختران



- چگونه تغییرات ظاهری دوره بلوغ را کتمان کنم؟  
- چگونه ظاهر خودم را آراسته کنم تا از معیارهای زیبایی بین دوستانم کمتر نباشم؟

## ۵) ازدواج (دختران نوجوان و جوان)

- اسب سفید آرزوهای من با چه سواری می‌آید؟ نیمه‌ی گمشده‌ی من کجاست؟  
- من باید چه معیارهایی از زیبایی داشته باشم تا مرا برای ازدواج بپسندند؟  
- اگر دیر ازدواج کنم دوستان و اطرافیانم چه خواهند گفت؟  
- اگر ازدواج نکنم، به من برچسب عقده‌ای خواهند زد؟  
- مگر من چه عیب یا ایرادی دارم که کسی برای خواستگاری از من پیش قدم نمی‌شود؟ اساساً چرا هیچ خواستگاری ندارم؟  
- با سرکوفت‌های خانواده و اطرافیان در مورد عدم ازدواج چه کنم؟  
- چرا نمی‌توانم با پسری که از من کوچکتر است ازدواج کنم؟

## مسئله‌ای به قدمت تاریخ...!

ارائه‌ی لیست شبهات موجود در مورد عفاف و حجاب در جبهه خودی و رقیب

به بهانه‌ی روز دختر و اهمیت این مسئله در میان جریان‌های انقلابی و جریان‌های معاند در داخل و خارج از ایران بر آن شدیم تا کلیه‌ی شبهات موجود در مورد مسئله‌ی مهم «عفاف و حجاب» را در سطح فردی و اجتماعی استخراج کنیم. مسلماً تهیه‌ی این لیست از شبهات می‌تواند مقدمه‌ای هر چند کلی برای دست یافتن به پاسخ‌های دقیق و کارآمد نسبت به این مسائل در آینده‌ای نزدیک باشد. بر همین اساس، در ادامه شبهات مذکور ارائه خواهد شد:



**با توجه به عدم وجوب پوشاندن موی سر برای کنیزان و نیز زنان سالخورده، آیا می‌توان گفت «زن بودن» و «مسلمان بودن» در وجوب شرعی پوشش موی سر دخالتی نداشته و تنها یک توصیه اخلاقی و استحباب برای رعایت بیشتر عفاف است و نپوشانیدن آن حرمت شرعی ندارد؟**

## الف) سطح فردی:

۱. فلسفه‌ی پوشش - که به قدمت تاریخ است در چیست؟ آیا مساله پوشش قبل از اینکه تشریعی باشد، فطری

است؟ آیا در این مساله تفاوتی میان زن و مرد در میل به پوشیدگی وجود دارد؟  
۲. آیا میان مردان و زنان در مواجهه با برهنگی جنس مخالف، تفاوت زیستی چشمگیری وجود دارد؟  
۳. نسبت عفاف با حجاب چیست؟ کدام اصل است و کدام فرع؟  
۴. ستر یا حجاب؟ آیا این دو به یک معنا هستند؟  
۵. علت وجوب حجاب در اسلام چیست؟ آیا حکم حجاب امضایی بوده یا تاسیسی؟  
۶. آیا در ادیان دیگر نیز حجاب برای زنان تکلیف شده؟ در این صورت آیا «محدوده حجاب» در ادیان دیگر همانند دین اسلام بوده است؟  
۷. آیا در اسلام حجاب تن برای زنان اولویت دارد یا حجاب چشم برای مردان؟ آیا اساساً میان آنها تقدم و تاخیری علی وجود دارد؟  
۸. چرا آنگونه که روی حجاب بدن زنان تاکید می‌کنند روی حجاب چشم مردان تاکید نمی‌شود؟  
۹. دلیل وجوب پوشش در نماز برای زنان چیست؟  
۱۰. گفته می‌شود که محدوده‌ی پوشش زمان صدر اسلام از حال حاضر کمتر بوده است، و حکم پوشش سر و گردن یک توصیه اخلاقی است نه حکم تکلیفی. لذا این سوالات در این باره مطرح است که:

- با توجه به عدم وجوب پوشاندن موی سر برای کنیزان و نیز زنان سالخورده، آیا می‌توان گفت «زن بودن» و «مسلمان بودن» در وجوب شرعی پوشش موی سر دخالتی نداشته و تنها یک توصیه اخلاقی و استحباب برای رعایت بیشتر عفاف است و نپوشانیدن آن حرمت شرعی ندارد؟

- معیار و یا مصداق «الا ما ظهر منها» در آیه شریفه ۳۱ نور، چه نوع زینتی است؟ استناد این که موی سر از زینت ظاهر محسوب نمی‌شود به چیست؟

- با توجه به مفهوم «تبرج» که نوعی خودنمایی آگاهانه و عامدانه است، آیا پیدا بودن موی سر و گردن به طور طبیعی، داخل در مفهوم تبرج قرار می‌گیرد؟

- با توجه به ملاک جلب نظر بخاطر زیبا بودن، چرا پوشانیدن صورت که زیباتر از موی سر است واجب نگردیده است؟

۱۱. کارکرد فردی و خانوادگی حجاب و پیامد رعایت یا عدم رعایت آن در چیست؟

## 👉 (ب) سطح اجتماعی:

۱. آیا می‌توان اصل پوشش را بلحاظ پدیدارشناسی بعنوان یک مساله اجتماعی تلقی کرد؟ تعریف و تحدید آن چگونه است؟

۲. آیا می‌توان گفت دخالت در پوشش افراد دخالت در حریم خصوصی آنهاست؟

پوشش افراد تا چه میزان به خودشان و تا چه میزان به جامعه مربوط می‌شود؟

۳. آیا در حکومت پیامبر (ص) همه زنان (مسلمان و غیر مسلمان) ملزم به رعایت پوشش اسلامی بودند؟

۴. آیا در حکومت پیامبر در صورت عدم رعایت حدود شرعی حجاب، تعزیر و مجازات انجام می‌شد؟

۵. لزوم الزام قانونی حجاب در کشور اسلامی برای غیر مسلمانان چیست؟

۶. آیا حجاب یک پدیده فرهنگی است و نیاز به روش‌های فرهنگی و آرام در گسترش آن وجود دارد، یا یک پدیده حقوقی و نیازمند قوانین حکومتی؟

۷. قانون حجاب در کشور ما از چه زمانی و به دستور چه کسانی تصویب شد؟ ضرورت تصویب قانون در ابتدای انقلاب چه بود؟

۸. در مواجهه با بی‌حجابی کدام ابزار اولویت دارد؟ ابزار قانونی و حقوقی یا ابزار فرهنگی و بسترسازی؟

۹. چرا با وجود قوانین مربوط به حجاب وضعیت جامعه بلحاظ عفاف و حجاب تنزل پیدا کرده است؟

۱۰. معمولا گفته می‌شود فسادهای بالادستی از جمله فسادهای اقتصادی منجر به بی‌اعتنایی به قوانین مربوط به حجاب شده است. برخی بی‌حجابی را نوعی اعتراض به حکومت تلقی می‌کنند. این مساله را چگونه تحلیل می‌کنید؟

۱۱. آیا حاکمیت می‌تواند برای اصل حجاب و پوشش در شبکه‌های اجتماعی مجازی دخالتی داشته باشد؟

۱۲. امر به معروف و نهی از منکر در مساله حجاب چگونه باید باشد؟ آیا درجایی که بدحجابی عمده است، تذکر لسانی ضرورت و فایده دارد؟

۱۳. روش حاکمیت در برخورد با بی‌حجابی چگونه باید باشد؟

۱۴. تفاوت اجبار و الزام چیست؟

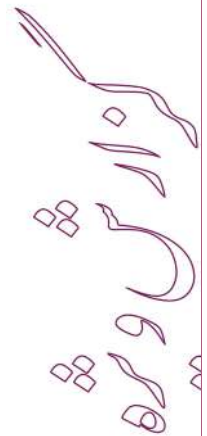
۱۵. برخی ادعا می‌کنند در غرب با آزاد گذاشتن حدود پوشش و در دسترس بودن بهره‌گیری از زنان موجب عدم طمع‌ورزی به آنها می‌شود. این ادعا تا چه مقدار صحت دارد؟ پیامدهای این آزادی چیست؟

۱۶. آیا در کشورهای غیر مسلمان حدودی برای پوشش وجود دارد؟ اساسا در غرب فعلی چه میزان از پوشش هنجار است و چه میزان ناهنجار؟

۱۷. در دو حالت زیر، وظیفه زنان مسلمان چیست:

- زنان مسلمانی که در بلاد کفر زندگی می‌کنند و قانون آن بلاد آنها را ملزم به بی‌حجاب می‌کند.

- زنان مسلمان در بلد مسلمان که حاکمیت طاغوت آنان را ملزم به بی‌حجابی می‌کند. (مانند دوران رضاخان)



## جایگاه انسانیا حضرت معصومه در سیاره انسانها

دکتر رضا لکزایی



## مشکلی عیان در آمارهای نهان!

مهدیه منافی



## بازنمایی دختر در سینما ایران

علی اصغر سیاحت



## نقش تمدنی حضرت معصومه و قم به عنوان مرکز اصلی انقلاب اسلامی

میلاذ پورعسگری



۹۰



### این کاربر مقادیر زیادی به دنیا بدهکار است!

دکتر فائزه اسکندری

۹۴



### دیدگاه فنیسم و نقد آن

سعید ابوالقاضی

۱۰۱



### فدای دخترم!

حجت الاسلام دکتر حمید فاضل

۱۰۳



### ارزنده‌ترین زینت زندگی

جواد عبدالزاده



## جایگاه انسانیت حضرت معصومه در سیاره انسان‌ها



دکتر رضا لکزایی

پژوهشگر پژوهشگاه بین‌المللی جامعه‌المصطفی  
الطاهره - سلامت‌الله‌عنه‌وآله

### اشاره

هدف و حیزه حاضر، تعیین جایگاه انسانیت حضرت معصومه در سیاره انسان‌هاست. برای این منظور از طبقه بندی صدرالمتألهین شیرازی استفاده می‌کنیم (الشواهد الربوبية في المناهج السلوكية، ص ۳۳۷). ملاصدرا از چهار مدل انسان نام برده است، پس از بررسی این چهار مدل، جایگاه حضرت معصومه رخ می‌نماید. روش ملاصدرا ماهیتی معرفت‌شناسانه دارد و ترکیبی از تجربه و فلسفه است که بر «تشخیص تهدید» مبتنی است که در ضمن بحث، روشن می‌شود.

### ۱. انسان حسی

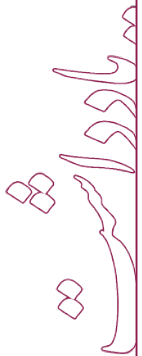
ملاصدرا برای توضیح این نمونه به پروانه مثال می‌زند. ملاصدرا می‌نویسد پروانه به گرد شمع می‌چرخد و می‌چرخد و گاهی هم می‌سوزد اما از این تجربه درس نمی‌گیرد تا اینکه کاملاً در دل آتش شمع قرار می‌گیرد و می‌سوزد. دلیل مطلب آن است که پروانه فاقد حافظه است و اطلاعاتش مبتنی بر حس است و در نتیجه توانایی اندوختن تجربه ندارد. مثلاً معتادی که ترک کرده اما باز به سراغ رفقای خلافتش می‌رود می‌توان در همین دسته قرار داد. یا مثلاً نهادی که یک بار قرارداد بسته و

متضرر شده اما باز در قرارداد دوم از تجربه پند نمی‌گیرد و در قرار داد متضرر می‌شود در همین گروه جا دارد. یا روشنفکران و دولتی و مطبوعاتی که عهد شکنی کشور متخاصم را می‌بینند، اما باز از مذاکره با او سخن می‌گویند، این حیث، در همین جلگه قرار می‌گیرند.

### ۲. انسان خیالی

ملاصدرا برای توضیح این نمونه به پرنده مثال می‌زند. ملاصدرا می‌نویسد اگر پرنده جایی نشست و در آنجا مورد آسیب قرار گرفت، دیگر به آن مکان بر نمی‌گردد، چون دارای حافظه





لذا قدرت و مسئولیت از منظر انسان معنوی یک امانت و به تعبیر خودمانی در دسر است. حضرت معصومه انسانی معنوی است و گرچه در دنیا زیست کرده و نفس کشیده اما به لحاظ روحی، انسانی فرازمینی و فرامکانی است.



**انسان معنوی بر مدار عقلانیت و عدالت حرکت می‌کند. ملاصدرا برای تبیین این مدل، به حیوانات مثال نمی‌زند. این مدل انسان‌ها خطرات دنیوی را تشخیص می‌دهند و همچون حضرت یوسف آنها را مدیریت می‌کنند. اما تفاوتی که انسان معنوی با انسان دنیوی دارد این است که انسان معنوی خطرات و تهدیدات اخروی را هم تشخیص می‌دهد و برای برطرف کردن و در امان ماندن از آن خطرات عظیم و کمرشکن طرح و برنامه ارائه می‌دهد. یعنی خطرانی که بعد از مرگ احتمال دارد که انسان با آنها روبرو شود را می‌داند و تلاش می‌کند که خود و جامعه را از آن خطرات و تهدیدات حفظ کند. اگر قدرت را هم به دست می‌گیرند برای همین هدف است نه آنکه قدرت، برای انسان معنوی کمال و درجه‌ای محسوب شود.**

در این است که در قسمت الف شخص یا نهاد و یا دولت باید با خطر مواجه شود تا به فکر تدبیر بیفتند اما در قسمت ب قبل از مواجهه با خطر تدبیر انجام می‌شود. استراتژیست‌ها در این مدل قرار می‌گیرند. همین‌طور کسانی که مدیریت در بحران یا مدیریت بحران را انجام می‌دهند. نکته‌ای که وجود دارد این است که افق انسان دنیوی چه در تدابیر کوتاه مدت و چه در تدابیر بلند مدت، محدود به دنیا و امور دنیوی است و افقی ویرای دنیا ندارد.

### ۴. انسان معنوی

انسان معنوی بر مدار عقلانیت و عدالت حرکت می‌کند. ملاصدرا برای تبیین این مدل، به حیوانات مثال نمی‌زند. این مدل انسان‌ها خطرات دنیوی را تشخیص می‌دهند و همچون حضرت یوسف آنها را مدیریت می‌کنند. اما تفاوتی که انسان معنوی با انسان دنیوی دارد این است که انسان معنوی خطرات و تهدیدات اخروی را هم تشخیص می‌دهد و برای برطرف کردن و در امان ماندن از آن خطرات عظیم و کمرشکن طرح و برنامه ارائه می‌دهد. یعنی خطرانی که بعد از مرگ احتمال دارد که انسان با آنها روبرو شود را می‌داند و تلاش می‌کند که خود و جامعه را از آن خطرات و تهدیدات حفظ کند. اگر قدرت را هم به دست می‌گیرند برای همین هدف است نه آنکه قدرت، برای انسان معنوی کمال و درجه‌ای محسوب شود.

است و در نتیجه از تجربه پند می‌گیرد. در این مدل، انسان یک بار که گزیده شد از آن به بعد به فکر تأمین امنیت و جبران بیفتد. بنابراین در این دل تا شخص یا نهاد یا کشور آسیبی نبیند، متوجه خطر و تهدید نمی‌شود.

### ۳. انسان دنیوی

این نمونه را در دو قسمت توضیح می‌دهیم. الف: ملاصدرا برای توضیح این نمونه به گوسفند و شتر و گرگ مثال می‌زند؛ به این ترتیب که گوسفند وقتی شتر را می‌بیند فرار نمی‌کند، اما وقتی گرگ را می‌بیند با اینکه گرگ از شتر کوچک‌تر است فرار می‌کند. این مدل متوقف بر این است که انسان با خطر روبرو شود همین‌که با خطر روبرو شد، بدون اینکه آسیب ببیند، عکس العمل مناسب نشان می‌دهد و امنیت خود را تأمین می‌کند. ب. ملاصدرا ظاهراً به این قسمت اشاره نکرده است. برای این مدل می‌توانیم به مورچه مثال بزنیم. در این مدل، مورچه‌ای که خطر و تهدید گرسنگی در زمستان سرد و سخت را ندیده، در تابستان به دنبال جمع کردن غذاست. یعنی شخص یا خانواده یا دولت خطرانی را که چند ماه بعد یا چندین سال بعد ممکن است با آنها روبرو شود، از اکنون می‌داند یا برآورد می‌کند و تلاش می‌کند که آن تهدیدات را به فرصت تبدیل کند یا حداقل از میزان خسارت آنها بکاهد. چنانکه مشخص است تفاوت قسمت الف و ب



## از رهگذر خاک سر کوی شما بود هر نافه که در دست نسیم سحر افتاد

کسی که در پیشگاه خدا دارای شأن و جایگاه و منزلت است. کسی که به شفاعتش امیدواریم و چشم داریم تا در سختی‌ها و مشکلات و تهدیدات دنیوی و معنوی و اخروی ما را به ساحل امنیت و آرامش و نجات برساند. فاطمه معصومه بیش از هزار سال است که پشت و پناه علما و ضعفا بوده و هست. کسی که بزرگ‌ترین انقلاب تاریخ از جایی رقم خورده که مضجع شریف او در آن شهر قرار دارد و خمینی بزرگ، این انسان معنوی، رهبر این انقلاب بی نظیر در همان شهر تحصیل و تدریس کرده به قمی بودن خود افتخار نموده است (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۶۵). از این رو انقلاب اسلامی ایران که مروج اسلام ناب محمدی در جهان است با نام کریمه اهل بیت حضرت معصومه سلام الله علیها گره خورده است و نمی‌توان از انقلاب اسلامی سخن گفت و از قم سخن نگفت. قم به سبب حضور معصومه حرم اهل بیت، مرکز علم، تقوا، شهادت، شهامت، شجاعت و همه فضیلت‌هاست و از قم یعنی شهری که از زمان ائمه اطهار مورد توجه اسلام (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۶۵) علم و قدرت به دیگر نقاط سیاره انسان منتشر شده و می‌شود. و درست به همین دلیل انقلاب اسلامی ایران، انسانی‌ترین و معنوی‌ترین انقلاب جهان بوده است، انقلابی



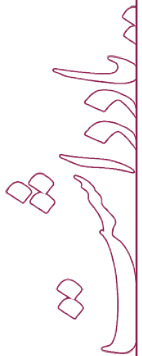
که بر خلاف دیدگاه هانتینگتون خشونت ذاتی آن نبوده، بلکه تغییر بنیادین به همراه عطفوت و محبت و عقلانیت و معنویت تار و پود آن را تشکیل داده است و این همه از برکات آن وجود شریف و نازنین و معنوی است. ولله الحمد

### جایگاه حضرت معصومه در جغرافیای فرهنگی کجاست؟

#### اشاره

یکی از بزرگان که دیداری با یکی از هیئت‌های خارجی داشت تعریف می‌کرد که این هیئت

سؤالاتی را مطرح کردند، از کله اینکه شما چرا به زیارت مزار یک خانم می‌روید. اینکه آن بزرگ چه پاسخی داد بماند. اما پاسخ این پرسش زمانی روشن می‌شود که بدانیم حضرت معصومه سلام الله علیها در کدام جغرافیای فرهنگی قرار دارد. بنابراین مسئله ما بررسی جایگاه کریمه اهل بیت سلام الله علیها در جغرافیای فرهنگ‌هاست. وقتی کسی از این منظر نژادی و قومی و زبانی به حضرت معصومه بنگرد، باید هم پرسد شما چرا به زیارت بانو می‌روید. بر اساس طبقه‌بندی امام خمینی از انسان‌ها هشت مدل انسان (شرح جنود



شکار می‌شوند؛ گاهی با رشوه و هدیه و گاهی هم با جنس مخالف. فیلم‌های پورن مروج این مدل از فرهنگ هستند. نژاد و جنسیت و زبان در این فرهنگ برجسته است. طبق فرهنگ پان ایرانیسم معنا ندارد که ایرانی به یک عرب احترام بگذارد. طبق دیدگاه فمینیست‌ها معنا ندارد که مرد ایرانی به زیارت قبر یک خانم برود. در فرهنگ مادی روابط انسان‌ها با یکدیگر و حتی با طبیعت منفعت‌محور است. این دیدگاه توسط کسانی مثل بنتهام و فروید و فرانسیس بیکن تئوری‌پردازی شده است. منفعت روشن است که ساحت قدسی و پاک حضرت معصومه از این جغرافیا بری است.

### فرهنگ تنازعی

در این فرهنگ آنچه مهم است و اصالت و اولویت دارد، خواسته‌های قوه غضبیه و دست یافتن به قدرت و مقام است. خشونت و قدرت در اینجا نقش اساسی ایفا می‌کند. شخص حاضر است پول خرج کند تا خود به قدرت دست یابد یا رقیب را به زیر بکشد. شاید همسر ابولهب را بتوان در این مدل از جغرافیای فرهنگ قرار داد. کسی که هر بدی و خشونتی که توانست در حق رسول خدا به جا آورد تا جایی که به همراه همسرش، که عموی پیامبر اعظم صلوات الله علیه و آله بود، در قرآن مذمت و نکوهش شد. فیلم‌های خشن و جنایی مروج این فرهنگ هستند. فرهنگ



در این فرهنگ آنچه مهم است و اصالت و اولویت دارد، خواسته‌های قوه غضبیه و دست یافتن به قدرت و مقام است. اینجا نقش اساسی ایفا می‌کند. شخص حاضر است پول خرج کند تا خود به قدرت دست یابد یا رقیب را به زیر بکشد. شاید همسر ابولهب را بتوان در این مدل از جغرافیای فرهنگ قرار داد. کسی که هر بدی و خشونتی که توانست در حق رسول خدا به جا آورد تا جایی که به همراه همسرش، که عموی پیامبر اعظم صلوات الله علیه و آله بود، در قرآن مذمت و نکوهش شد. فیلم‌های خشن و جنایی مروج این فرهنگ هستند.

را منتشر کرده، خانم تزیپی لیونی اعتراف کرده است که برای منافع اسرائیل، روابط جنسی با برخی شخصیت‌های مهم اروپایی و منطقه‌ای و از آن جمله برخی سران عرب داشته است. براساس اعترافات او؛ شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی امیر کنونی قطر و حمد بن جاسم نخست وزیر قطر از جمله این افراد بوده‌اند. در نزاع قدرت، کارگزاران شهوت‌گرا بر اساس تمایلات شهوانی که دارند، به آسانی به دام می‌افتند و

عقل و جهل، ص ۱۵۰) و در نتیجه هشت مدل فرهنگ خواهیم داشت. این مطلب، چارچوب نظری و اسکلت بحث ما را تشکیل می‌دهد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

### فرهنگ مادی

در این فرهنگ آنچه مهم است و اصالت و اولویت دارد، جسم و لذائذ جسمی و خواسته‌های قوه شهویه است. مثلاً زلیخا را در نظر بگیرید، او کسی است که به دنبال لذت و شهوت خویش است. یا کسانی که به دنبال جمع کردن مال و ثروت هستند، مثل قارون. این افراد هم ذیل همین فرهنگ قرار می‌گیرند. مراد ما از فرهنگ طرز رفتار فردی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و ... است. پوشش، مدل مو، رنگ مو، مد، لباس، ماشین، منزل، وسائل منزل، دکوراسیون، زیورآلات و این قبیل چیزها برای اهالی این جغرافیای فرهنگی اصالت دارد. هر جا احساس کنند منفعتشان به خطر می‌افتد، ورود نمی‌کنند. در این فرهنگ زن ابزار لذت است و ارزش ابزاری دارد؛ محمدرضا شاه هم چنین نگاهی به زن داشت و در یکی از مصاحبه‌هایش گفته بود زن باید فریبا باشد. حتی از زن به عنوان ابزار کسب اطلاعات هم استفاده می‌شود. مثلاً در مصاحبه‌ای که نشریه آمریکایی تایم با وزیر خارجه اسبق رژیم غاصب صهیونیستی انجام داده و روزنامه‌ی دیدیوت احارونوت هم آن

جایگاه انسانیت  
حضرت معصومه  
در سیاره انسان‌ها

دکتر رضا لکزایی





تنازعی، هابزی و فرعون‌ی است و انسان‌ها از یکدیگر و از نظام سیاسی حاکم می‌ترسند و وحشت دارند و انواع خشونت‌ها را از جمله خشونت زبانی مثل تهمت و دروغ و فحش و غیبت زیاد به کار می‌برند. در این فرهنگ با طبیعت و حیاط زیست هم با بی‌رحمی و خشونت رفتار می‌شود. حضرت معصومه مظهر عطف و کرامت و محبت است و لذا امکان ندارد ساکن وادی فرهنگ تنازعی باشد.

### فرهنگ شیطانی

آنچه در این فرهنگ مهم است، فریبکاری و اغواگری و مکاری است. زلیخا را به یاد بیاورید. او وقتی شوهرش را در مقابل درب دید، سریع وارد وادی دروغ و حيله شد و به عزیز مصر گفت سزای کسی که دست خیانت و تعرض به سوی ناموس تو دراز کند، چیست. شاید همسر حضرت نوح و همسر حضرت لوط را هم بتوان در همین دسته جا داد. کسانی که به انبیای الهی خیانت فکری و اعتقادی و اطلاعاتی می‌کردند و احتمالاً مانع ایمان آوردن دیگران می‌شدند. فیلم‌های پلیسی و کارآگاهی که به دنبال حل معما هستند در این مدل از فرهنگ قرار می‌گیرند. نظام سیاسی با استفاده از ابزار رسانه و تبلیغات، افکار عمومی را مهندسی می‌کند و به آنها جهت می‌دهد. حضرت معصومه درست عکس این فرهنگ حرکت نموده‌اند و همواره به دنبال هدایت مردم



بوده‌اند. اعتماد مردم به صداقت و طهارت حضرت معصومه سلام الله علیها به گونه‌ای بوده که بنا بر گزارش آیت الله کریمی جهرمی در کتاب بانوی ملکوت، احتمالاً حضرت توسط خود مردم «معصومه» نامیده شده‌اند، چرا که در روایت وارد نشده که به حضرت معصومه لقب داده باشد (بانوی ملکوت، ص ۵۹ - ۶۰).

### فرهنگ مادی تنازعی

این مدل از فرهنگ‌ها ترکیبی هستند و شخص در دو فضا و جغرافیای فرهنگی تنفس می‌کند و ما به اختصار به آنها اشاره می‌کنیم. زلیخا نمونه خوبی است. او وقتی می‌بیند یوسف به خواسته شیطانی او تن نمی‌دهد، وارد فاز خشونت می‌شود و در نهایت حکم زندان یوسف صدیق را صادر می‌کند و ایشان را به زندان می‌اندازد. فیلم‌های این فرهنگ ترکیبی از خشونت و شهوت هستند.

### فرهنگ مادی شیطانی

در این مدل از فرهنگ لذت و فریب با هم ترکیب می‌شوند، به این ترتیب که برای فرد لذت فریب می‌خورد. یعنی در این مدل شخص دیگری را فریب می‌دهد و از آن لذت هم می‌برد. فیلم‌های این جغرافیای فرهنگی ترکیبی از فریبکاری و شهوت جنسی‌اند.

”  
مراد از فرهنگ عاقلانه این است که در این فرهنگ عقل و عدل فرماندهی و اداره قوای شخص را بر عهده دارند. قوا تحت تربیت عقل قرار دارند. فطرت بر مرکب نشسته است و به مدد عقل بیرونی یعنی انبیای الهی قدرت سه قوه شهویه، غضبیه و وهمیه را شکسته و آنها را به اعتدال رسانده است و حق هر یک را ادا کرده بدون اینکه بخواهد حتی یکی از آنها را حذف کند.

## فرهنگ تنازعی شیطانی

در این مدل از فرهنگ فریبکاری و خشونت اصالت دارد. یعنی شخص را اول فریب می دهند و بعد که او تسلیم شد، با قساوت و بی رحمی خودش را بر زمین می ریزند. فیلم های این جغرافیای فرهنگی ترکیبی از خشونت و اغواگری است.

## فرهنگ مادی تنازعی شیطانی

در این مدل، فرهنگ دارای سه ضلع است و بدترین مدل فرهنگی شکل می گیرد. فیلم هایی که سه مؤلفه شهوت، خشونت و شیطنت و حيله گری در آنها ترویج می شود در این دسته جا دارند. امام خمینی شیطان بزرگ یعنی آمریکا را دارای این فرهنگ می دانست. در آمریکا بیشترین سود به فروش سلاح و فیلم پورن اختصاص دارد. کشوری که با شعارهای حقوق بشری و به اسم مبارزه با تروریسم از بدو تأسیس به گفته کارتر فقط حدود ۱۶ سال را بدون جنگ سپری کرده است.

## فرهنگ متعالی

مراد از فرهنگ عاقلانه این است که در این فرهنگ عقل و عدل فرماندهی و اداره قوای شخص را بر عهده دارند. قوا تحت تربیت عقل قرار دارند. فطرت بر مرکب نشسته است و به مدد عقل بیرونی یعنی انبیای الهی قدرت سه قوه شهویه، غضبیه و وهمیه را شکسته و آنها را به اعتدال رسانده است و حق

هر یک را ادا کرده بدون اینکه بخواهد حتی یکی از آنها را حذف کند. حضرت ابراهیم و حضرت محمد و جناب آسیه و جناب مریم سلام الله علیهم که در قرآن به عنوان الگو برای اهل ایمان معرفی شده اند، نمونه های بارز ساکنان این جغرافیای فرهنگی هستند. آسیه همو که مجاهدانه به دنبال نجات خود و دیگران از چنگال فرعون و کارگزاران ظالم او بود و بهشت را بدون خدا نمی خواست، در این منظومه قرار دارد. و مریم مادر مسیح، همو که عفیف و پاکدامن و عاشق خدا بود. و حضرت زهرا که در سوره انسان ذکر ایشان رفته است؛ زهرای اطهر برای شفای فرزندان بیمار خود، روزه نذر می کند و به این نذر وفا می کند و در زمان افطار، غذای خویش را به مسکین و یتیم و اسیر می دهد. و خدیجه غزّا همسر رسول اعظم صلوات الله علیه و آله و مادر حضرت فاطمه زهرا که خداوند به او سلام رساند، همو که یار و غمخوار رسول الله بود و نبی خاتم بعد از رحلتش هر روز و همیشه به یاد او و خوبی هایش بود. و زینب کبری همو که فرزند امام، خواهر امام و عمه امام بود، درست مثل فاطمه معصومه. در این فرهنگ، عفت، شجاعت، حکمت، عدالت، معنویت، محبت به دیگران، عقلانیت و انسانیت اولویت دارد. حضرت فاطمه معصومه ساکن جغرافیای فرهنگی متعالی است. بانوی جوانی که مدتی اندک ۱۶ یا ۱۷ روز (بانوی

ملکوت، ص ۷۱) در قم اقامت داشت اما جای عبادت او اکنون بیت النور نامیده می شود که روشن می سازد چه ارتباط تنگاتنگی با خدا و مناجات با خدا داشته است. بانویی که به دنبال امام خویش آمده، امامی که مظهر تمام خوبی ها و پاکی ها و فضیلت های سیاسی و اخلاقی است. و اگر قضیه حمله به کاروان کوچک بانوی مهربان و کریمه قم صحت داشته باشد، درمی یابیم که حمایت از دل سپردن به ولایت هشتمین امام همام از نظر ساکنان فرهنگ مادی و تنازعی و شیطانی جرمی بزرگ و غیرقابل بخشش بوده است. فاطمه معصومه دختر امام، خواهر امام و عمه امام و ساکن کوی فرهنگ متعالی است، فرهنگی که ارتباط با خدا در آن اولویت و اصالت دارد، تا جایی که حاضری برای دست یافتن به محبت الهی رنج گرسنگی را به جان بخری و افاطر خویش را به یتیم و مسکین و اسیر تقدیم کنی. از این رو فاطمه معصومه قبله همه انسان هایی است که فطرتی خداخواه و خداجو دارند چون نمی شود خدا را دوست داشت اما دوستان خدا را نه، لذا رابطه انسان ها در فرهنگ متعالی بر اساس رحمت و محبت و برادری است و کسی در صدد سوء استفاده از دیگری نیست که نمونه بارز آن را در دفاع مقدس و مواسات و همدلی ملت مهربان ایران در جریان کرونا و حماسه رزمایش کمک مؤمنانه شاهد بوده هستیم. و لله الحمد.

خردورز

جایگاه انسانیت  
حضرت معصومه  
در سیاره انسان ها

دکتر رضا لک زایی

۶۹



مهدیه منافی

پژوهشگر حوزه زنان و خانواده

## مشکلی عیان در آمارهای نهان!

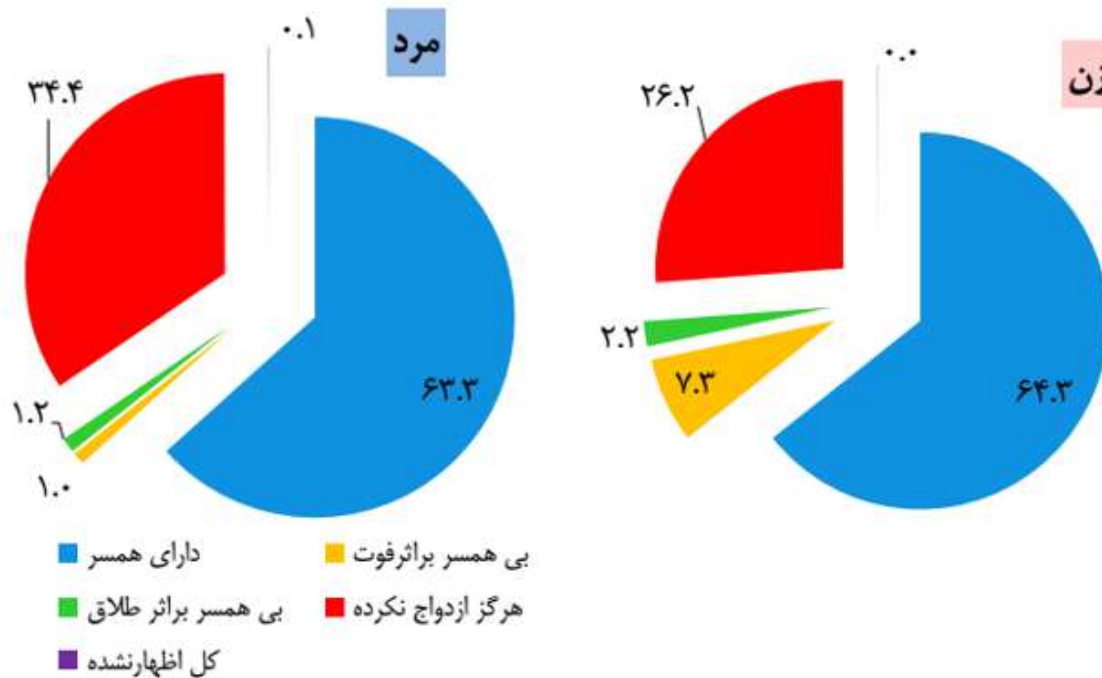
شصتی چنین بررسی و تحلیلی صورت بگیرد.

### آمارهای کاذب و واقعی در زمینه‌ی ازدواج و تجرد به ما چه می‌گویند؟

یکی از مسائل موجود در مورد مشکلات پیش آمده درباره ازدواج دختران دهه شصتی، توجه به آمار و تحلیل صحیح آن است که متأسفانه کمتر در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی ما پیرامون ازدواج دخیل است. بررسی‌های آماری نیز معمولاً با نگاه سطحی مواجه‌اند در صورتی که برای فهم آمارها نیز نیاز به تحلیل صحیح آن‌هاست. آمارهای موجود در زمینه تجرد چند دسته‌اند،

دختران متولد شده در دهه شصت است که اکنون هنوز در بازه‌ی سنی ازدواج قرار داشته و امکان تشکیل خانواده و تولید نسل نیز برای آنها میسر است. به نظر می‌رسد جهش جمعیتی ایجاد شده در دهه‌ی شصت در میان دختران و پسران سبب ایجاد مشکلاتی در امر ازدواج خصوصاً برای دختران شده و برخی از این دختران در واپسین سالهای جوانی و در آستانه‌ی ورود به میانسالی در مضیقه‌ی ازدواج و ورود به تجرد قطعی به سر می‌برند. مضیقه‌ی ازدواج یعنی عدم تعادل در تعداد مردان یا زنان در سن ازدواج که لازم است در مورد دختران دهه

موضوع ازدواج در چند سال اخیر با توجه به موانع موجود، تبدیل به یکی از مسائل مهم فرهنگی شده است. مسئله‌ای که نگاه به آن معمولاً سطحی و بدون نگرش همه‌جانبه است. با نگاه سطحی مانع اصلی ازدواج را اقتصادی می‌دانیم که عمدتاً معطوف به سختگیری دختران و خانواده آن‌هاست. در صورتی که ازدواج دارای موانع پیچیده فرهنگی و برخی جوانب دیگر است که بدون توجه به آن‌ها نمی‌توان به نگاه صحیح در مورد این مسئله رسید. در این میان یکی از موضوعاتی که لازم است با دیدی نقادانه تحلیل و ارزیابی شود، مرتبط با



دسته اول آمارهای خامی هستند که وضع موجود را مطلوب معرفی می کنند. دسته دوم آمارهایی اند که با ارائه برخی تحلیل ها سعی در پنهان کردن آمارهای موجود می کنند و دسته سوم آمارهایی که بیان کننده واقعیت ها هستند اما معمولاً انکار شده یا نادیده انگاشته می شوند. در این تصویر یک تحلیل خام از وضعیت آماری در سرشماری سال ۱۳۹۵ را مشاهده می کنیم.

لازم است بیان شود که چنین نمودارهایی با ارائه آمارهای خام و تحلیل نشده در دسته اول قرار می گیرند. به اشکال های این گونه آمار دادن توجه کنید: مبنای نمونه آماری را جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر گرفته شده است، یعنی دختران و پسران متولد ۱۳۸۵ که ۱۰ ساله هستند هم جزء بی همسران در نظر گرفته شده اند و با این آمار ظاهراً وضع موجود مطلوب است اما مهم ترین اشکال این نوع آمار دادن، مخفی کردن وضع موجود و عدم توجه به واقعیت های جامعه است. علاوه بر این که جمعیت دقیق درصدهای بیان شده در نمودار بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ در دسترس عموم قرار نگرفته است. اشکال دوم این آمار این است که یک دختر متولد ۱۳۸۰ با حدود ۲۰ سال سن با یک دختر متولد ۱۳۶۵ که بیشتر از ۳۰ سال سن دارد (و دختران دهه شصت) که پیک جمعیتی ما در آن سال های افزایش جمعیت بوده

است، به لحاظ فرصت های در دسترس ازدواج مساوی در نظر گرفته شده اند. در صورتی که وضعیت یک دختر متولد دهه شصت، سی سال به بالا و دختران با سن کمتر به لحاظ دسترسی به فرصت ازدواج کاملاً متفاوت است. اگر بنا بر ارائه تحلیل صحیح از این آمار بود می بایست، گروه سنی ازدواج نکرده ها تفکیک می شد، سپس تعداد افراد موجود در گروه های سنی مختلف به تفکیک زنان و مردان مجرد با هم مقابله و تطبیق داده می شد. به عنوان مثال تعداد دختران گروه سنی ۲۸ تا ۳۰ سال که مناسب پسران سی تا ۳۵

ساله اند. (برحسب میانگین اختلاف سنی چهار تا شش سال در جامعه ما) اگر با این مبنای آمار ارائه می شد، آنگاه می توانستیم دقیقاً بگوییم چه تعداد دختر کمتر یا بیشتر از پسران گروه سنی مناسب ازدواجشان هستند. گروه دومی که به تحلیل های آماری می پردازند سعی در توجه و بررسی دقیق دارند اما واقعیت های موجود جامعه را در تحلیل خود وارد نمی کنند که منجر به ارائه تحلیل غلط از وضع موجود می شود. گروه سوم جمعیت شناسان متخصص هستند که با تحلیل دقیق آمارها به واقعیت های



آماري موجود اشاره و با توجه به وضعیت خاص جامعه ما آن را بیان کرده‌اند.

## ← یک مولفه‌ی مهم آماری: مزیقه‌ی ازدواج

یکی از مؤلفه‌های مهم آماری در بررسی تعداد مجردان، موضوع مزیقه ازدواج است. در یک تعریف ساده، مزیقه ازدواج را می‌توان «عدم تعادل در تعداد مردان یا زنان در سن ازدواج تعریف کرد (عدم تقارن در دسترسی به همسران بالقوه). مزیقه ازدواج یا عدم توازن نسبت‌های جنسی در سنین ازدواج، یکی از پدیده‌هایی است که در جریان گذار جمعیتی بروز می‌کند. در جوامعی که تک‌همسری و فاصله سنی زوجین به هنگام ازدواج، رفتارهای غالب ازدواج را تشکیل می‌دهند، مولید مربوط به دوران کاهش سریع مرگ‌ومیر و رشدهای شتابان جمعیت، با رسیدن به سنین ازدواج با عدم توازن در تعداد دو جنس روبرو می‌شوند (درودی، ۱۳۸۳: ص ۲۴۰)» پس از سرشماری سال ۱۳۹۵ و آمارهای متعددی که از تعداد کل دختران و پسران مجرد منتشر شد سؤالات متعددی در این زمینه مطرح گشت. برای رسیدن به تحلیل و فهم مزیقه ازدواج در گروه‌های سنی مختلف، سه دسته آمار را برای بررسی در نظر می‌گیریم، آمار سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵، آمار سال ۱۳۹۰ و آمار سال ۱۳۹۵. وضعیت مزیقه ازدواج در ایران از سرشماری



سال ۱۳۸۵ دغدغه تحلیل‌گران جمعیت شد. وضعیتی که به ما نشان داد تناسب تعداد دختران و پسران در سن ازدواج از حالت عادی خارج شده است و تعداد دختران اواخر دهه پنجاه و دهه شصت بیشتر از تعداد پسران گروه سنی متناسب با ازدواج آن‌ها است.

## ← «آمار ۱۳۸۵» و تحلیل‌های مرتبط با آن

نتایج محاسبه مزیقه ازدواج نشان می‌دهد تا سال ۱۳۹۰، تقریباً مزیقه یا تنگنای ازدواج برای دختران وجود دارد و در دهه ۱۳۹۰ این تنگنا برای پسران خواهد بود. این عبارت بیانگر وضعیت مزیقه ازدواج دختران دهه شصت، به‌ویژه

متولدین سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵ است. یعنی تعداد دختران این دهه بیش از پسران است. نکته حائز اهمیت دیگر مبتنی بر تحلیل بالا این است که از سال ۱۳۹۰ به بعد مزیقه ازدواج برای پسران پیش خواهد آمد. یعنی پسران متولد دهه هفتاد. اما آیا این به این معنی است که برای دختران دهه شصت پسری اضافه‌شده یا می‌شود که امکان ازدواج برایشان فراهم می‌شود؟! و مزیقه ازدواج دغدغه پسران دهه هفتادی می‌شود؟ پاسخ منفی است. تغییرات هرم سنی و جمعیتی چنین شرایطی را ایجاد می‌کند و پسران با سن کمتر وارد آمار می‌شوند که تعداد پسران در نسبت با دختران در دهه نود به بعد بیشتر می‌شود.



بیشتری بر زنان، به‌ویژه در جامعه روستایی، داشته است. تحولات سرعتِ عدم ازدواج در جامعه شهری کمتر از جامعه روستایی است.» «معمولاً برای بررسی مضیقه ازدواج، از شاخص نسبت جنسی در گروه‌های سنی در سن ازدواج استفاده می‌شود و عدم تعادل در نسبت جنسی به‌عنوان مضیقه ازدواج برای یک جنس در نظر گرفته می‌شود. لذا برای محاسبه نسبت جنسی، جمعیت یک سن یا گروه سنی از مردان را بر جمعیت همان سن یا گروه سنی از جمعیت زنان و یا بسته به میانگین تفاوت سنی زوجین در هر جامعه، بر جمعیت زنان چند سال پایین‌تر یا یک گروه سنی پایین‌تر، تقسیم می‌کنند. شاخص نسبت جنسی برای بررسی مضیقه ازدواج را می‌توان هم به تفکیک گروه‌های سنی یا سنین منفرد و هم برای کل جمعیت در سن ازدواج محاسبه نمود.» «معمولاً برای بررسی مضیقه ازدواج از شاخص نسبت جنسی در گروه‌های سنی‌ای که در سن ازدواج قرار دارند، استفاده می‌شود و عدم تعادل در نسبت جنسی به‌عنوان مضیقه ازدواج برای یک جنس در نظر گرفته می‌شود. این یعنی، در نظر گرفتن نسبت کل زنان و مردان مجرد برای فهم این‌که تعداد زنان بیشتر یا کمتر هست، معیار بررسی مسئله‌ی «مضیقه ازدواج» نیست. بلکه معیار در این بررسی، گروه‌های سنی در سن ازدواج هست. مثلاً گروه سنی پسران ۲۵ تا ۳۰ ساله که مناسب



**نتایج محاسبه مضیقه ازدواج نشان می‌دهد تا سال ۱۳۹۰، تقریباً مضیقه یا تنگنای ازدواج برای دختران وجود دارد و در دهه ۱۳۹۰ این تنگنا برای پسران خواهد بود. این عبارت بیانگر وضعیت مضیقه ازدواج دختران دهه شصت، به‌ویژه متولدین سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵ است. یعنی تعداد دختران این دهه بیش از پسران است. نکته حائز اهمیت دیگر مبتنی بر تحلیل بالا این است که از سال ۱۳۹۰ به بعد مضیقه ازدواج برای پسران پیش خواهد آمد.**

«نسبت جمعیت هرگز ازدواج‌نکرده در گروه‌های سنی مختلف برحسب مناطق شهری و روستایی متفاوت است. این نسبت برای مردان در تمام گروه‌های سنی در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی است. اما برای زنان در گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله به دلیل پایین بودن سن ازدواج دختران در مناطق روستایی و به تأخیر انداختن سن ازدواج در مناطق شهری، نسبت جمعیت ازدواج‌نکرده در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی است. در گروه‌های سنی ۲۹-۲۵، ۳۴-۳۰ و ۳۹-۳۵ ساله، نسبت جمعیت ازدواج‌نکرده در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری است که دلیل اصلی آن تنگنای ازدواج برای دختران می‌باشد که در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری است. جمعیت ازدواج‌نکرده در دو گروه سنی ۳۴-۳۰ و ۳۹-۳۵، بیشتر از تنگنای ازدواج ناشی می‌شود تا تأخیر ازدواج. به‌طورکلی، از این جدول، هم به تأخیر ازدواج و هم به تنگنای ازدواج در مورد جمعیت ایران می‌توان رسید. در مورد تنگنای ازدواج برای دختران مناطق روستایی می‌توان به عامل مهاجرت اشاره نمود؛ زیرا معمولاً در مناطق روستایی مهاجر فرست، نیروی کار جوان مرد وجود دارد و این منجر به عدم تعادل در نسبت جنسی در گروه‌های سنی ازدواج می‌شود که در نهایت، تنگنای ازدواج برای دختران در مناطق روستایی مهاجر فرست را به همراه دارد. این تغییرات نشان می‌دهد که عوامل مؤثر بر کاهش نسبت ازدواج، اثر

دختران ۲۰ تا ۲۵ ساله هستند و تعداد دختران و پسران و نسبت آن‌ها در این گروه سنی.

## ❖ مزیقه‌ی ازدواج را با مثال و اعداد فرضی روشن‌تر کنیم!

برای واضح شدن مسئله مزیقه ازدواج، با مثال و چند عدد فرضی موضوع را روشن‌تر می‌کنیم. ۱- اعداد فرضی در آمارگیری سال ۱۳۸۵ فرض می‌کنیم که تعداد جمعیت کل پسران مجرد در سن ازدواج در یک جامعه‌ای ۱۰۰۰ نفر هست و تعداد کل دختران مجرد در سن ازدواج در این جامعه ۱۲۰۰ نفر هست. اینجا با نگاه اولیه وضعیت معلوم هست. تعداد دختران بیش از پسران هست. و دختران با کمبود همسر مواجه‌اند. اما آیا واقعاً همین‌طور است؟

۲- سراغ آمار پنج سال بعد می‌رویم. یعنی ۱۳۹۰. تعداد کل پسران در سن ازدواج ۱۲۰۰ نفر تعداد دختران در سن ازدواج ۱۱۰۰ نفر با نگاه اولیه به نظر می‌رسد شرایط بهبود یافته و دختران با مزیقه ازدواج کمتری مواجه‌اند و از شدت مزیقه ازدواج کم شده. ۳- به آخرین آمار نگاه می‌کنیم تعداد پسران ۱۳۰۰ نفر و دختران ۱۰۰۰ نفر با نگاه سطحی به این آمار می‌گوییم دختران دیگر مشکلی برای ازدواج ندارند چون تعداد پسران بیشتر از دختران است و برای همه شوهر هست.

## اما واقعیت چیست؟ در این آمارها چه



## اتفاقی افتاده است؟

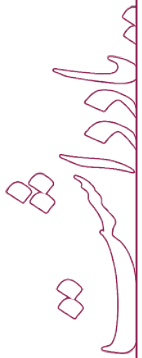
تعداد پسران زیاد شده است؟ تعداد دختران کمتر شده است؟  
آن دخترهایی که در مزیقه ازدواج بودند ازدواج کردند یا...؟  
پاسخ این است، تعداد پسران زیاد شده. اما چگونه؟

مینای عمده آمارهای مرکز آمار ایران «همه افراد در سن ازدواج» از یک محدوده سنی خاصی به بالا هست. در آمارهای رسمی ایران، آمار از پسران و دختران ۱۰ سال به بالا محاسبه می‌شوند. یعنی دختر و پسر ۱۰ سال



معمولاً برای بررسی مزیقه ازدواج، از شاخص نسبت جنسی در گروه‌های سنی در سن ازدواج استفاده می‌شود و عدم تعادل در نسبت جنسی به‌عنوان مزیقه ازدواج برای یک جنس در نظر گرفته می‌شود. لذا برای محاسبه نسبت جنسی، جمعیت یک سن یا گروه سنی از مردان را بر جمعیت همان سن یا گروه سنی از جمعیت زنان و یا بسته به میانگین تفاوت سنی زوجین در هر جامعه، بر جمعیت زنان چند سال پایین‌تر یا یک گروه سنی پایین‌تر، تقسیم می‌کنند.

به بالا هم که متولد ۱۳۸۵ هستند و الآن ۱۰ یا ۱۱ ساله هستند، در جمعیت آمار مجردان در نظر گرفته می‌شوند. به همین دلیل کل آمار پسران بدون همسر و هرگز ازدواج‌نکرده در آمار سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ بیشتر شدند. اما بگذارید با مثال‌های فرضی بیان‌شده، در آمارها دقیق‌تر شویم. با عدد مفروضی که عرض کردیم در سال ۸۵ تعداد ۱۰۰۰ دختر و ۱۲۰۰ پسر. جمعیت کل پسران مجرد و کل دختران مجرد. مبتنی بر این مفروضات، کل دختران ۲۰ تا ۲۵ سال در این آمار ۵۰۰ نفرند و پسران مناسب ازدواج با این گروه سنی از دختران، ۳۰۰ نفر.



بررسی می‌نماییم: « در ایران به دلیل تفاوت تعداد دخترها و پسرها، در دهه ۸۰، با مزیقه ازدواج برای دختران مواجه شدیم. البته عاملی که در اینجا دخالت می‌کند، اختلاف سن زوجین است؛ یعنی در بدو انقلاب حدود ۵ سال اختلاف و الآن هم حدود ۴ سال اختلاف سن زن و مرد است. این چهار سال اختلاف، بدین معنی است که زنان مجرد ۱۵ تا ۳۵ سال، با مردان ۲۰ تا ۴۰ سال تقابل خواهند داشت. گروهی از زنان ما که در ۳۵ تا ۱۵ سال اخیر به دنیا آمده‌اند، مربوط به متولدین دهه ۶۰ می‌شوند، اما مردان مقابل آن‌ها متأثر از مولید کم قبل از انقلاب است. در نتیجه تعداد مردان ۲۰ تا ۴۰ ساله مجرد، از زنان ۱۵ تا ۳۵ ساله مجرد کمتر است و به همین دلیل مزیقه ازدواج رخ می‌دهد.» « این گروه متولدین دهه ۶۰ که دچار این مسئله شده‌اند، اگر از سن ۳۵ سال بگذرند، دیگر با این مزیقه روبه‌رو نخواهیم شد و در ۱۰ سال آینده این مزیقه را به بهای مجرد ماندن نزدیک به یک میلیون دختر، نخواهیم داشت.» یعنی این اتفاقی که برای دختران دهه شصت افتاد برای گروه‌های سنی دیگر در دهه‌های آینده تکرار نخواهد شد. « دخترانی که به بالای ۳۵ سال برسند، به تبع شانس ازدواجشان افت می‌کند؛ مگر این‌که با مردانی که همسرشان فوت کرده یا طلاق داده‌اند یا مجردان سنین بالا ازدواج کنند. البته

تغییر کرده است و شدت کاهش تعداد پسران بیش از دختران بوده؟ چون آن تعداد ازدواج کردند و ۵۰ پسر هم با اختلاف سنی بیش از ۵ سال با گروه سنی دوره بعد ازدواج کردند. در آمار مفروض سال ۹۵، تعداد کل مجردان، ۱۳۰۰ پسر و ۱۰۰۰ دختر. به‌ظاهر دیگر اصلاً مشکل بدون همسر بودن دختران باقی نیست. اما واقعیت این هست که به تعداد گروهی از دختران و پسرانی که سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ در مزیقه ازدواج بودند کم یا اضافه نشده است. اگر در آمار مفروض ما تعداد ۴۰۰ دختر و ۲۵۰ پسر مجرد بودند. الآن با ازدواج تعدادی از این‌ها، نسبت تقریبی‌شان شده چیزی بین ۲۵۰ دختر و ۱۰۰ پسر. با ترویج هم‌سن‌گزینی میان دهه شصتی‌ها و ازدواج پسران کوچک‌تر با دختران بزرگ‌تر، کمی این نسبت بهتر شده. اما با یک جمع و تفریق ساده همچنان برای ۱۵۰ نفر از این دخترها در گروه سنی مناسب خودش پسر مجردی وجود ندارد. چون با گذشت سال‌ها از تعداد این گروه سنی کم یا زیاد نمی‌شود بلکه به گروه‌های سنی دیگر مناسب سن ازدواج اضافه می‌شود. مانند اتفاقی که در سال ۹۵ افتاد.

## آمار سال ۱۳۹۰ و تحلیل‌های مرتبط با آن

سرشماری سال ۱۳۹۰ را با توجه به دیدگاه دکتر شهلا کاظمی پور جمعیت شناس



واضح است که با این فرض برای دختران مزیقه ازدواج وجود دارد. (دختران دهه شصت) در آمار مفروض ما در سال ۹۰، ۱۲۰۰ پسر و ۱۱۰۰ دختر کل جمعیت آماری مجردان است. به نظر می‌رسد شرایط دختران بهتر شده است. اما با نگاه دقیق‌تر، بهتر نشده. چون همان گروه سنی که در سال ۸۵، ۲۰ تا ۲۵ ساله بودند، الآن شدند ۲۵ تا ۳۰ ساله. و گروه پسرهای مناسب ازدواج برای این‌ها شدند ۳۰ تا ۳۵ ساله. به تعداد این‌ها در آمار جدید کم یا اضافه نشده. در فرض ما تعداد ۵۰۰ دختر و ۳۰۰ پسر بودند. الآن نسبت تقریباً چیزی شده شبیه به این، ۴۰۰ دختر و ۲۵۰ پسر. چرا آمار

بررسی‌های ما نشان می‌دهد که درصد این افراد هم ناچیز است؛ لذا تعدادی از دختران بالای ۳۵ سال مجرد، کاملاً ازدواج نکرده خواهند ماند، ولی برای گروه بعدی که وارد دامنه سنی ازدواج می‌شوند، مشکلی نخواهیم داشت.»

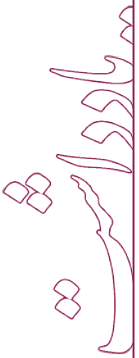
## ← تحلیل‌های مبتنی بر آمارهای سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵

با توجه به نقل قول‌هایی از دکتر محزون به بررسی آمارهای سال ۹۰ تا ۹۵ می‌پردازیم. «کارشناسان معتقدند، به دلیل افزایش تعداد موالید در دهه نخست انقلاب، ایران یک هرم سنی با قاعده وسیع داشت و تعداد جمعیت ۱۵ تا ۱۹ ساله کشور از جمعیت ۲۰ تا ۲۴ ساله بیشتر بود و زمانی که تعداد دختران را یک رده سنی پایین‌تر می‌گیریم این قاعده سنی متورم‌تر است و تعداد دخترهایی بیشتری در این رده قرار دارد. با کاهش تعداد موالید قاعده هرم سنی در ایران در حال کوچک شدن است، با جمع شدن این قاعده هرم سنی، تعداد جمعیت ۱۵ تا ۱۹ ساله از ۲۰ تا ۲۴ ساله کمتر شده و تعداد دخترهای مجرد ۱۵ تا ۳۵ ساله از پسرهای ۲۰ تا ۴۰ ساله کمتر می‌شود و در یک دهه آینده پسرهای در معرض ازدواج از دخترهای در معرض ازدواج بیشتر می‌شوند. این مسئله منجر به مجرد ماندن یک میلیون دختر تا ۱۰ سال آینده می‌شود. این مشکل

از سوی کارشناسان از دهه ۷۰ گوشزد شده است، در حال حاضر تعداد پسران مجرد از دختران مجرد در هر رده سنی بیشتر است ولی تعداد دختران از پسران در یک رده سنی پایین‌تر کمتر است.» این نقل قول همان تحلیل‌های بالا را تایید می‌کند. آمار تعداد دختران و پسران دهه شصت تغییری نمی‌کند. و تعداد پسران در این دهه کمتر از دختران است. دکتر محزون سن مجرد قطعی در ایران را از سن ۵۰ سال به بالا عنوان کرد و گفت: «در مجموع ۱۵۲ هزار خانم و آقا در سن مجرد قطعی در کشور وجود دارد که ۶۲ هزار نفر آقا و ۹۰ هزار خانم هستند که در این زمینه نیز خانم‌ها ۱،۵ برابر آقایان هستند. بر اساس آمار جمعیت کشور ایران ۷۸ میلیون نفر هستند.» «آمارها نشان می‌دهد در سال ۹۳ تعداد خانم‌های مجرد کشور از تعداد آقایان مجرد بیشتر بود. در سال گذشته ۴۸ درصد خانم‌های در سن ازدواج کشور هرگز ازدواج نکرده‌اند. مدیرکل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت‌احوال کشور خرداد ماه سال گذشته به افکارنیز گفته بود: آقایان در سن ازدواج کشور با طیف سنی ۲۰ تا ۳۴ شامل ۱۲ میلیون و ۷۰ هزار نفر می‌شوند که از این تعداد ۵ میلیون و ۵۷۰ هزار نفر هرگز ازدواج نکرده‌اند. بنابراین ۴۶ درصد آقایان در سن ازدواج کشور هرگز ازدواج نکرده‌اند. همچنین خانم‌های در سن ازدواج کشور با طیف سنی ۱۵ تا ۲۹ سال شامل



۱۱ میلیون و ۷۹۰ هزار نفر می‌شوند، از این تعداد ۵ میلیون و ۶۷۰ هزار خانم هرگز ازدواج نکرده‌اند. همچنین محزون به آمار مربوط به افرادی که در خطر مجرد قطعی قرار گرفته بودند و در طیف سنی بعد از ۳۴ سال برای آقایان و پس از ۲۹ سال برای خانم‌ها تا سن ۵۰ سالگی قرار دارند اشاره کرد و گفت: تعداد ۳۲۰ هزار نفر از آقایان از سن متعارف ازدواج در کشور عبور کرده و در خطر ورود به سن مجرد قطعی قرار دارند. به گفته مدیرکل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت‌احوال کشور در سال ۹۳، ۹۸۰ هزار خانم نیز در سن خطر مجرد قطعی قرار داشتند: خانم‌ها تقریباً ۳ برابر بیشتر نسبت به



می‌رسد. برای مردان نیز معمولاً سن مجرد قطعی را ۵۰ تا ۵۴ سال در نظر می‌گیریم. تا چند سال قبل میزان مجرد قطعی برای زنان حدود ۱/۸ درصد و برای مردان حدود ۲ درصد بود یعنی حدود ۱/۸ درصد زنان وقتی به سن ۴۵ سال می‌رسیدند، مجرد باقی می‌ماندند و تا آخر عمر یا شانس و فرصت ازدواج نداشتند، یا تمایل به ازدواج پیدا نمی‌کردند. این جمعیت‌شناسی خاطرنشان کرد: طی تغییرات رخ داده در سال‌های اخیر آمار مجرد قطعی زنان در محدوده سنی ۴۵ تا ۴۹ سال به حدود ۴ درصد و برای مردان در همین محدوده سنی به حدود ۲/۷ درصد رسیده است. در واقع، تحول اساسی دو دهه اخیر، افزایش سهم مجرد قطعی برای زنان است. البته، ممکن است این پدیده ۱۵ تا ۲۰ سال دیگر از بین برود و به همان آمار ۱/۸ درصد برای زنان برگردیم.»

وقتی گفته می‌شود این پدیده در ۱۵ سال دیگر وجود ندارد، به این دلیل هست که هرم سنی تغییر کرده و دیگر ما با پیک جمعیتی شبیه دهه شصت مواجه نخواهیم شد. در همین زمینه تحقیقات و اخبار کاملاً وجود مضیقه برای ازدواج دختران دهه شصتی را تایید کرده و ادعا می‌کنند: «پدیده مضیقه ازدواج منحصر به جامعه ما نیست و هر زمان در جامعه‌ای، باروری کاهش پیدا کند یا افزایش یابد، برای گروهی از جمعیت که تعداد بیشتری را تشکیل می‌دهند مضیقه ازدواج پیش می‌آید.



آقایان در معرض خطر مجرد قطعی قرار دارند.»

دکتر محزون مبتنی بر آمارهای سال ۱۳۹۵ به بعد به نکاتی اشاره می‌کنند که در ادامه ملاحظه می‌فرمایید: مدیرکل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال گفت: قبل از سال ۱۳۹۰ تعداد دختران در سن ازدواج بیشتر از پسران بود اما با تغییر هرم سنی، پس از سال ۱۳۹۰ دوزنقه سن ازدواج وارونه می‌شود و این بار آقایان در سن ازدواج بیشتر از خانم‌ها هستند. محزون ادامه داد: در سال‌های قبل از ۱۳۹۰ دختران در سن ازدواج بیشتر از پسران بود و این مجرد قطعی دختران را بالا برده بود اما از سال ۱۳۹۰ به بعد تعداد پسران در سن ازدواج بیشتر شده است و خطر مجرد قطعی در پسران وجود دارد.»

نکاتی که گفته شد به این معنی نیست که دختران دهه شصت از این مضیقه عبور کردند بلکه مضیقه ازدواج برای آن‌ها باقی است اما مضیقه به پسران متولد دهه هفتاد شیف‌ت کرده است.



**در سال‌های قبل از ۱۳۹۰ دختران در سن ازدواج بیشتر از پسران بود و این مجرد قطعی دختران را بالا برده بود اما از سال ۱۳۹۰ به بعد تعداد پسران در سن ازدواج بیشتر شده است و خطر مجرد قطعی در پسران وجود دارد.**

## آمارهای سال ۱۳۹۵ و تحلیل‌های مرتبط با آن

دکتر شهلا کاظمی پور معتقد است: «وقتی جمعیت به سنی برسد که پس از آن دیگر میزان مجرد کاهش پیدا نکند، به آن سن، سن مجرد قطعی می‌گویند. این سن در ایران برای زنان از حدود ۴۰ تا ۴۴ سال در نظر گرفته می‌شود زیرا سهم ازدواج بعد از این سن به حداقل

تعداد دختران دهه شصت از پسران دهه پنجاه بیشتر است و به همین دلیل مزیقه ازدواج برای دختران دهه شصت پیش آمده است. بالطبع، در این شرایط دخترانی که جوان تر هستند فرصت بیشتری برای ازدواج دارند اما فرصت ازدواج برای دخترانی که سن بیشتری دارند کمتر می شود. در سرشماری ها چهار گزینه برای سنجش وضعیت تأهل وجود دارد که این گزینه ها شامل همسر دار، بدون همسر در اثر فوت، بدون همسر در اثر طلاق و هرگز ازدواج نکرده یا همان مجرد می شود. چون ممکن است کسی که طلاق گرفته نیز خود را مجرد معرفی کند، از گزینه هرگز ازدواج نکرده استفاده می کنند تا بتوانند آمار واقعی کسانی که تاکنون ازدواج نکرده اند را مشخص کنند. در خصوص آمار هرگز ازدواج نکرده ها که در سرشماری سال گذشته لحاظ شده بود، چنین اظهار شده که «در سرشماری، وضعیت زناشویی را از سن ۱۰ سال به بالا در نظر می گیرند که بر این اساس میزان زنان هرگز ازدواج نکرده ۲۶ درصد و میزان مردان هرگز ازدواج نکرده ۳۴ درصد محاسبه شده است.» دکتر کاظم پرو، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، افزود: «مسئله مهمی که در آمارها به آن برخورد کردم این است که در سال ۹۰ آمار زنان هرگز ازدواج نکرده ۳۰ درصد و آمار مردان هرگز ازدواج نکرده ۳۸ درصد بود اما در سرشماری سال ۹۵ می بینیم که تعداد مجردان و درصد آنها بین هر دو گروه زن و مرد کاهش پیدا کرده



است چون مزیقه ازدواج در حال از بین رفتن و شانس و فرصت ازدواج در حال افزایش است.» مزیقه ی ازدواج در حال از بین رفتن است، اما مسئله هنوز باقی است! وقتی می گویند مزیقه ازدواج در حال از بین رفتن هست، یعنی گروه های سنی جدید وارد آمارها شدند و برای آنها این مزیقه وجود نخواهد داشت. اما مسئله هنوز برای دختران دهه شصت باقی است. تکرار این عبارت به این دلیل است که اصل موضوع با آمارهای جدید از خاطر نرود. بر همین اساس در مورد آمار افراد مجرد در سنین میانگین سن ازدواج گفته می شود که «در سال ۹۵ تعداد مردان

مجرد بالای ۴۰ سال یک سوم زنان مجرد است. مسئله این است که این مردان بالای ۴۰ سال که عده زیادی هم ندارند اگر تصمیم به ازدواج بگیرند با دختران بالای ۴۰ سال ازدواج نمی کنند. در نتیجه، احتمال رسیدن این گروه زنان بالای ۴۰ سال به مجرد قطعی زیاد است.» البته حتماً دقت شود که همه ی این آمارها مبتنی بر سرشماری سال ۹۵ هست. این که در سرشماری سال ۹۵ اعلام شد تعداد پسران بیشتر از دختران است، به دلیل ورود گروه های سنی جدید به آمار مجردان است. هیچ کدام از آمارهایی که در این سالها ارائه شدند و تحلیل های مبتنی بر آنها



**نکته آخر این که «سن» ملاک و معیار اولیه برای ازدواج نیست بلکه کفویت ایمان و میزان رشد یافتگی دو طرف مهم‌ترین معیار ازدواج است. اگرچه برخی از پیشنهادات سالها نیاز به کار فرهنگی و بسترسازی مناسب دارد اما اگر تحقیقات کافی صورت بگیرد تا آسیب‌ها و معایب ازدواج دختران دهه شصتی با پسرانی که در سن مجرد قطعی هستند، یا مردانی که به دلیل فوت یا طلاق همسر، مجدد به دنبال ازدواج و انتخاب همسر هستند روشن شود، شاید پیشنهاد مناسبی برای رفع مزیقتهای ازدواج برای دختران دهه شصتی باشد.**

ناقص یکدیگر نبودند و پیش‌بینی‌های ۱۰ سال گذشته به‌مرور در حال تحقق هستند. چرا ما با مزیقتهای ازدواج مواجه شدیم؟ بعد از آمارها و تحلیل‌های متعددی که بنا بر سرشماری سال‌های مختلف بدست آمده در نهایت این سوال باقی است که اساساً چرا ما به مشکلی تحت عنوان «مزیقتهای ازدواج» مواجه شدیم؟ پاسخ به این سوال ساده است و به راحتی می‌توان پاسخ‌هایی برای این سوال مطرح کرد که به نوعی پایان‌بخش و نتیجه‌ی آمارها و تحلیل‌هایی است که ارائه شد. بدین ترتیب پاسخ چنین خواهد بود:

۱- به دلیل تغییرات هرم سنی و پیک جمعیت در دهه شصت، خصوصاً در سال ۱۳۶۵. به‌گونه‌ای که تعداد دختران متولد این سال‌ها از تعداد پسران متولد اواخر دهه پنجاه که مناسب ازدواج با این دختران هستند، بیشتر است. ۲- علت دیگر هم ازدواج با اختلاف سنی متوسط شش سال یا بیشتر در کشور است. مثلاً یک پسر متولد ۱۳۶۵ که در سال پیک جمعی متولدشده بر اساس الگوی اختلاف سنی موجود، با دختر متولد ۱۳۷۰ یا ۱۳۷۱ ازدواج کرده است. افرادی هم که ازدواج کرده‌اند عملاً قابل‌برگشت نیستند که توصیه کنیم به هم‌سن‌گزینی و... این گروه از پسران متأهل که همسرانی با این اختلاف سن انتخاب کرده‌اند از انتخاب دختران این دهه حذف شدند. عوامل کاهش یا تشدید مزیقتهای ازدواج در کشور با توجه به وضع موجود و اطلاعات ارائه شده در خصوص «مزیقتهای ازدواج در کشور»، چند عامل موجب کاهش یا تشدید آن می‌شوند:

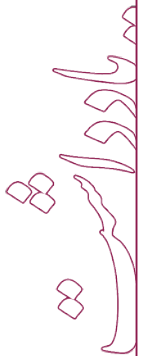
۱) ازدواج پسران دهه شصت با دختران دهه هفتاد با اختلاف سن بیش از هفت-هشت سال که در سال‌های اخیر به شدت در حال شیوع است. این الگوی ازدواج با اختلاف سن بالا نه تنها مزیقتهای ازدواج دختران دهه شصت را تشدید می‌کند بلکه موجب تشدید مزیقتهای ازدواج پسران دهه هفتاد نیز می‌شود؛

۲) تشویق به هم‌سن‌گزینی دختران و پسران دهه شصت به

کاهش مزیقتهای ازدواج کمک می‌کند؛

۳) نکته آخر این که «سن» ملاک و معیار اولیه برای ازدواج نیست بلکه کفویت ایمان و میزان رشد یافتگی دو طرف مهم‌ترین معیار ازدواج است. اگرچه برخی از پیشنهادات سالها نیاز به کار فرهنگی و بسترسازی مناسب دارد اما اگر تحقیقات کافی صورت بگیرد تا آسیب‌ها و معایب ازدواج دختران دهه شصتی با پسرانی که در سن مجرد قطعی هستند، یا مردانی که به دلیل فوت یا طلاق همسر، مجدد به دنبال ازدواج و انتخاب همسر هستند روشن شود، شاید پیشنهاد مناسبی برای رفع مزیقتهای ازدواج برای دختران دهه شصتی باشد.

۴) برخی از تحقیقات در سالهای اخیر با توجه به ازدواج دختران با سن بالاتر با پسرانی که در فاصله‌ی سنی پایین‌تری نسبت به دختران قرار دارند، این نوع ازدواج را برای رفع مزیقتهای ازدواج برای دختران دهه شصتی پیشنهاد داده‌اند. اما لازم بذکر است که چنین تجویزی سال‌ها نیاز به کار روانشناسی و تحقیقات فرهنگی و امکان‌سنجی شرایط دارد تا معایب و اشکالات این نوع ازدواج در کنار مزایا و فواید آن روشن شود و سپس چنین تجویزی نهایی گردد.



مشکلی عیان در آمارهای نهان!

مهدیه منافی





علی اصغر سیاحت

نویسنده  
محقق و پژوهشگر حوزه سینما

## بازنمایی دختر در سینمای ایران

ایرانی دست به کار شدند و در ساختار تقابلی نهادهای زنان در عرصه انقلابی سکوت پیشه کرده‌اند و اساساً فهمی از دختر طراز انقلاب اسلامی ندارند یا برای تصویرسازی و الگوسازی آن برنامه‌ریزی نمی‌کنند. میلاد حضرت معصومه سلام الله علیها به عنوان بهانه‌ای برای پرداختن به مولفه‌های دختر طراز در انقلاب اسلامی است اما قبل از اینکه بخواهیم دختر طراز و شاخص انقلاب اسلامی را معرفی کنیم، لازم است تا تصویری که سنیمای ایران از دختر، سال‌ها به مخاطب بازنمایی کرده است را کمی روشن نماییم.

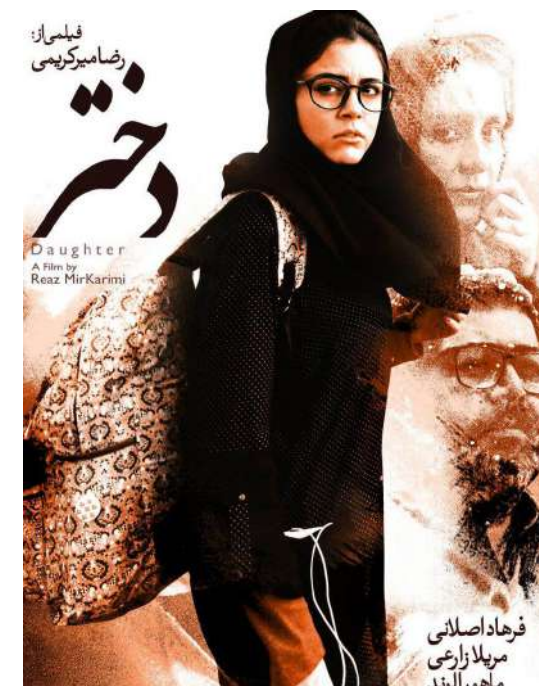
این روزها عرصه فضای مجازی مکانی برای نبرد نرم و رفتارسازی است. جایی که نگرش‌ها شکل می‌گیرد و مبتنی بر ساز و کار تصویرسازی دشمن توانسته‌اند تا تصویری مخدوش و سیاه از اتفاقات مختلف را به رخ بکشند و مهمترین مولفه‌های آن نیز در برندسازی از اشخاصی است که شاید طبلی در دست رسانه‌های زرد باشد. نهادهای انقلابی در حوزه زنان هنوز در سازوکار علمی و مارپیچ‌های طولانی الفاظ و اعداد گیر کرده‌اند و از ساحت اجتماع غافل شدند و تنها مجموعه گروه‌های آتش به اختیار برای احیای حیثیت و شرافت زنان

با شنیدن اسم دختر، ذهن‌مان چه تصاویری را به خاطر می‌آورد و چه کسانی را به عنوان نماد و سمبل دختران ایران در ذهن ماندگار می‌سازد. اگر در اجتماع محدودی نظرسنجی صورت بگیرد و از حاضرین درباره ویژگی‌های دختر ایرانی سوال کنند، دقیقاً چه نکاتی را یادآوری می‌کنند؟ حیا، نجابت، آزادمنشی، احترام، عزت یا خودسوزی، قتل، درگیری با پدر، تنهایی؟ بیشترین مولفه‌هایی که این روزها از دختر ایران در ذهن مانده است، شاید صفات دوم باشد، چرا که نقش رسانه در بازسازی ذهنیت مخاطب بی‌تأثیر نیست.



## بازنمایی

در واژه‌نامه آکسفورد برای بازنمایی دو معنا را پیشنهاد کرده‌اند: اول) بازنمایی یک چیز، یعنی توصیف و شناساندن آن و به ذهن متبادر کردنش به وسیله توصیف و تحلیل و نشان دادن، برقراری شباهت‌هایی با آنکه بیشتر در حس و ذهن انگاشته شده. دوم) بازنمایی به معنای نمادچیزی بودن، نشانه چیزی بودن و نمونه چیزی یا بدیل آن بودن هم به کار می‌رود، چنان‌که در جمله «در مسیحیت، صلیب بازنمایی کننده رنج و مصلوب شدن مسیح است.»<sup>۱</sup> در بازنمایی تلاش می‌شود تا واقعیت موجود



جامعه را مبتنی بر چالش‌های مختلف اجتماعی توسط کارگردان به تصویر بکشند و در نگاه راهبردی و کلان به مجموعه آثار تولید شده در یک عرصه، بتوانند معنای واحدی را به ذهن مخاطب متبادر سازند. سینمای ایران سال‌هاست که دفاع مقدس را بازنمایی می‌کند و به عنوان مثال جمشید هاشم پور به عنوان یکی از مهمترین نمادهای این ژانر سینمایی هنوز در ذهن مخاطب ایرانی ماندگار است یا سید جواد هاشمی به عنوان یک شهید به تصویر آمده است. ترانه علیدوستی، گلشیفته فراهانی، باران کوثری و پگاه آهنگرانی به عنوان نماد دختر ایرانی در

”

**اگر در اجتماع محدودی  
نظرسنجی صورت بگیرد و از حاضرین  
درباره ویژگی‌های دختر ایرانی سوال  
کنند، دقیقاً چه نکاتی را یادآوری  
می‌کنند؟ حیا، نجابت، آزادمنشی،  
احترام، عزت یا خودسوزی، قتل،  
درگیری با پدر، تنهایی؟ بیشترین  
مولفه‌هایی که این روزها از دختر ایران  
در ذهن مانده است، شاید صفات  
دوم باشد، چرا که نقش رسانه در  
بازسازی ذهنیت مخاطب بی‌تاثیر  
نیست.**

سینمای ایران بازنمایی شدند و مخاطب ایرانی الگوی شاخص سینمای بعد از انقلاب با موضوع دختر را در این چهار بازیگر زن معرفی می‌کند.

## دختر در تفکر اسلامی

دختر عزیز پدرش است و روایات و آیات بر این ارتباط حسنه و پیوند محکم تکیه می‌کند و بازنمایی تصویری از مهربانی و محبت حضرت رسول اکرم با حضرت زهرا سلام الله علیها، گواهی بر سیره عملی اسلام است و در جایی که دختران را زنده بگور می‌کردند، فرهنگ اجتماعی اسلام، مردم را به کوثر رسانید. پیامبر گرامی اسلام فرمودند: ما من بیت فیه البنات إلا نزلت کل یوم علیه اثنا عشرة بركة و رحمة من السماء. و لا تنقطع زیارة الملائكة من ذلك البيت یکتبون لأبیهم - کل یوم و لیلة - عبادة سنة. ۲ پیامبر اکرم حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: خانه‌ای که در آن دخترانی وجود داشته باشند، هر روز دوازده برکت از آسمان بر آن خانه نازل می‌شود و رفت و آمد ملائکه از آن خانه قطع نمی‌شود و برای پدر در هر شب و روز، عبادت یک سال را می‌نویسند. همچنین قرآن کریم می‌فرماید: لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ یَخْلُقُ مَا یَشَاءُ یَهَبُ لِمَنْ یَشَاءُ إِنثَاً وَ یَهَبُ لِمَنْ یَشَاءُ الذُّكُورَ، مالکیّت و حاکمیّت آسمانها و زمین از آن خداست هر چه را بخواهد می‌آفریند و به هر کس اراده کند دختر می‌بخشد و به هر کس بخواهد پسر. ۳

خردورز

بازنمایی دختر در  
سینمای ایران

علی اصغر سیاحت



در فرهنگ دینی نعمت دختر برای پدر آنقدر گرانبها است که از امام صادق علیه السلام نقل است که حضرت ابراهیم از خداوند درخواست می‌دارد تا به او دختر عطا کند و بعد از مرگش گریه کن و دلسوزی داشته باشد.

## بازنمایی تعریف انقلاب اسلامی از دختر

زنان مهمترین نقش را در انقلاب اسلامی داشتند و چه از جنبه پشتیبانی یا در میدان انقلاب حضور جدی داشتند و خانم مرضیه حدیدچی فرمانده سپاه همدان شد و به عنوان اولین زن در عرصه نظامی در کشور حضور جدی پیدا کرد اما مهمترین وظیفه زن را فقط در این عرصه نمی‌توان خلاصه کرد. بعد از پیروزی انقلاب، درباره مسأله زن و تلاش برای دفاع از حقوق زنان، فعالیت‌های زیادی شده است. در حقیقت باید گفت که بعد از انقلاب، از زن ایرانی تجلیل شده است. پیش‌قراول این تجلیل هم امام بزرگوار بود که با همه وجود برای زن ایرانی مسلمان ارزش و احترام قائل بود. همین بینش بود که موجب شد زنان کشور در انقلاب اسلامی سهم بزرگی را ایفا کردند. رهبر انقلاب در پاسخ به نامه دختر نوجوان درباره ورود به عرصه تکلیف الهی نوشتند: درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز

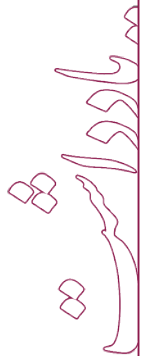


فراموش نکنند. من سالگرد مکلف شدن شما را تبریک می‌گویم و برای شما دعا می‌کنم. ۵ موضوع بازنمایی دختر طراز انقلاب اسلامی یکی از مسائل مهمی است که رسانه نقش حیاتی در آن دارد و مهمترین مولفه‌های آن را مبتنی بر روایات اسلامی و نگاه امامین انقلاب می‌توان بازخوانی کرد تا با توجه به وضعیت موجود به فضای آرمانی و مطلوب رسید.

## بازنمایی دختران در سینمای ایران

از اواخر دولت سازندگی تا دولت اصلاحات اتفاقات زیادی در فرهنگ کشور رخ داد و با بازتر شدن دستان سیاست‌گذاران منحرفی همچون

عطاءالله مهاجرانی سبب شد تا وضعیت سینمای ایران دچار تحولات ضدفرهنگی شدیدی بشود و اولین گام را هم سینما تجربه کرد. سینما در ایران کاملاً وابسته و حکومتی زاده شد و ابتدای آن نیز با ورود کمپانی هند شرقی و هندوچا با همکاری اردشیر ریپورتر به طور کامل گام مهمی در نفوذ فرهنگی علیه مردم ایران بردارند و اولین اثری که درباره دختران این سرزمین ساخته شد، «دختر لر» نام داشت که تمام و کمال توسط عوامل هندی و انگلیسی تولید شد. ابراهیم مرادی در گفتگویی با روزنامه اطلاعات در ۲۹ خرداد ۱۳۵۱ در این باره می‌گوید: «... تمام کارهای فنی دختر لر به دست سیک‌ها



و عده‌ای هندی تحت نظر متخصصین انگلیسی در بمبئی انجام گرفته بود...» از ابتدا سینمای ایران وابسته و حکومتی بود، به همین خاطر از نظر اقتصادی به شدت تحت تاثیر حاکمان وقت قرار می‌گیرد و اساساً جریانی که سرمایه‌گذاری می‌کرد، گفتمان قالب می‌شد. علی‌عباسی پس از فیلمفارسی‌هایی که تولید کرد، بنابه دستور دربار و صلاح‌دید اشرف به ساخت فیلم‌های شبه روشنفکری و به اصطلاح موج نوری آورد و آثاری مانند رضا موتوری (مسعود کیمیایی) و تنگنا (امیر نادری) و نازنین (علی رضا داوودنژاد) را تهیه کرد. ۶ مسئله‌ای که در سینمای ایران مورد توجه است، تزریق پول به کانال‌های نامشخص برای ساخت آثار سینمایی از طرف ارشاد یا نهادها و سازمان‌های مختلفی است که در نهایت خروجی این آثار تحت نظر تهیه‌کننده‌هایی تولید می‌شود و این وضعیت سینمایی موجود را رقم می‌زند. امروز مثل همیشه صنعت فرهنگ در خدمت شخص ثالث، یعنی سرمایه‌گذاران است و بیگانگی خود را با روند چرخش سرمایه و با تجارت که از آن زاده شده است، حفظ می‌کند. اما اینکه ایدئولوژی صنعت فرهنگ با چه سازوکاری کار می‌کند به نظر آدورنو بیش از همه استفاده از سیستم ستاره‌گرایی است که از هنرهای فردی وام گرفته شده و هنرمندان به عنوان ستاره در آن استنمار می‌شوند. ۷

اثر	کارگردان	سال ساخت	مفاهیم مورد توجه در فیلم
دختران	قاسم جعفری	۱۳۸۸	آشفتنگی، تنهایی، روی تخت بیمارستان، گسل نسلی، خودکشی دختر، موسیقی، دین‌گریزی، فرار از خانه، غیرت زیاد پدر، ارتباط با نامحرم، کتک خوردن دختر
خانه دختر	شهرام شاه‌حسینی	۱۳۹۳	خودکشی دختر، تنهایی، تجاوز پدر به دختر، سیاه‌نمایی شدید، دین‌گریزی، ارتباط با نامحرم، کتک خوردن دختر
دختر	رضا میرکریمی	۱۳۹۴	گسل نسلی، تنهایی، فرار از خانه، غیرت زیاد پدر، ارتباط با نامحرم، کتک خوردن دختر
هیس دخترها فریاد نمی‌زنند!	پوران درخشنده	۱۳۹۲	تنهایی، فرار از خانه، تجاوز، غیرت زیاد پدر، کتک خوردن دختر
بوتیک	حمید نعمت‌الله	۱۳۸۲	تنهایی، غم، فرار از خانه، ارتباط با نامحرم، غیرت زیاد پدر، گسل نسلی، کتک خوردن دختر
مرهم	علیرضا داوودنژاد	۱۳۸۹	غیرت زیاد پدر، گسل نسلی، ارتباط با نامحرم، کتک خوردن دختر، تنهایی، موسیقی، مواد مخدر
مالاریا	پرویز شهبازی	۱۳۹۴	فرار از خانه، غیرت زیاد پدر، گسل نسلی، مواد مخدر، تنهایی، موسیقی، خودکشی، کتک خوردن دختر
دختر ابرونی	محمد حسین لطیفی	۱۳۸۱	خودکشی دختر، غیرت زیاد پدر، گسل نسلی، تنهایی، شکستن رسومات
سال دوم دانشکده من	رسول صدرعاملی	۱۳۹۸	خودکشی دختر، گسل نسلی، غیرت زیاد پدر، تنهایی
دختری با کفش‌های کتان	رسول صدرعاملی	۱۳۷۷	گسل نسلی، غیرت زیاد پدر، تنهایی، فرار از خانه
من ترانه ۱۵ سال دارم	رسول صدرعاملی	۱۳۸۱	طلاق، تقبیح کودک همسری، تنهایی
در بند	پرویز شهبازی	۱۳۹۱	تنهایی، ارتباط با نامحرم، غیرت زیاد پدر
ورود آقایان ممنوع	رامبد جوان	۱۳۹۰	شوخی‌های جنسی، رفتارهای فمینیستی مدیر مدرسه، ارتباط با نامحرم

بازنمایی دختر در  
سینمای ایران  
علی اصغر سیاحت



سینمای دخترانه، تار و اشک آلود در بررسی محدود آثار سینمایی و سریال ایرانی با محوریت دختر، چهارده فیلم سینمایی تولید شد که هر کدام در دوره خودشان واکنش مخاطبان و منتقدان را نسبت به اثر تولید شده برانگیختند. مهمترین مولفه‌های این آثار یک پیام کلی را در ضمیر ناخودآگاه مخاطب ایجاد می‌کند و آن اوج تنهایی و مظلومیت دختران ایرانی است. جدول صفحه قبل بخشی از مهمترین مولفه‌های هر فیلم سینمایی درباره جایگاه دختر در سینمای ایران است. فیلم دختر ساخته پرویز شهبازی راوی زندگی سه دختر هم‌کلاسی و دوست است که در شرایط اجتماعی ایران هیچ دختری نمی‌تواند زندگی خود را به سلامت بگذراند، چرا که زندگی سنتی پدرومادر، اجبار و گیری که به دختران داده می‌شود، موجبات احساس تنهایی نسل جدید را فراهم می‌آورد، سرنوشت این سه دختر خودکشی، فرار از خانه و تیمارستان است. فیلم خانه دختر ساخته شهرام شاه حسینی روایتی از خودکشی دختری است که کارگردان تلاش می‌کند تا با کنایه به مخاطب بفهماند که پدرش به او تجاوز کرده است، قبل از عقد با پسران دیگری نیز ارتباط بی‌حدو حصر داشته است اما تصویر سیاه جامعه و برخورد اشتباه پدر و مادر منجر به خودکشی این دختر می‌شود. همان چیزی که از تجاوز پنهان در فیلم هیس دختران فریاد نمی‌زنند، نیز دیده

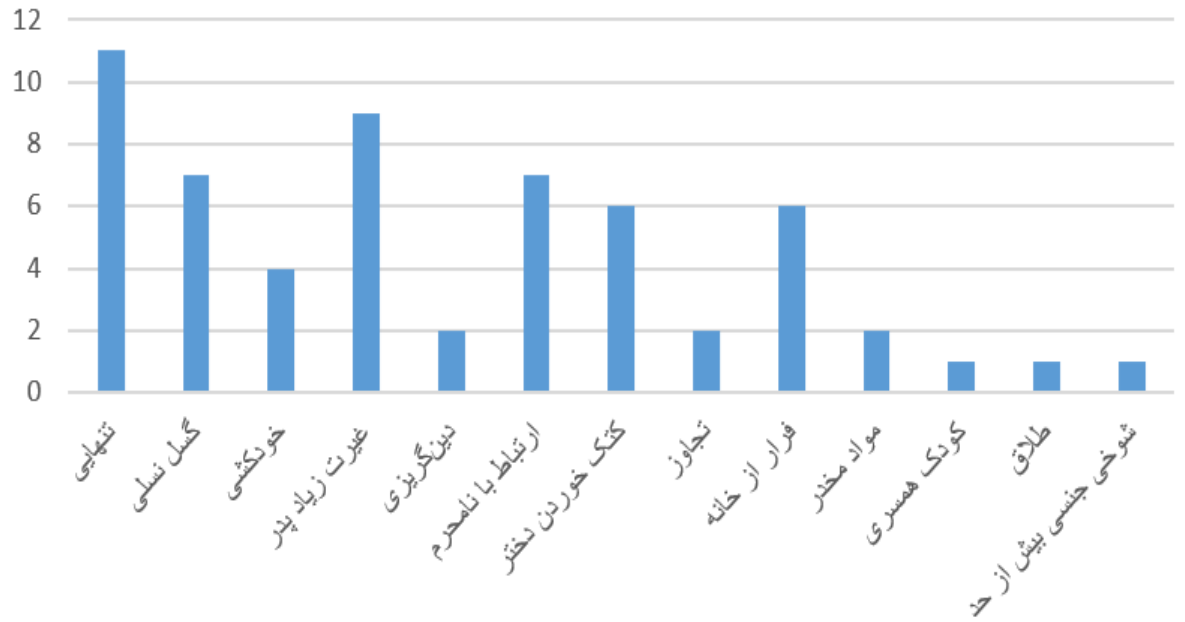


می‌شود که نهایتاً منجر به قتل سرایدار آپارتمان توسط دختری می‌شود که در حال ازدواج است. بوتیک، مرهم و مالاریا روایتی از خشونت علیه دختران به تصویر کشیده‌اند و سیاه‌نمایی در بعضی سکانس‌ها به حدی بالاست که صدای منتقدین و حتی موافقان سازندگان این آثار را نیز درآورده است. در واقع کارگردانان این آثار به دنبال تصویرسازی از لایه‌های پنهان جامعه هستند اما درگیر و دار واقعیت و درام به تنگنا می‌رسند و نهایتاً محصولشان به سیاه‌نمایی می‌رسد و به جای درمان، درد

## ۹۹

فیلم خانه دختر ساخته شهرام شاه حسینی روایتی از خودکشی دختری است که کارگردان تلاش می‌کند تا با کنایه به مخاطب بفهماند که پدرش به او تجاوز کرده است، قبل از عقد با پسران دیگری نیز ارتباط بی‌حدو حصر داشته است اما تصویر سیاه جامعه و برخورد اشتباه پدر و مادر منجر به خودکشی این دختر می‌شود. همان چیزی که از تجاوز پنهان در فیلم هیس دختران فریاد نمی‌زنند، نیز دیده می‌شود که نهایتاً منجر به قتل سرایدار آپارتمان توسط دختری می‌شود که در حال ازدواج است.

روی درد می‌آورد و امانت‌دار جامعه نیست. رسول صدر عاملی سیزده فیلم در کارنامه کارگردانی خود دارد که پنج فیلم این کارگردان به صورت مستقیم به موضوع دختران ایرانی و مشکلاتشان اشاره دارد و نزدیک به پنج فیلم دیگرش هم به این موضوع اشاره دارد و بقیه موضوعات دیگر هستند، اما سه فیلم دختری با کفش‌های کتانی، من ترانه ۱۵ سال دارم و سال دوم دانشکده من به صورت مستقیم درباره دختران است. هر سه فیلم به رنج دختران در مقابل



خانواده‌شان می‌پردازد، موضوع عشق‌های مثلثی، دوستی‌های دختران و مسئله کودک همسری و عواقب آن نیز مسئله‌ای است که به صورت مستقیم در فیلم «من ترانه ۱۵ سال دارم» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### آمار فراوانی گزاره‌هایی که از فیلم‌ها استخراج شده است:

اتفاقاتی که این روزها در فضای مجازی پیرامون موضوع دختر با مرگ دختر آبی، رومینا اشرفی و ... رقم می‌خورد، عقبه بیش از بیست ساله دارد و کارگردانانی که با سیاه‌نمایی این حجم از نفرت را در فضای جامعه ایرانی با بودجه همین

کشور ایجاد کردند، امروز به ثمر نشسته است و موضوع حیا و غیرت کمی خدشه‌دار شده. رابطه پر از صمیمیت و محبتی که میان پدرها و دختران وجود داشت، موجبات مدیریت یک خانواده سالم را نوید می‌داد اما با این حجم از آثار سینمایی و سپس عملیات روانی سنگین دشمن علیه غیرت مردان و حیای زنان سبب شده تا احساسات به جای استدلال بنشینند و در این مسیر گفتگو رنگ می‌بازد.

### پاورقی

- ۱- بازنمایی روابط عقیفانه مرد و زن در سینمای ایران (مطالعه موردی فیلم درباره‌الی)، حفیظه مهدیان، معرفت فرهنگی و اجتماعی، سال پنجم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۳۱
- ۲- جامع‌الآخبار، صفحه ۲۸۵- مستدرک، جلد ۱، صفحه ۱
- ۳- سوره شوری، آیه ۴۹
- ۴- بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از زنان، ۳/۷/۷۶
- ۵- <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۴۴۳۹۹>
- ۶- حکایت سینما توگراف، سعید مستغانی، انتشارات کیهان، ص ۲۳۶
- ۷- جامعه‌شناسی سینما و سینمای ایران، دکتر اعظم راودراد، انتشارات دانشگاه تهران ص ۷۴

## نقش تمدنی حضرت معصومه (سلام الله علیها) وقم به عنوان مرکز اصلی انقلاب اسلامی



میلاذ پورعسگری

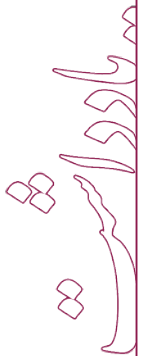
نویسنده

دین پژوه و پژوهشگر حوزه تمدنی

میان زنان محدث نیز بیان شده و ما از ایشان روایاتی در خصوص پدر و برادر گرامیشان داریم. در بعد معنوی نیز ما از سوی امام معصوم روایاتی داریم که زیارت ایشان را با بهشت برابر دانسته‌اند. امام صادق علیه السلام نیز پیش از ولادت ایشان حدیثی دارند که می‌فرمایند: «به زودی بانویی از تبار من در قم دفن می‌گردد و نام او فاطمه دختر موسی است و با شفاعت او، همه شیعیان من داخل بهشت خواهند شد». در بعضی روایات هم مزار این بانوی گرامی حرم اهل بیت عنوان شده است.

ولی با آمدن به در خانه حضرت متوجه شدند که ایشان به مسافرت رفته‌اند. با شنیدن این خبر خستگی راه و ناکامی در چهره آنان هویدا شد. در این حال دختر امام کاظم علیه السلام، حضرت فاطمه معصومه با این که سن کمی داشت سوالات را از آنان گرفت و به همه آن‌ها پاسخ گفت. شیعیان با خوشحالی بازگشتند و در مسیر به امام هفتم برخوردند و جریان را برای ایشان بازگو کردند. ایشان با دیدن پاسخ‌های دخترشان سه بار فرمودند: «فداها ابوها». جدای از این نام حضرت معصومه سلام الله علیها در

حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها فرزند امام موسی کاظم علیه السلام و تنها فرزند ابونبی با امام رضا علیه السلام است. این بانوی گرامی با وجود پدری چون امام هفتم و برادری مثل امام رضا علیه السلام، چون جده اش حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها از مواهب علمی و معنوی بسیاری بهره برد. در مقام بیان علمی این بانوی گرانقدر آمده است که برخی از شیعیان امام کاظم علیه السلام از راهی دور برای دیدار و پاسخ سوال‌هایشان از مسافتی دور به مدینه آمدند؛



نظام سازی برای تمدن اسلامی از آن بهره می‌بردند. به طور مثال هجرت حضرت ابراهیم، یوسف، موسی، امام علی، امام حسین و حتی خود امام رضا علیه السلام که به شکلی زمینه یک انقلاب فکری، دینی و علمی را در محدوده مورد نظر خود ایجاد نمود.

### 📌 هجرت حضرت معصومه (سلام الله علیها) و نتایج آن

این بانوی گرامی در سفر خود به سمت به مرو، در ساوه توقف می‌کند ولی به دلیل برخی عوامل به قم رفته و در همان جا بعد از گذشت ۱۷ روز از دنیا می‌روند. در بیان عوامل مراجعت حضرت به قم هم برخی آن را زهر خوراندن عنوان نموده و برخی دشمنی حاکم ساوه با اهل بیت دانسته‌اند و عده‌ای نیز آن را خستگی و بیماری آن حضرت و البته بدون هیچ سوء قصدی بیان نموده‌اند. البته تمایل حضرت فاطمه معصومه علیها السلام برای رفتن به قم و مهاجرت علماء و سایر فرزندان ائمه به این شهر بعد از وفات این بانوی گرامی، به دلیل روایاتی بود که ائمه معصومین درباره این سرزمین و مردمان آن بیان نموده بودند. امام صادق علیه السلام درباره مردم قم می‌فرمایند: «آن‌ها اهل رکوع و سجود و قیام و قعودند. آنان فقیه و دانشمند و اهل درک حقایق و رویت و عبادت نیکو هستند». یا در



یکی از دلایل هجرت پیش بینی بود که فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام از رفتار حکومت بعد از کشتن امام رضا علیه السلام داشتند. اینکه بدون تردید حکومت وقت برای جلوگیری از قیام و افشاگری خاندان اهل بیت، دست به آزار و اذیت آنان به هر بهانه‌ای خواهد زد. دلیل بعدی خود مساله هجرت و جلای وطن است که علویان از آن به عنوان نشانه اعتراض نسبت به حکومت وقت استفاده می‌کردند.

هجرت پیش بینی بود که فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام از رفتار حکومت بعد از کشتن امام رضا علیه السلام داشتند. اینکه بدون تردید حکومت وقت برای جلوگیری از قیام و افشاگری خاندان اهل بیت، دست به آزار و اذیت آنان به هر بهانه‌ای خواهد زد. دلیل بعدی خود مساله هجرت و جلای وطن است که علویان از آن به عنوان نشانه اعتراض نسبت به حکومت وقت استفاده می‌کردند. البته هجرت و جلای وطن از دیر باز سیاستی بود که انبیاء الهی و حضرات معصومین در



### 📌 دلیل هجرت حضرت معصومه (سلام الله علیها)

بعد از اینکه امام رضا علیه السلام مجبور به ترک مدینه شد و خانواده را با خود همراه ساخت و علاوه بر این عدم بازگشت و شهادت خود را بیان نموده بود، یک سال بعد حضرت معصومه سلام الله علیها به همراهی عده‌ای از برادرانش به بهانه دیدار با امام رضا علیه السلام راهی سرزمین فارس می‌شود. اما سفر این بانوی گرامی و سایر فرزندان امام هفتم دلایل دیگری داشت. یکی از دلایل





جای دیگر می‌فرمایند که کوفه از مومنان و علم خالی شده و از قم ظهور می‌کند. این امام بزرگوار درباره جاذبه‌های علمی این شهر در آینده در ضمن حدیثی می‌فرمایند: «زمانی می‌رسد که از قم علم و دانش به دیگر شهرها از شرق تا غرب عالم منتشر می‌شود، تا جایی که این شهر اسوه و الگوی شهرهای دیگر گشته و هیچ کس در روی زمین باقی نمی‌ماند که از قم به او بهره‌های علمی و دینی نرسد تا زمانی که ظهور قائم ما فرا رسد.» در هر صورت با ورود آن حضرت به قم، با توجه به وجاهت علمی و معنوی که حضرت داشتند، مورد استقبال مردم شیعه قم واقع شدند. با رحلت این بانوی گرامی گرچه گرد غم و اندوه بر چهره این شهر نشست؛ ولی حضور بقعه مبارک ایشان خیر و برکات زیادی را برای مردم این سرزمین به ارمغان آورد و حتی مورد استقبال و توجه شیعیان، علویان و دوستداران اهل بیت واقع شد. در واقع بعد از وفات حضرت معصومه علیها السلام با توجه به روایاتی که نسبت قم و اهالی آن وجود داشت و توصیه‌هایی که درباره زیارت این بانوی گرامی اسلام بیان شده بود منجر شد تا سادات و علویان بیشتری به این دیار روی بیاورند. به شکلی که مزار چیزی حدود ۴۰۰ امازاده در این شهر یافت می‌شود. ویژگی‌های معنوی بقاع متبرکه و جاذبه معنوی این شهر، روایات متعدد امامان معصوم

درباره قم و اهالی آن و زیارتنامه خاص امام رضا درباره خواهر گرامی‌شان، به مرور زمان منجر به پیدایش یک شهر بزرگ معنوی شد که محدثان، علماء را گرد هم آورد و در سایه آن علوم اهل بیت رواج و گسترش یافت. این جریان درباره هجرت امام رضا علیه السلام هم صادق است. چرا که حضور حضرت در خراسان نیز باعث رویش عالمان، محدثان و هنرمندان شده و یک جریان تمدنی را رقم زد.

### ◀ قم از زبان سفرنامه نویسان

همانطور که گفته شد بعد از حضور حضرت

فاطمه معصومه علیها السلام در قم، این شهر به تدریج گسترش یافت و به یک شهر بزرگ مذهبی و پررفت و آمد تبدیل شد. به حدی که اغلب سفرا و جهان گردان خارجی در دوره‌های مختلف از این شهر دیدار کرده و غالباً از آن با عظمت یاد نموده‌اند. «اوژن فلاندن» جهانگرد و دانشمند فرانسوی در زمان محمدشاه قاجار (۱۲۱۹ش) از قم دیدن کرد. او در بخشی از خاطرات خود درباره قم می‌نویسد: «مقبره فاطمه که ایرانی‌ها «معصومه» می‌نامند در تمام مشرق، احترامی به سزا دارد و مردم از اکتاف به زیارتش می‌آیند». «کارل بروگش» یک جهانگرد آلمانی است



حضور عالمان و نشر علم توسط آنان بر آگاهی عمومی به تدریج افزود و باعث شد تا مردم این دیار نسبت به سایر شهرها از رشد علمی و آگاهی بیشتری برخوردار باشند. بنابراین به راحتی ظلم و بی‌داد حاکمان جور را بر نمی‌تافتند و بی‌عدالتی و تبعیض را تحمل نمی‌کردند. رشد روز افزون علمی حوزه علمیه قم و وجاهت اجتماعی آن در بین جامعه مسلمین منجر به رشد عالمی چون امام خمینی (ره) شد. شخصی که توانست به برکت حضور در قم و مجاورت حضرت معصومه سلام علیها انقلاب اسلامی را رقم بزند و آرزوی بسیاری از انبیاء و اوصیاء در تشکیل حکومت اسلامی را محقق نماید. در روایتی از امام کاظم علیه السلام داریم که ظهور چنین شخصی از قم را خبر می‌دهد. در این روایت آمده است: «رجلٌ من اهل قم يدعوا الناس الى الحق، يجتمع معه قوم كزُبر الحديد.» درباره این روایت می‌توان گفت که اگر امام خمینی و انقلاب اسلامی مصداق منحصر به فرد آن نباشد قطعاً یکی از مصادیق آن خواهد بود. خلاصه کلام آن که حضور تاریخی دخت گرامی امام موسی کاظم علیه السلام در قم اتفاقاتی را در طول تاریخ رقم زد که منجر شد تا این شهر به یک مرکز علمی تبدیل شود که خروجی آن تفکر انقلاب اسلامی و شخصیتی مثل امام خمینی (ره) بود.



و سبقه علمی قم پیش از آن‌هاست. بدین ترتیب فضای علمی و معنوی این شهر رو به فزونی نهاد تا جایی که در دوره صفویه شهر قم از نظر جمعیتی دارای دوازده هزار خانه شد. بر پایه چنین تمدن و سابقه‌ای است که وقتی در سال ۱۳۰۰ ه. ش مرحوم آیت الله شیخ عبدالکریم حائری حوزه علمیه قم را پایه‌گذاری می‌کند، علماء و اندیشمندان بنام جهان‌تشیع، دعوت وی را قبول نموده و در قم رحل اقامت می‌افکنند و در اندک زمانی، این حوزه را به مرکزی تاثیرگذار در جهان اسلام تبدیل می‌کنند.

که اوضاع ایران در قرن نوزدهم میلادی را روایت می‌کند. این فرد در بخشی از توضیحات خود درباره قم و حضرت معصومه می‌گوید: «نه فقط زندگان بلکه مردگان نیز به سوی این مزار جلب می‌شوند؛ زیرا بسیاری از ایرانیان وصیت می‌کنند که در جوار این بانوی مقدس دفن شوند. قم مدفن قدسین هم هست. بنا به گفته اهلی محل، قم دارای ۴۴۴ امام زاده کوچک و بزرگ است.»

### حضرت معصومه و انقلاب اسلامی

همانطور که بیان شد با مدفون شدن حضرت معصومه علیها السلام در قم، توجه اصحاب، سادات و علویان به این شهر زیاد شد. تا جایی که باعث جمع شدن عده کثیری از امام زادگان و محدثانی نظیر زکیا بن آدم، احمد بن ادريس قمی، احمد بن اسحاق قمی، زکریا بن ادريس اشعری قمی و آدم بن اسحاق اشعری قمی در کنار این مضجع شریف شد. در حقیقت اولین مکتب فقهی امامیه در قم توسط یکی از صحابه امام باقر و صادق علیهما السلام به نام عبدالله بن سعد اشعری راه اندازی شد و به تدریج گسترش یافت. بعدها دومین مکتب بزرگ اسلامی قم را «علی بن بابویه» در غیبت صغری بنا نهاد. به این نکته نیز باید توجه نمود که تشکیل مکاتب علمی شیعه در بغداد و نجف اشرف در قرن پنجم هجری نیز بعد قم محقق شده

## این کاربر مقادیر زیادی زیبایی به دنیا بدهکار است!

در دنیای امروز اصراری وجود دارد مبنی بر اینکه زن را به عنوان «ابزار لذت جویی» معرفی کنند. در این میان ما نیز خواسته یا ناخواسته در رقابت زیبایی قرار داریم. نتایج تلخی که در سالهای اخیر به وفور به گوش می‌خورد، دخترانی هستند که در این مسابقه‌ی رنج‌آور برای همیشه زیبایی طبیعی خود را از دست داده یا اینکه دیگر از نعمت حیات برخوردار نیستند. اما سوال این است که تا چه زمانی قرار است در نمایش تن یا خودنمایی بتازیم و به عواقب اجتماعی، فردی و خانوادگی این معزل بی‌توجه باشیم؟ با یک اراده‌ی جمعی و همگانی باید

خود را از این رقابت کور بیرون بکشیم و علاوه بر اینکه به همگان ثابت کنیم که خود را دوست داریم و به ارزش‌های وجودی و ظاهری خود احترام می‌گذاریم، با فرهنگ مبتذل کالانگاری خود نیز مبارزه کنیم. در اینجا روی سخن تنها به سمت دختران مجرد و زنان متاهل نیست بلکه باید با تمامی مردان و زنانی که به این فرهنگ دامن می‌زنند و منجر به آسیب‌های فراوان جسمی و روحی بر سرمایه‌های انسانی جامعه می‌شوند نیز مبارزه کرد.

داستان از چه قرار است؟

علت اصلی پرداختن به این موضوع که سبب واکنش‌های متعددی در فضای مجازی شد، به یک دختر جوان برمی‌گردد. موضوعی که با بحث زیبایی بدن یا تن‌نمایی گره خورده و با اصطلاحات روشنفکرانه‌ای همچون آزادی تن یا آزادی در خودنمایی آراسته شده است. داستان از این قرار است که دختر جوانی به اسم پریسا مهابادی که به کار نوازندگی می‌پرداخت، در جریان یک عمل جراحی لاغری جان خود را از دست می‌دهد. خانواده‌ی این دختر با وجود تالمت شدید روحی ناشی از مرگ دختر جوان‌شان، مردم را مقصر مرگ فرزند خود

دکتر فائزه اسکندری  
همکاران: خانم مهدیه منافی،  
پریچهر جنتی و فاطمه داداشی





می‌دانستند. طوری که خواهر این دختر در پستی اینستاگرامی چنین نوشت: «باعث مرگ خواهرم مردمی هستند که دائم او را قضاوت کردند و از او می‌خواستند که لاغر کند.» بر همین اساس کنشگران دغدغه‌مندی که به تولید محتوای مفید و کاربردی در فضای مجازی می‌پردازند، از کنار این مسئله بی‌تفاوت عبور نکرده و دست به کار شدند. یکی از صفحات اینستاگرامی (par. ۹۴ با نام مستعار پریچهر) در همین زمینه دست به یک کار رسانه‌ای زد و تصمیم گرفت تا مخاطبان خود، خصوصاً دختران جوان، را نسبت به این مسئله و عواملی که منجر به این نتیجه شده، درگیر و حساس کند. بر همین اساس چندین سوال و شبهه مطرح شد که برای یافتن پاسخش هر انسانی به فکر واداشته خواهد شد:

- چرا این دختر آنقدر تحت مقایسه و قضاوت قرار گرفت که تن به چنین عمل جراحی سنگینی داد؟
- مقصر اصلی در حوادث ناگوار این-چنینی چه کس یا کسانی هستند؟
- آیا جز این است که یکی از مقصران اصلی این نوع از مقایسه‌ها در میان دختران جوان، کمپانی‌های مد و آرایشی هستند که تنها متمرکز بر سودآوری خودشان می‌باشند؟
- آیا می‌توان نقش قضاوت‌های مردم را نادیده گرفت و آیا می‌توان کتمان کرد که مقصر دیگر چنین حوادثی افرادی هستند که

به راحتی دیگران را قضاوت و مقایسه می‌کنند؟

- و اما مگر می‌شود در بیان مقصران این مقایسه و حوادث این‌چنینی از زنانی نام برد که با تن‌نمایی و خودنمایی، زمینه‌ی این دست مقایسه‌ها را فراهم می‌کنند!

### همه‌ی ما تجربه‌های مشترکی داریم!

همه‌ی ما در زندگی شخصی خود روزها، ماه‌ها یا سالهایی را تجربه کردیم که تحت فشار مقایسه‌های دیگران یا میل افراطی به زیبایی تن و هیجان‌ات‌کاذب ناشی از میل به

خودنمایی به دنبال ایجاد تغییرات اساسی در ظاهر خود بوده‌ایم. تمایل به لاغر شدن یا به اصطلاح باربی شدن، تمایل به جراحی بینی و تغییر مدل آن، تمایل به تغییر گونه، ابرو یا حتی استفاده از انواع پروتزها، تمایل به چاق شدن و استفاده از چربی‌های تزریقی، و بسیاری مصادیق دیگر که هر روز رخ نمایان کرده و دختران جوان را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند. اما در این میان تشویق، ترغیب یا فشار مقایسه‌ی دیگران نیز نقش غیرقابل انکار و مهمی دارد که سبب پایین آمدن سطح اعتماد به نفس و ایجاد خسارات جبران‌ناپذیر به جسم و روح دختران و زنان خواهد شد. به نظر می‌رسد در این زمینه باید در درجه اول یک کار جدی فرهنگی- اجتماعی صورت بگیرد تا خودنمایی یا ظاهر‌نمایی شکل گرفته در جامعه کم‌رنگ‌تر شود و در درجه دوم، هر فردی با بدن خودش به صلح برسد و با آن آشتی کند. به عبارت دیگر، از خود و بدنش رضایت داشته باشد.

### شما تاکنون چقدر تحت تاثیر این مقایسه‌ها قرار گرفته‌اید؟

همانطور که ذکر شد، در صفحه (par. ۹۴) همه‌پرسی قرار داده شد و از مخاطبین خواسته شد که اگر تجربه‌ای مشابه با مسائل مطرح شده دارند، بنویسند. همچنین از آنها خواسته شد در مورد اینکه چقدر تحت تاثیر این مقایسه‌ها تحت فشار روحی و روانی قرار

این کاربر مقادیر زیادی زیبایی به دنیا بدهکار است!

دکتر فائزة اسکندری



می‌گیرند، مطالبی را بازگو کنند. هر کس از تجربه‌های تلخی که در برخوردهای این‌چنینی و مقایسه‌های سرکوب‌کننده از طرف خانواده خود، همسر و خانواده همسر، دوستان و همکاران داشت، لب به سخن گشود و تجربه‌های فراوانی مطرح شد که این حجم زیاد باور کردنی نبود. نکته‌ی دردآور مربوط به تجربه‌ی تلخ خانم‌های متاهلی بود که ادعا می‌کردند وقتی در خیابان با همسرمان راه می‌رویم، از شدت فراوان خودنمایی و تن‌نمایی احساس ناامنی می‌کنیم. زیرا بدن‌نمایی دختران و زنان امنیت روانی ما و همسران ما را مختل کرده است. در ادامه برخی از تجربه‌های رسیده را بازگو خواهیم کرد:

- لذت‌جویی یک عده کمپانی و مانکن و ... چقدر من نوجوان را تحت فشار قرار داد برای اینکه به زیبایی مورد تایید جامعه برسم! و متاسفانه چقدر ضربه دیدم از این مدل «آزادی»!
- حرص می‌خورم از اینکه این همه در کلاس تلاش می‌کنم ولی استاد همه‌ی وقتش صرف دختران آرایش کرده با پوشش‌های خاص آن چنانی می‌شود، احساس می‌کنم از هر دو طرف به من ظلم شده: ظلم از استاد طماع و ظلم از همجنس زیاده‌خواه!
- از وقتی این مانتوهای جلو باز مد شد، لاغری من بیشتر توی چشم خودم و شوهرم اومد!
- من از شدت ترس از چاقی پر خوری عصبی دارم و بعد میرم دستشویی بالا میارم. هر بار به خودم میگم این بار آخره ولی عادت شده!

- هنوز هم بعد از سی سال این حس فویای چاقی و نارضایتی از اندامم با اینکه آدم چاقی محسوب نمیشم خیلی اذیتم می‌کنه!
- ما یک کافی‌شاپ، یک کوه با دل آسوده با همسر نمی‌ریم. با اینکه مطمئنم چهره و هیکلیم زیباست و همسر مومنه! (#زنانه\_علیه\_زنان)

### فشار برای گذاشتن نقاب اجباری

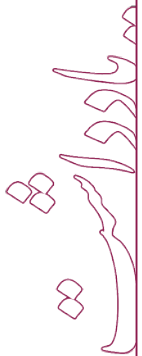
همانطور که ملاحظه کردید در تجربیات مطرح شده مشخص شد که موضوع گزارش مذکور بحث از پوشش یا برهنگی نیست؛ بلکه اجبار زنان و دختران برای رسیدن به استانداردهای زیبایی است. تحلیل آنچه که در متن بالا خوانده شد نشان می‌دهد که در واقع همه‌ی این اقدامات و روش‌هایی که به خاطر زیباتر شدن یا فراهم شدن شرایط بهتر برای بدن‌نمایی از سوی دختران جوان و زنان انجام می‌شود ناشی از فشارهایی است که برای گذاشتن «#نقاب\_اجباری» بر آنها وارد می‌شود. گرچه نمی‌توان کتمان کرد که این مباحث و سلسله مباحث مرتبط دیگر، خواه‌ناخواه به موضوع خودنمایی و پوشش کشیده می‌شود. چون همیشه یک بُعد از تحمیل زیبایی، مقایسه شدن و بعد دیگر مقایسه شدن، حضور دیگران است. تا دیگرانی نباشند که تن‌نمایی کنند، مقایسه‌ای نیز صورت نخواهد گرفت؛ در نتیجه فشاری نیست یا حداقل در این حد نیست.

### چرا بین مرد و زن و نوع برانگیختگی آنها تفاوتی قائل نیستیم؟! ←

متاسفانه نگاه غالبی که وجود دارد و سبب ایجاد شبهات فراوانی شده این است که ما بین مرد و زن و تفاوت هر یک در نوع برانگیختگی‌شان هیچ تفاوتی قائل نیستیم. همچنین میزان میل به زیبایی و تن‌نمایی را در مورد مرد و زن یکسان می‌دانیم. در حالی که این یکسان‌نگاری فقط در ذهن و پشتِ قابِ موبایل قابلیت طرح و بررسی دارد و در واقعیت، انسان‌ها مطابق با طبیعت خود رفتار می‌کنند. یعنی کاملاً خلاف شعارهای فمینیستی مطرح شده در مورد عدم وجود تفاوت در مردان و زنان. مردان نسبت به زنان، علاقمندتر، واکنشی‌تر و متوجه‌تر به محرک‌های برانگیزاننده‌ی بصری هستند. بر همین اساس، وقتی زنان و مردان محرک‌های جنسی یکسانی می‌بینند، ترشحات جنسی در مردان به نسبت زنان، به طور قوی‌تری فعال می‌شود. پس اگر چنین مسائلی برای ما روشن شده باشد و قائل به تفاوت میان زن و مرد از نظر میزان توجه به محرک‌ها و برانگیختگی باشیم، خطر خودنمایی و بدن‌نمایی برای به انحراف افتادن مردان و سست شدن بنیان خانواده‌شان را بیش از زنان حس خواهیم کرد.

### ما در انتخاب‌ها چندان آزاد نیستیم! ←

تا به حال به این فکر کردید که چرا ما فلان لباس یا فلان آرایش را انتخاب می‌کنیم؟ چرا



نیز همه چیز اعم از اعداد، حروف، نمادها و علائم خاص را جنسی ببینیم و به همین نسبت جنسی فکر کنیم. این امر یعنی گام به گام تا پیدایش نگاه مریض جنسی حرکت کردن! (۴) در پایان یک نکته را فراموش نکنید: قرار نیست که ما خود را مطابق میل جنسی مردها بسازیم، زیرا خداوند هر شخصی را به یک شکل خلق کرده و این انسان در اوج زیبایی طبیعی خود قرار دارد. پس لازم است دختران جوان نسبت به بدن و زیبایی خود رضایت داشته و به این مسئله‌ی مهم فکر کنند که ما پا به این دنیا نگذاشتیم که وسیله‌ی لذت جویی مردان باشیم بلکه هر کدام از ما تنها یک دلدار داریم (البته اگر داشته باشیم) و در برابر او مسئول هستیم. پس لازم است به این اصرار بیمارگونه‌ای که در تمام دنیا وجود دارد تا زن را ابزار لذت جویی معرفی کند، بی‌توجه باشیم. این بدین معناست که خواسته یا ناخواسته در رقابت زیبایی قرار نگرفته و تنها خود را در مقابل همسرانمان مسئول بدانیم.

دیدن و طمع در برخورداری کامل از لذت جنسی حرکت می‌دهد. از سوی دیگر، چون یک عده انسان کوتاه‌فکر و لذت‌طلب هیچ رسالتی به جز تن‌نمایی برای زن قائل نیستند، او را برای بی‌نقص شدن بدنش تحت فشار می‌گذارند. وضعیت دختران امروز به گونه‌ای است که انگار، از وقتی به دنیا می‌آیند روی پیشانی‌شان نوشته شده باید مقادیری زیبایی به دنیا بدهند؛ این در حالی است که ما به کسی زیبایی بدهکار نیستیم. (۲) در مواجهه با «خودنمایی» یا به اصطلاح موارد متعددی از «بدن‌نمایی» با یک مسئله‌ی دو طرفه روبرو هستیم و بار عفاف جامعه روی دوش هر دو جنس است، نه فقط زن یا فقط مرد! مسلماً هر مردی، اعم از اینکه مجرد باشد یا متأهل، در مواجهه با زنانی که از حجاب کافی برخوردار نبوده و از آرایش و زینت خاصی استفاده کرده‌اند، حق ندارد حریم چشم خود را از دست داده یا اینکه به همسرش سرکوفت بزند. او به عنوان یک مرد وظیفه دارد که «غض بصر» کند، چشمش را فرو بیندازد و مقایسه نکند. اما در مقابل، دختر یا خانمی که حریم عفت و حجاب را رعایت نمی‌کند، عمل کردن به این وظیفه یعنی چشم‌پوشی را برای مرد سخت می‌کند. در واقع، او زمینه‌ی گناه را تقویت کرده و خود نیز مقصر است. (۳) جوک‌های جنسی، ذهن ما را شرطی می‌کند تا حتی در شرایط عادی و رسمی

امسال همه یک رنگ مانتو یا لباس را انتخاب می‌کنند در حالی که ۱۰ سال پیش نوع لباس و آرایش ما متفاوت بود؟ کمی تفکر و تأمل در مورد پاسخ به این سوال‌ها نشان می‌دهد که ما چندان هم در انتخاب آزاد نیستیم. ما مجبوریم چیزی را انتخاب کنیم تا به استانداردهای تعیین شده زیبایی نزدیک شویم. پس این امر یعنی ما گرفتار به «انتخاب‌های تحمیلی» هستیم و چندان آزادی نداریم.

## آیا میل به تن‌نمایی و خودنمایی تنها در میان دختران ایرانی رواج دارد؟

گرچه در سالهای اخیر این امر در میان دختران ایرانی شایع شده و رو به گسترش است؛ اما در مورد تحمیل‌ها و فشارهایی که بر دختران وارد می‌شود تا به طرز افراطی آرایش کنند یا به تن‌نمایی مشغول باشند نمی‌توان هیچ‌گونه محدودیت جغرافیایی قائل شد. پاسخ حداقلی به این شبهه این است که «موج‌های جهانی علیه نقاب اجباری» نشان می‌دهد که این استدلال تا حدی درست بوده و این معزل جنبه‌ی جهانی دارد.

## در مقابل این فشارها چه راهکاری داریم؟

(۱) وضعیت کنونی دختران در رقابت بیمارگونه بر سر زیباتر شدن یا خودنمایی به طرز وحشتناکی جامعه را به سمت جنسی

این کاربر مقادیر زیادی زیبایی به دنیا بدهکار است!

دکتر فائزه اسکندری

## دیدگاه فمینیسم و نقد آن

امروزه موضوع «زن» در دنیا یکی از موضوعات بسیار مهم تلقی می‌گردد و دیگر مانند گذشته نادیده گرفته نمی‌شود. متأسفانه در طول تاریخ جنایات مختلفی علیه زنان صورت گرفته و درد بزرگی را در وجود این جنس نهادینه کرده است که اکنون با جنبش‌های مختلف در پی برگرداندن عزت و منزلت خود هستند. گفتنی است لزوماً فمینیست‌ها را نمی‌توان مدافع حقوق زن خطاب کرد و از طرفی نمی‌توان منتقدین تفکر فمینیستی لزوماً مخالف زنان و حقوق آنها دانست؛ بلکه با بررسی کامل دیدگاه‌های فمینیستی می‌توان نگاه صحیحی به موضوع زن داشت.

### تفکرات اروپایی در مورد زن

در گذشته، تفکرات خشن غربی در مورد زن، این جنس را در اروپا سرخورده کرد. ژان کریسوستوم قدیس در مورد زن می‌گفت: «در میان تمام جانوران وحشی؛ زیان‌بارتر از زن وجود ندارد.» آگوستین قدیس که شاید بتوان وی را برجسته‌ترین عالم مسیحی در تمام اعصار نامید، معتقد بود: «زن حیوانی است که نه استحکام دارد و نه استواری؛ زن از بدی تغذیه می‌کند و سر آغاز همه دعاوی و مخالفت‌هاست و راه و طریق هر گونه فساد اخلاق است.» مسائل ضد انسانی ماننده برده‌داری در غرب

و خصوصاً آمریکا و استفاده جنسی از زنان در بخش‌هایی از فرهنگ غربی، تبدیل شدن زن به کالای جنسی کارفرما پس از جنگ جهانی، نداشتن حق رای، نداشتن حق تحصیل، مردسالاری افراطی در برخی فرهنگ‌های اروپایی، استفاده از دهان‌بند آهنی برای جلوگیری از پرحرفی زنان، عدم مالکیت در هیچ چیز و حتی عدم دریافت حقوق کارهای خارج از خانه توسط خود زنان و دریافت آن توسط شوهران آنها، زندانی کردن زنان توسط شوهرانشان در اروپا قبل از خروج از خانه و همچنین پوشاندن لباس‌های آهنی و تیز و بُرنده

سعید ابوالقازی  
نویسنده، پژوهشگر علوم  
سیاسی



مسیحی در قرن ۱۶ میلادی، بر این اعتقاد بود: «زنان باید در خانه بمانند؛ آفرینش زنان بر این دلالت دارد؛ آنها لگن‌های بزرگ دارند تا بر روی آن بنشینند و خانه‌داری کنند و بچه به دنیا بیاورند و بزرگ کنند.» ژان ژاک روسو نیز که متفکران نامدار سوئسی است و از بزرگان مکاتب آزادی خواهی غربی در قرن ۱۸ میلادی است، می‌گوید: «زنان فاقد ویژگی‌های شهروندی‌اند؛ یعنی خصوصیتی مانند عقل؛ نیرو و خود مختاری طبیعتاً مردانه‌اند.» بنابراین از همه این موارد می‌توان نتیجه گرفت که زن در اروپا موجودی ضعیف، سرخورده، کالای جنسی، بی‌عقل، حیوان، غیر متمدن و زیر دست محسوب و خطاب می‌شده و این در شکل‌گیری جنبش‌های فمینیستی بسیار موثر واقع شده است.

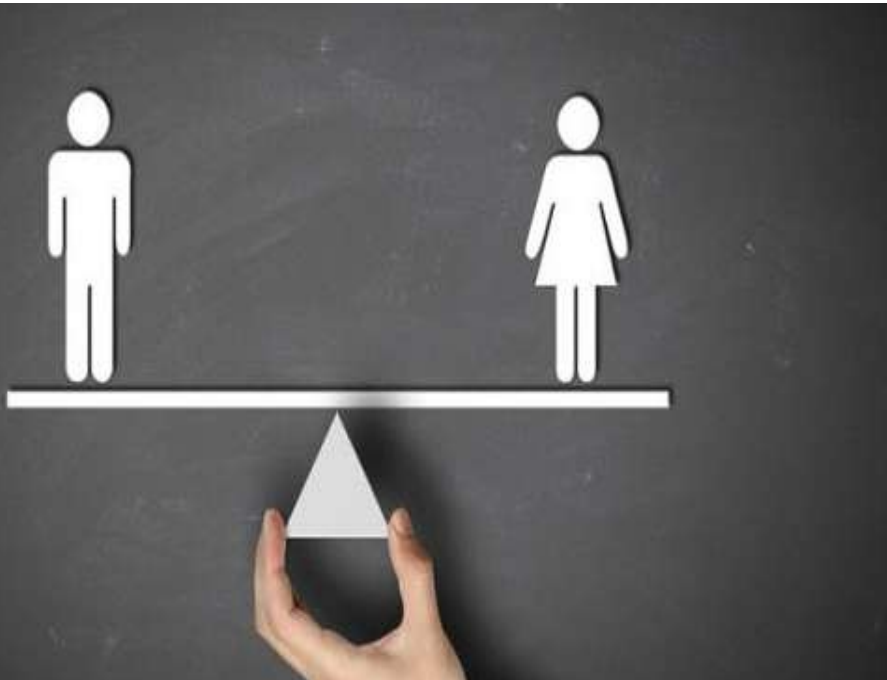
### مفهوم فمینیسم

واژه فمینیسم از ریشه Feminine گرفته شده است که در فرانسوی و آلمانی، معادل Feminin و به معنای زن یا جنس مؤنث است. در کتاب‌های لغت، ذیل این واژه، معنای از قبیل نهضت آزادی زنان، جانبداری از تساوی حقوق زنان و مردان، زن‌باوری، عقیده به برابری زن و مرد، طرفداری از زنان، نهضت طرفداری از حقوق زنان، باور به اینکه زن و مرد باید از حقوق و فرصت‌های برابر برخوردار باشند



در گذشته، تفکرات خشن غربی در مورد زن، این جنس را در اروپا سرخورده کرد. ژان کریسوستوم قدیس در مورد زن می‌گفت: «در میان تمام جانوران وحشی؛ زیان بارتر از زن وجود ندارد.» آگوستین قدیس که شاید بتوان وی را برجسته‌ترین عالم مسیحی در تمام اعصار نامید، معتقد بود: «زن حیوانی است که نه استحکام دارد و نه استواری؛ زن از بدی تغذیه می‌کند و سر آغاز همه دعاوی و مخالفت‌هاست و راه و طریق هر گونه فساد اخلاق است.»

بر تن زنها جهت جلوگیری از رابطه جنسی با مردان دیگر و دیگر رفتارهای افراطی، جنبش‌های فمینیستی را بیش از پیش پررنگ‌تر کرد. ترتولینوس با خشن‌ترین عبارت زن را مخاطب می‌ساخت و او را «دری که دیو از آن به درون می‌آید» می‌نامید. توماس آکویناس؛ پرآوازه‌ترین دانشمند مسیحی در قرون وسطی می‌گفت: «زن موجودی است ناقص عرضی؛ جنس مؤنث در واقع مذکری است که منحرف شده است؛ زن احتمالاً نتیجه نقصی است در قوه تولید مرد.» در نتیجه: «زن فقط موجودی است تصادفی و ناقص و نوعی مرد ناقص‌دار است.» از دیگر توصیفات این قدیس برجسته کلیسای مسیح در مورد زن این است که می‌گفت: «زن از لحاظ جثه و عقل و اراده؛ موجودی است ضعیف‌تر؛ زن در همه چیز به مرد احتیاج دارد؛ لکن مرد فقط برای تولید نیازمند زن است. زن باید مرد را مولای طبیعی خود بداند؛ باید راهنمایی او را بپذیرد؛ و انضباط و مواخذه‌های او را گردن نهد و از این طریق است که زن به مقصد اصلی و به سعادت خویش نائل خواهد آمد.» هرچند تفکرات گفته شده در مورد زن در اروپا مربوط به دوران قرون وسطی است، اما در سرخوردگی زن در این کشورها بسیار موثر بوده است. حتی گفتنی است در سده‌های اخیر نیز تفکرات زشتی در مورد زن در بین متفکرین اروپایی رواج داشته است. مارتین لوتر به عنوان سرآمد اصلاح طلبان کلیسای



و تلاش برای رسیدن به این هدف بیان شده است. به عبارتی دیگر می‌توان گفت یکی از نمودهای اومانیزم یا انسان‌گرایی غربی، ظهور فمینیسم بود. فمینیسم آموزه‌ای است که وجه اصلی تمامی تفاسیر و گونه‌های آن بر این باور استوار است که زنان به دلیل جنسیتشان، گرفتار تبعیض هستند و لذا لازم است برای تغییر این وضعیت اقدام شود. مفروض اصلی فمینیسم این است که مردان بر زنان به اشکال مختلف تسلط پیدا کردند.

### تاریخچه و امواج فمینیسم

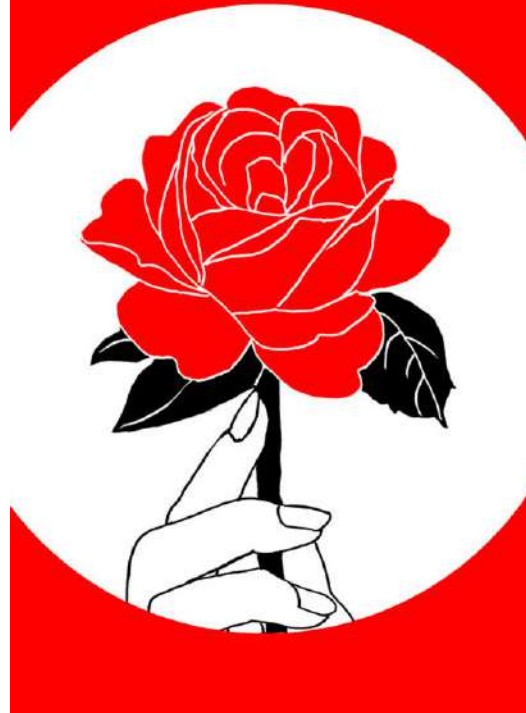
در مورد شروع تاریخ فمینیسم نظریات مختلفی وجود دارد که طرح همه نظرات در این نوشتار، خارج از حوصله است اما اجمالاً گفتنی است که فمینیسم، محصول تفکر عصر روشنگری، مدرنیته، انقلاب فرانسه و برگرفته از تفکر اومانیزم بوده و از طرفی برخی اتفاقات مانند جنگ‌های جهانی اول و دوم بر این موضوع دامن زده‌اند. اصطلاحات فمینیسم یا فمینیستی تا اواخر قرن نوزدهم، وارد نظام واژگانی نشده بودند، هرچند بسیار پیش از آن، برخی از آثار در مورد حقوق زنان به رشته تحریر در آمده بود. مری استل، نخستین فمینیست انگلیسی مایل بود به جای توجه به مواضع سیاسی، بر ظرفیت تفکر منطقی زنان تأکید داشته باشد و به زنان، وابستگی عاطفی به

مردان، حتی ازدواج با آنها را توصیه نمی‌کرد. فمینیسم در قرن نوزدهم و بیست، آشکارا وجه سیاسی و اجتماعی پیدا کرد و توانست در چند دهه گذشته خود را همچون یکی از مهمترین آموزه‌های سیاسی - اجتماعی قلمداد نماید. احتمالاً باید رساله جان استوارت میل به نام انقیاد زنان (ترجمه فارسی آن، کینزک کردن زنان یا اسارت زنان) را که به سال ۱۸۶۹، یعنی ده سال پس از رساله معروفش در باب آزادی، نگاشته شد مهمترین اثر فمینیستی قرن نوزدهم به شمار آورد. وی در همان آغاز، توضیح می‌دهد که چگونه از ابتدای شکل‌گیری اندیشه‌ای در زمینه مناسبات اجتماعی، آنچه را وی انقیاد زنان

می‌خواند، برایش مورد سؤال بوده است. میل، انقیاد هر یک از دو جنس را نسبت به دیگری رد کرده، از اصل برابری کامل دفاع می‌کند. برخی تاریخ شکل‌گیری فمینیسم را دو موج، برخی سه موج و حتی برخی چهار موج در نظر گرفته‌اند. اگر فمینیسم را دو موج در نظر بگیریم، موج اول از قرن نوزدهم (۱۸۴۸) شروع شد و تا سال‌های پس از جنگ جهانی اول ادامه یافت. در این دوره و در سال ۱۹۲۰ که زنان آمریکایی توانستند بر اساس متمم نوزدهم قانون اساسی، حق رأی در مجالس ملی را به دست آورند و به دنبال آن دیگر کشورها نیز برای زنان حق رای قائل شدند. از طرفی این موضوع



”  
**موج دوم فمینیسم اما از جنگ جهانی دوم با وجود مشکلات بیش از حد انسانی و مادی، در زمینه سازی موج دوم فمینیستی موثر واقع شد. نیاز دولتها به مردان جنگی سبب شد که زنان به طور گسترده در مشاغل خارج از خانه به کار گرفته شوند؛ یعنی بخشی از عوامل مؤثر در موج اول فمینیسم مجددا مطرح شوند. یعنی همان گونه که در موج اول نیاز سرمایه‌داری، کارخانجات با الزامات شهرهای انبوه، به حضور بیشتر زن در اجتماع و به دنبال آن طرح خواست‌های فمینیستی منجر شد، در جنگ جهانی دوم نیز، شرایط مشابهی پدیدار شد.**



باعث ورود بیشتر زنان به مسائل اجتماعی شد. پس از آن تفکرات اقتدارگرای فاشیستی و نازیسم دوباره زن را خانه برگرداند و نقش همسری و مادری را به او داد و در اینجا فمینیسم مهار شد. بنابراین پیروزی برای به دست آوردن حق رای زنان، پایان موج اول فمینیسم بود و بعد از آن بود که گروهی از زنان به عنوان یک موفقیت، کنار کشیدند. اما با طرح این سوال که: بقیه حقوق زنان چه شد؟ موج دوم پدید آمد. موج دوم فمینیسم اما از جنگ جهانی دوم آغاز شد. وقوع جنگ جهانی دوم با وجود مشکلات

بیش از حد انسانی و مادی، در زمینه سازی موج دوم فمینیستی موثر واقع شد. نیاز دولتها به مردان جنگی سبب شد که زنان به طور گسترده در مشاغل خارج از خانه به کار گرفته شوند؛ یعنی بخشی از عوامل مؤثر در موج اول فمینیسم مجددا مطرح شوند. یعنی همان گونه که در موج اول نیاز سرمایه‌داری، کارخانجات با الزامات شهرهای انبوه، به حضور بیشتر زن در اجتماع و به دنبال آن طرح خواست‌های فمینیستی منجر شد، در جنگ جهانی دوم نیز، شرایط مشابهی پدیدار شد. با پایان جنگ

و برگشت اوضاع به وضع عادی، زنان به کار گماشته شده، در معرض خطر بیکاری با پذیرش شرایط نازلتر در رقابت با مردان برای کار مشابه قرار گرفتند. با توجه به اینکه، بیشتر زنان، دوباره به خانه و امور خانواده بازگشتند ولی این امر عمومیت نداشت و دیگر، زنان با تجربه حاصل از حضور گسترده در شئون تولیدی با خدمات، مایل نبودند به شرایط قبل بازگردند. به طور کلی، ظهور فمینیسم رادیکال در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ تاثیر عمده‌ای بر دانشمندان علم سیاست گذاشت.

### انواع فمینیسم

فمینیسم از شروع شکل‌گیری با جریانات خاصی همراه بوده و ترکیب دو تفکر با یکدیگر، باعث شده فمینیست‌های مختلفی شکل بگیرد. مهمترین آنها فمینیسم لیبرالی، فمینیسم سوسیالیستی یا مارکسیستی، فمینیسم سیاه و سرانجام فمینیسم رادیکال است که عموماً فمینیست‌های لیبرال به دنبال حقوق برابر با مردان بوده‌اند، نظیر حق رای و آزادی و...؛ فمینیست‌های مارکسیست، در وضعیت اقتصادی خواهان ورود زنان به عرصه مشارکت اقتصادی بوده و از طرفی خواهان حذف سرمایه‌داری شده‌اند. اغلب اندیشه‌های سوسیالیستی فمینیسم با اندکی تغییر شبیه فمینیست‌های مارکسیستی است. موضوع نژاد در فمینیست‌های



سیاه پر رنگ بوده و در نهایت فمینیست‌های رادیکال که خشن‌ترین نوع فمینیست‌ها هستند، مردان را دشمن محض زنان می‌دانند. گفتنی است هر کدام از این تفکرات فمینیستی، متفکرین و کتاب‌های خاص خود را داشته؛ از کرافت و جان استوارت میل گرفته تا سیمون دوبووار، میشل بارت، فایرستون، سیلویا والبی و ... که در مورد همه گونه‌های فمینیست، از ابتدای آغاز جنبش، فعالیت کرده‌اند و بررسی جداگانه هر کدام، در این نوشتار نمی‌گنجد. اخیراً نیز گونه دیگری از فمینیست در کشورهای اسلامی نمود پیدا کرده به نام فمینیست اسلامی؛ که این گروه معتقدند حقوق زنان به صورت بومی و با فرهنگ‌های خاص هر کشور می‌بایست مطرح گردد و در تلاش‌اند تا دین و فمینیست را تلفیق کنند.

### ➡ **مروری بر تفکرات فمینیستی**

همانطور که گفته شد، گونه‌های مختلف فمینیسم، افکار و اندیشه‌هایی دارند که فقط به آنها در این بخش اشاره‌ای مختصر می‌گردد:

۱. اگر زنان مانند مردان از فرصت برابر برخوردار باشند، هیچ فرقی با مردان ندارند.
۲. جنسیت نباید مطرح باشد، فقط مساوات و برابری.
۳. مردان گروه ستمگری هستند که پایه و اساس همه مشکلات موجوداند. مرد دشمن زن است. همه مردان باید از بین بروند. کلید پلیدی‌ها



**فمینیسم از شروع شکل‌گیری با جریانات خاصی همراه بوده و ترکیب دو تفکر با یکدیگر، باعث شده فمینیست‌های مختلفی شکل بگیرد. مهمترین آنها فمینیسم لیبرالی، فمینیسم سوسیالیستی یا مارکسیستی، فمینیسم سیاه و سرانجام فمینیسم رادیکال است که عموماً فمینیست‌های لیبرال به دنبال حقوق برابر با مردان بوده‌اند، نظیر حق رای و آزادی و ...؛ فمینیست‌های مارکسیست، در وضعیت اقتصادی خواهان ورود زنان به عرصه مشارکت اقتصادی بوده و از طرفی خواهان حذف سرمایه‌داری شده‌اند.**

مردان هستند. گونه‌هایی از فمینیسم سیاه یا فمینیسم رادیکال، تا آنجا پیش می‌روند که فقط قائل به واژگونی وضعیت موجودند، یعنی فمینیسم سیاه، سرود برتری سیاه را سر می‌دهد و فمینیسم رادیکال، زیردستی مردان را در سر می‌پروراند. یکی از مجلاتی که منعکس کننده طرز تفکر فمینیست‌های افراطی و رادیکال است (به نام Now) و یا «سازمان ملی زنان» روی جلد یکی از شماره‌هایش این چنین اعلام می‌دارد: «در حال حاضر زمان برای ضربه زدن و بانوک چکمه به زیر شکم پدرسالاران کوبیدن فرا رسیده! و حالا زمان برای مبارزه ما فرا رسیده است.» «نه خدا، نه آقا و نه هیچ‌گونه قانونی نمی‌تواند سد راهمان باشد.»

۴. خانواده، ازدواج و تک همسری، ظلم به زن است. زنان می‌بایست جدای از مردان زندگی کنند. استقلال کامل از مرد سالاری.
۵. سقط جنین باید آزاد گردد، روابط جنسی محدود به یک نفر نباشد، هم جنس‌گرایی مجاز است.
۶. فرزندآوری و تربیت آن، کار در خانه، نقش مادری و نقش همسری برای زن تبعیض است. بچه آوردن به صورت رایگان باید تحدید شود.
۷. کار بیرون از خانه، فعالیت اجتماعی و اقتصادی، همانطور که برای مرد وجود دارد، برای زن هم موجود باشد. دولت باید کار درون خانه را برای مردان رسمی کند و آنها در پرورش کودکان سهیم شوند.
۸. زنان باید در ارتش، وزارت خارجه، دانشگاه



و ... حضور فعال داشته باشند؛ زیرا خشونت، جنگ و رقابت‌های شدید بین‌المللی به این دلیل اتفاق افتاد که مردانه بود. همه تفکرات بالا حاصل امواج مختلف فمینیسم و گونه‌های آن از سال ۱۸۴۸ تاکنون (سال ۲۰۲۰) یعنی بیش از ۱۷۰ سال تاریخ فمینیسم است.

### نقد فمینیسم

فمینیسم با تمام امواج و تاریخچه‌ای که دارد، همچنان فاقد ایدئولوژی و مکتب است. یعنی هنوز یک مکتب ثابت به نظر نمی‌رسد و می‌توان بیشتر آن را یک جریان دانست تا یک ایدئولوژی. فمینیست‌ها اختلافات فاحشی با یکدیگر داشته و هنوز نتوانسته‌اند یک مانیفست برای جریان خود تهیه و ارائه کنند. آنها سر درگم بوده و حتی برخی از گروه‌های آنها از راه خود بازگشته‌اند. گرایش‌های گوناگون فمینیستی، طبیعت و روحیه

”

**بدبینی فمینیست‌ها نسبت به مردان، در یک درجه نمی‌باشد، بلکه گرایش‌های گوناگون فمینیست در این جهت متفاوت هستند. فمینیست‌های لیبرال و پست‌مدرن، صرفاً در حد بدبینی اکتفا کرده و مردستیزی را روا نمی‌دارند. اما فمینیست‌های مارکسیستی و سوسیالیستی، بدبینی شدیدتری دارند و فمینیست‌های رادیکال، بدبینی را تا سر حد مردستیزی و دشمنی کشانده‌اند.**

مردانه را عامل اصلی ستم‌های تاریخی مردان بر زنان می‌پندارند. البته بدبینی فمینیست‌ها نسبت به مردان، در یک درجه نمی‌باشد، بلکه گرایش‌های گوناگون فمینیست در این جهت متفاوت هستند. فمینیست‌های لیبرال و پست‌مدرن، صرفاً در حد بدبینی اکتفا کرده و مردستیزی را روا نمی‌دارند. اما فمینیست‌های مارکسیستی و سوسیالیستی، بدبینی شدیدتری دارند و فمینیست‌های رادیکال، بدبینی را تا سر حد مردستیزی و دشمنی کشانده‌اند. به عقیده آنها، حتی در راستای دفاع از حقوق زنان، نباید به مردان اعتماد کرد. ازدواج با مردان همبستر شدن با دشمن است! آنان برای دوری و رهایی

مطلق زنان از قید مردان، همجنس‌گرایی، سقط جنین و غیره را تجویز و ترویج می‌کنند. تمامی جنبش فمینیسم و همه فمینیست‌ها ناکارا هستند و در حال بازگشت به نحله‌های قدیمی خود هستند البته با رعایت برخی حقوق. به طور مثال، در حالی که یکی از اولین اعتراضات فمینیست‌ها به محدود کردن فعالیت زنان به خانواده و ایفای نقش مادر یا همسر بر می‌گشت، امروزه برخی از فمینیست‌ها با طرح مجدد مساله خانواده، زنانگی و مادر بودن، آنها را پایه‌های قدرتمندی برای جنبش فمینیسم می‌دانند. هر چند به همه گونه‌های فمینیسم نقد وارد است اما به طور کلی نقدهای وارده بر فمینیسم رادیکال می‌بایست بیشتر مورد توجه قرار گیرد که بدین قرار است:

- ۱- جنبش فمینیسم منظری تک بعدی به تمام جنبه‌های زندگی انسان دارد. این جنبش تمام بدبختیها و شرور جهان را در اثر تسلط مردها بر زنان دانسته و خواهان حذف مردان در تمام عرصه‌های اجتماعی است.
- ۲- روح حاکم بر جنبش فمینیستی، همان روح توتالیتر و دیکتاتوری است. لحن و زبان این جنبش هم روحیه فاشیستی آن را نشان می‌دهد، کلمات زشت و وحشتناک و سخنرانیهای فاجعه آمیز فمینیست‌های رادیکال نشان دهنده اشتیاق آنها برای لطمه زدن به دیگران است.
- ۳- فمینیسم مسئولیت‌های سنگینی را بر زنان تحمیل کرده است. زنی که در گذشته روش و شیوه

خردورز

دیدگاه فمینیسم و نقد آن

سعیدابوالقاسی

۹۹



زندگی‌اش، انتخابش و اصولاً برنامه ادامه حیاتش در این جهان برای وی مشخص و معلوم بوده، امروز باید در کلیه موارد تنها خودش تصمیم گیرنده اصلی باشد و این همه مسئولیتها و تصمیمات که هر زنی در جامعه امروزی با آن مواجه است به حدی سنگین است که برای عده بسیاری از زنان در غرب به مرز غیرقابل تحملی رسیده است. در غرب اگر زنان حقوق برابر را خواهان شدند، وظایف و مسئولیت برابر هم وجود دارد؛ یعنی در رستوران بین زن و شوهر، هزینه غذا نصف سهم مرد است و نصف سهم زن، کار کردن صبح تا شب بیرون از خانه نصف برای زن و نصف برای مرد، مخارج زندگی و فرزند پروری و ... همه چیز نصف نصف شده است. بنابراین زن آزاد نشد هیچ؛ بلکه کارش سخت‌تر شد.

۴- فمینیسم باعث رشد فزاینده استفاده ابزاری مردان از زنان گردیده است. امروزه در غرب و حتی در برخی از جوامع شرقی، از زن به مثابه کالای جنسی در تبلیغات تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. زن ناچار است بزرگترین تحقیرها و بی‌حرمتی‌ها را در استفاده ابزاریش تحمل نماید. بی‌حرمتی‌ها را در استفاده ابزاریش تحمل نماید.

۵- بها ندادن به شریفترین حرفه زنان یعنی «مادری» و «خانه‌داری»، یکی از کریه‌ترین و زشت‌ترین چهره فمینیست‌هاست. حرفه‌ای که اساساً به لحاظ توانایی‌های جسمی و روحی، تنها زنانند که می‌توانند به خوبی از عهده آن برآیند و مردان هرگز قادر به اداره آن نیستند.

۶- روح جنبش فمینیستی «همجنس‌گرایی» است.

خانم تی. گریس آتکینسون که خود یکی از فمینیست‌های سرسخت است، اعتراف می‌کند که «فمینیسم به مثابه تئوری و همجنس‌بازی در حکم و عمل است. این دسته از فمینیست‌ها که از ریشه با مردان سرناسازگاری دارند، به صراحت اعلام می‌دارند که باید حتی در روابط خصوصی نیز بجای آنکه با مردی سپری کنند، با هم‌نوعان خود بسر برند. اگرچه این عمل از آنجا که مخالف طبیعت است، تنها در مقام شعار است و آنان در خلوت ناچارند نیاز طبیعی خود را تنها با مردان برطرف سازند. اساساً بسیاری از رهبران جریان فمینیستی شخصیت بسیار منفی داشته‌اند. آنان بجای آنکه بدنبال ارتقاء منزلت زن و تحقق شعارهای فرینده خود باشند، در واقع بدنبال تئوریزه کردن و معقول جلوه دادن راه‌های بی‌بندباری خویش برآمدند. برخی از فمینیست‌های مطرح مانند خانم بتی فریدن در کتاب «ابهت و جاذبه فمینیستی» بجای آنکه به بدنبال ارائه دیدگاه‌های علمی از فمینیسم باشد، به بدنبال نشان دادن جاذبه‌های شخصی خویش هست.

۷- مبارزه با فمینیسم امری بسیار مشکل است. فمینیسم حقیقتاً استعداد مؤثری در تهدید و ایجاد وحشت در دیگران دارد. متأسفانه اگر فردی به بدنبال نقد فمینیسم و مبارزه با نحله‌های رادیکال آن باشد، متهم به مبارزه با حقوق زنان می‌گردد و در نهایت ضد زن محسوب می‌شود.



فمینیسم باعث

رشد فزاینده استفاده ابزاری مردان از زنان گردیده است. امروزه در غرب و حتی در برخی از جوامع شرقی، از زن به مثابه کالای جنسی در تبلیغات تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. زن ناچار است بزرگترین تحقیرها و بی‌حرمتی‌ها را در استفاده ابزاریش تحمل نماید. بها ندادن به شریفترین حرفه زنان یعنی «مادری» و «خانه‌داری»، یکی از کریه‌ترین و زشت‌ترین چهره فمینیست‌هاست. حرفه‌ای که اساساً به لحاظ توانایی‌های جسمی و روحی، تنها زنانند که می‌توانند به خوبی از عهده آن برآیند و مردان هرگز قادر به اداره آن نیستند.



حجت الاسلام دکتر حمید فاضل

پژوهشگر و مولف در حوزه سبک زندگی اسلامی

## فدای دخترم!

می نمود و چه بسا هنجارشکنی آشکاری به شمار می آمد. اما محمد (ص) هوشمندانه می کوشید تا نقش و جایگاه راستین زنان و دختران را به جامعه آن روزگار گوشزد کند و همگان را نسبت به آن آگاه سازد. به نظر می رسد که ما انسان ها امروز نیز به این آموزه های آسمانی نیازمندیم و همچنان باید برای نهادهای سازی جایگاه دختران در جامعه تلاش کنیم. بزرگداشت روز دختر در پرتو یادبود حضرت فاطمه معصومه (س) بهانه بسیار خوبی برای توجه عمومی جامعه مسلمان به نعمت حضور دختران در کانون خانواده و گستره جامعه است. در همین راستا می توان شعار زیبای «فدای دخترم» را در تبلیغات رسانه ای

اجتماعی دختران مورد توجه بیشتری قرار بگیرد و بر ارزش والای دختر در فرهنگ اسلامی تأکید شود.

سیره پیامبر گرامی اسلام سرشار از مصادیق تکریم و تعظیم دختران در پرتو فرهنگ والای اسلامی است. شاید عبارت شیرین و دل انگیز «فداها أبوها» که پیامبر اسلام به دخترش فاطمه (س) هدیه می کرد روشن ترین مصداق تکریم دختر و بزرگداشت جایگاه دختر در جامعه مسلمان باشد. در جامعه جاهلی و مردسالار شبه جزیره عربستان که زنان را همواره در خدمت مردان می خواست و برای دختران، جایگاه اجتماعی چندانی نمی دید، چنین رفتاری از سوی محمد (ص) بسی عجیب

حضور فاطمه معصومه (س) در شهر قم نقطه عطفی در غنا و گسترش فرهنگ شیعیان بوده است. ماندگاری عطر حضور فاطمه معصومه (س) موجب شد که شهر قم به عنوان یکی از کانون های اصلی معارف اهل بیت (علیهم السّلام) در همواره تاریخ بدرخشد و بسیاری از پشتهای معرفتی فرهنگ اصیل اسلامی را در گستره جامعه مسلمان بپراکند. جمهوری اسلامی ایران در چند سال اخیر به پاس این حضور و به یاد دختر گران قدر امام موسی کاظم (ع)، اول ماه ذی القعدة را به روز دختر نام گذاری کرده است تا بهانه ای باشد که در پرتو آموزه های ناب اسلامی، نقش و جایگاه



گسترش داد. این شعار سرشار از معنا است و شعور مخاطب را به صورت جدی برمی‌انگیزد. از همین فرصت می‌توان استفاده کرد و با تکیه بر هجرت تاریخ‌ساز حضرت فاطمه معصومه (س) بر امکان و ضرورت حضور اجتماعی سالم زنان و دختران تأکید کرد. این رویکرد ترویجی می‌تواند ما را در برابر دو رویکرد متخاصم یاری کند؛ اول در برابر دیدگاه مصرفی شدن زن در فرهنگ غربی؛ و دوم در مقابل دیدگاه‌های تنگ‌نظرانه‌ای که نیمی از جامعه بشری را از تلاش و نقش‌آفرینی باز می‌دارد.

برای این اقدام نمادین، آن قدر پشتوانه معرفتی و آموزه‌های ناب آئینی داریم که ما را از چنگ زدن به گزارش‌های تاریخی موهوم یا روایت‌های ضعیف و نامعتبر، بی‌نیاز می‌کند. واقعیت آن است که هدف نمی‌تواند وسیله را توجیه کند و چنگ زدن به روایت‌های ضعیف و نامعتبر اگرچه در کوتاه‌مدت دارای کارکرد مؤثر اجتماعی به نظر می‌رسد اما در افق کلان اجتماعی دارای پیامدهای نامطلوب معرفتی و اجتماعی خواهد بود، و روی‌آوری جامعه به خرافه‌گرایی را آسان می‌کند و هزینه اجتماعی مقابله با آن را به شدت افزایش می‌دهد.

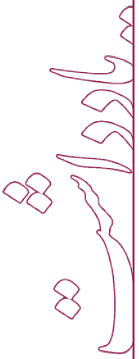
یکی از روایت‌هایی که چند سالی است در راستای بزرگداشت فاطمه معصومه (س)، روند روبه‌رشدی را در پذیرش اجتماعی طی می‌کند روایت انتساب عبارت «فداها أبوها» به امام موسی کاظم (ع) است که گویی خطاب به



دخترش فاطمه معصومه (س) بیان کرده است. این عبارت از پیامبر گرامی اسلام خطاب به دخترش فاطمه زهرا (س) بیان شده است و در جوامع روایی معتبر و متعددی نیز ذکر شده است؛ اما انتساب آن به امام موسی کاظم (ع) اگرچه در این روزگار بسیار شایع است اما عموماً به یک عالم شیعی معاصر بازگردانده می‌شود که او خود این روایت را از کتابی خطی با عنوان «کشف اللئالی» مربوط به سده نهم هجری نقل کرده است. بررسی‌های مربوط به تاریخ‌نگاری روایت، ما را به زمانی پیشتر از آن راه نمی‌دهد. روشن است که مضمون روایت و پیام اخلاقی

آن مبنی بر تکریم دختر، و روش تربیتی اشراک شده در این پیام و کارکردهای اجتماعی مورد انتظار از این پیام، همگی با آموزه‌های اسلامی کاملاً سازگار است؛ اما هیچ ضرورت و مصلحتی ایجاب نمی‌کند که برای یک کارکرد شناختی معرفتی دست به دامان روایت‌های ناشناخته شویم. به ویژه در این وضعیت که ما روایت‌های بدیل و اصیل هم در اختیار داریم که از بسندگی لازم برخوردار هستند.

فراموش نکنیم که در همین زمان حاضر، ما از پیامدهای یکی از همین کژفهمی‌ها در حوزه آموزه‌های آئینی رنج می‌بریم و به خاطر بدفهمی آموزه‌های دین یا فهم سازگار با امیال و غرایز، هزینه اجتماعی سنگینی را درباره قتل‌های ناموسی تحمل می‌کنیم. یقیناً چنین برداشت‌های افراطی و ناصوابی از ناموس و غیرت و ... ناگهانی شکل نگرفته است بلکه در یک فرآیند زمانی، برآمده از همان رویکردی است که هر آموزه نامعتبر یا روایت ضعیفی را به دلیل کارکرد کوتاه‌مدت اجتماعی آن به خدمت می‌گیرد. همین تجربه تلخ تاریخی برای ما کافی است تا با نگاهی آینده‌نگرانه در برابر رویکردهای نادرست ایستادگی کنیم و با تکیه بر آموزه‌های راستین آئینی، جامعه اسلامی را از غلتیدن در ورطه گره‌های شناختی بازداریم.



## ارزنده‌ترین زینت زندگی

آفریده شده‌اند. درقرآن کریم آیاتی وجود دارد که از داستان‌های تلخی در طول تاریخ پرده کنار زده و انسان را به تدبیر و تأمل در قضیه فرا می‌خواند تا عبرت از گذشته، چراغ راه آینده و تجربه اندوژی از آن، برنامه تداوم حیات بشری باشد. یکی از این وقایع در سوره نحل مورد اشاره قرار گرفته است آنجا که حضرت باری تعالی سخن از بشارتی به میان می‌آورد که عکس العمل متفاوت و خلاف عرفی به بار آورده است. آیا بشارت به عذابی بوده که واکنش به آن چنین عجیب قلمداد شده یا آنکه شنونده لایق و قابل براین بشارت نبوده است؟



جواد عبدالزاده

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

به حواس پنجگانه قابل درک است و دومی به ایمان قلبی و اعتقاد به غیب میسر. نعمت‌های دنیایی را چگونه تعریف کنیم؟ احسان و خوشی و مال و روزی معانی در لغت فارسی برای آن هستند اما در زبان عربی نعمت را نخستین معنی آسایش و خیراست. از نعمت بزرگ حیات و سلامتی گرفته تا مرکب و محل سکونت. از خوردنی و آشامیدنی‌ها تا خانواده و زندگی جمعی. از تک تک نفس‌ها تا لبخند و اشک و باد و باران و خورشید و ماه. خلاصه همه همه دیدنی‌های دنیا و چشیدنی‌های آن نعم الهی هستند که نه توان شکر بر آن‌ها هست و نه قدرت احصای آن‌ها و جالب آنکه همه برای آسایش آدمی

در لغت، بشارت به معنی خیر شادی آوری است که برای نخستین بار به کسی می‌رسد و در فارسی به آن مژده می‌گویند. بی شک بارمعنایی مثبت براین واژه غالب است با آنکه گاهی به سخت‌ترین‌ها نیز خیر داده شده و بشارت بر آن عنوان نهاده شده است، همچون: «فبشرهم بعذاب الیم». این خبر مسرت بخش جسم انسان را به سرور درآورده و آثار آن در چهره بشر نمایان می‌گردد و چه زیباست بشارتی که از سوی خالق هستی به بشر فرارسد و انسان جزئی از «بشرالذین آمنوا و عملوا الصالحات» باشد. این سرور و مسرت می‌تواند ناشی از نعم دنیایی و یا وعده نعمت‌های اخروی باشد، که نخستین

بشارت ذکرشده در این دو آیه صورت شنونده را به تغییر واداشته ولی نه به حالت سرور و شادی، بلکه آن را سیاه نموده است. درون او را به تحریک واداشته، ولی نه به جنبش و تحرکی رشد آفرین، بلکه به خشم و عصبیت. او را در بین جمع معروف ساخته، ولی نه به تریک و تهنیت، بلکه به فرار از قوم و قبیله و پنهان شدن از چشم‌ها. و او را به تکاپو واداشته ولی نه برای صعود بلکه برای سقوط در چاه خفت یا خاک تعصب.

چه عجیب است تامل و تدبر در دو آیه ۵۸ و ۵۹ سوره نحل که بشارتی، چنین صاحب خبری را به ولوله افکنده و متاسفانه شاهد را بر او زهر کرده است. آیا مشکل از خبراست یا از شنونده آن؟ قرآن قضاوت را نخست به عقول بشری سپرده و در پایان آن می‌فرماید: «الاساء ما یحکمون».

خبر در این آیات، خبر مسرت بخش تولد نوزادی است که طبعاً مایه شادی و نشاط جسم و روح آدمی است چه بسیار انسان‌ها که در طول تاریخ در حسرت چنین بشارتی عمر به سر رسانیده‌اند. حتی انبیای الهی نیز در حسرت این چنین خبر مسرت بخشی با تضرع و اضطراب بارها و بارها در رحمت الهی را کوفته و از خداوند خواهان این نعمت بزرگ شده‌اند که ابراهیم نبی، سرآمد آن‌ها بوده است.

خبر ذاتاً مسرت بخش است اما آنچه بشارت را به بشارتی ناگوار و تلخ بدل کرده، بشارت به تولد دختر نازدانه‌ای است که نعمتی است بی بدیل و شکر آن لازم، لیکن شنونده جاهل و غافل



از روی اندیشه‌های غلط و تعطیلی قدرت عاقله خویش آن را خبری ناگوار برای خود می‌داند. قرآن می‌فرماید: «و چون به یکی شان مژده دختر دهند، سیه روی می‌شود و خشمگین گردد- از شرم این مژده از مردم پنهان می‌شود آیا با خواری نگاهش می‌دارد یا در خاک نهانش کند؟ آگاه باشید که بد داوری می‌کنند».

این احوالات مشرکانی است که از نعمت‌های الهی که خداوند روزی شان کرده است، برای بتان که هیچ شعوری ندارند، سهم قرار می‌دهند. همان مشرکانی که خدا را صاحب دخترانی می‌دانند و آیات صریح قرآن در باب «لم یلد و لم یولد» بودن خداوند را به سخره می‌گیرند. لیکن وقتی که خود صاحب نعمت

عظیمی چون فرزند دختر می‌شوند، از روی جهل و نادانی، به نعمت عظیم خود را مبتلا می‌پندارند. بشارت را مشکلی نبوده است. بی‌شک لایق مژدگانی است بشیر این خبر. اما شنونده را عقل کوتاه دنیوی فراگرفته و جهل بر او غالب است.

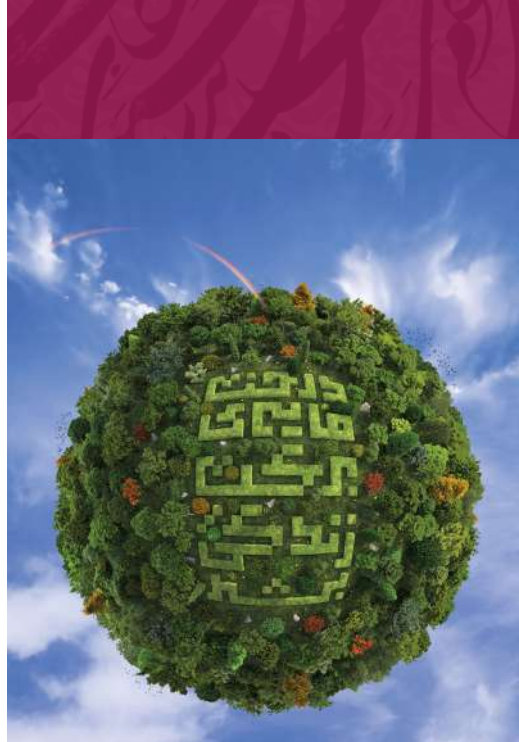
چه کند با دختری که نقش اقتصادی نداشته و باری بر زندگی فرد قلمداد می‌شود. در جنگ قادر به جنگیدن نبوده و در صورت اسارت، مایه دلنگرانی و آبروریزی خواهد شد. از شوهر دادنش به سایر قبایل ترس داشته و در جامعه به آن فال بد زده و آن را عاملی برای نزول بلا و نکبت می‌دانند. کوتاه فکری و خرافه‌گرایه در این جنس از انسان‌ها باعث تعطیلی عقل و تقلید کورکورانه



از رسم و شیوه غلط می‌گردد. آنگاه آنکه قرار بوده زندگی ساز باشد به دست خویش موجودی حی و صاحب حیات را به تیغ فرهنگی غلط قربانی کرده و در زیر خاک مرده پذیر، مدفون می‌سازد. اف بر این انسان که «کالانعام بل هم اضل» که هیچ حیوانی چنین جهالت و ظلمی را بر خویش روا نمی‌دارد.

آیا فقط در عربستان قبل از اسلام چنین رفتارهایی رخ می‌نموده؟ کتاب تاریخ تمدن ویل دورانت، از مواردی سخن می‌گوید که هیچ شباهتی به تمدن ندارند. از خوردن دختران از روی گرسنگی در استرالیا، خرید و فروش زنان در یونان به ظاهر متمدن، زنده سوز کردن زن بعد از مرگ همسر درهند، دخترکشی حتی در حد سن بلوغ در قبایل هند از ترس بی‌شوهر ماندن و یا فقر، قتل زنان حامله برای قربانی کردن در نزد خدایان هندوها و یا تسلیت گویی به زنانی که به دختر حامله بودن در چین. اینها کدامیک نشان از تمدن دارند که در تاریخ تمدن بشریت مذکورند؟

در تاریخ یهودیان و مسیحیان نیز نشانه‌های فراوانی از تحقیر دختران، عدم وجود جایگاه اجتماعی و حتی خانوادگی برای دختران، انواع احکام شرعی خودساخته و تحریفی در باب جنس مونث، استفاده ابزاری از این قشر و سواستفاده‌های فراوان به بهانه‌های به ظاهر مقدس از این جنس لطیف مخلوق الهی به چشم می‌خورد که هم اکنون نیز در فرهنگ شعبات گوناگون این آیین‌ها همچنان موجود است.



**در تاریخ یهودیان و مسیحیان نیز نشانه‌های فراوانی از تحقیر دختران، عدم وجود جایگاه اجتماعی و حتی خانوادگی برای دختران، انواع احکام شرعی خودساخته و تحریفی در باب جنس مونث، استفاده ابزاری از این قشر و سواستفاده‌های فراوان به بهانه‌های به ظاهر مقدس از این جنس لطیف مخلوق الهی به چشم می‌خورد که هم اکنون نیز در فرهنگ شعبات گوناگون این آیین‌ها همچنان موجود است.**

ظهور اسلام در بین عرب جاهلی که به ظاهر نام آوران عرصه ادب بودند، لیکن از باطن و محتوای صحیح کاملاً تهی، تغییرات شکلی و ساختاری اساسی در جهان عرب برپانمود. از بین بردن عادات زشت و ناپسند و خرافاتی از جمله اساسی‌ترین آموزه‌های اسلام بود. چه در اصول عقاید بوده باشد که اسلام با دین تقلیدی و آباء و اجدادی مخالفت و یکتا پرستی تحقیقی را شعار خود ساخت. و چه در اخلاق بوده باشد که نبی مملو از محسنات را، رسول خویش بر قومی عقب افتاده و شهوت پرست قرارداد که برای تکمیل و تمیم اخلاق زحمات فراوان متحمل گردید. و چه در عرصه کردار و رفتار اجتماعی و زندگی شخصی بوده باشد که از خوراک و پوشاک، تا نوع رعایت بهداشت و آداب اجتماعی را به کل متحول نمود.

خدای رحمان در باب متوقف کردن بی‌فرهنگی به نام وئاد (زنده به گور کردن دختران) در عرب قبل از اسلام دستورات لازم را در قرآن به نبی الرحمت خویش نازل فرمود. نخست آنکه اسلام ریشه بت پرستی را خشکاند تا دیگر بت‌های سنگی و چوبی و انسان تراش، نیازمند قربانی آن هم از نوع انسان حی و صاحب حیات نباشند. دوم مردان که رب البیت خویش بودند را از اختیار نابود کردن فرزندان خود محروم کرده و آن‌ها را به حکم قتل محکوم کرد که «واذا الموده السئلت- بای ذنب قتلت». سوم در آیاتی از قرآن به صراحت فرزند کشی را ممنوع نمود، که هیچکس



به بهانه فقر و تهی دستی، دست به دخترکشی نزنند. در آیه ۳۱ سوره اسراء می‌فرماید: «فرزندان خود را از بیم تهی دستی مکشید. ما هم شما را روزی می‌دهیم و هم ایشان را. کشتنشان خطای بزرگی است.» و در آیه ۱۵۱ سوره انعام نیز آنگاه که به بیان محرمات می‌پرداخت و عدم شرک را اولین آن‌ها قرار داده بود و فرموده: «از بیم تهی دستی فرزندان خود را مکشید ما به شما و ایشان روزی می‌دهیم.»

الله اکبر از کلام تاثیرگذار الهی که قلب‌های سنگ شده عرب قبل از اسلام را به نرمی کشانده و به شهادت تاریخ حتی کسی که ۱۳ نفر از فرزندان دختر خود را به دست خویش زنده به گور کرده بود، بعد از آشنایی به معارف اسلام محمدی، توبه نموده و طلب عفو و بخشش از معاصی خود از پیشگاه خدا و نبی خاتم نمود. از سوی دیگر در قرآن کریم برای ازدواج دختران قوانینی وضع گردیده است که جلوی بی‌بندباری مردان بوالهوس را گرفته و شان و منزلت این مخلوق لطیف الهی را بیش از همه گذشته‌ها و بیش از همه ادیان پاس می‌دارد. این شرایط حتی در باب کنیزکان نیز مایه آزادگی جسمی و روحی بیشتر آن‌ها گردید. توبیخ شدید زنا و سواستفاده از دختران نیز از احکام ژرف الهی در قرآن است که بسیاری از قواعد بر پایه قدرت و ظلم و اجبار را نابود ساخته و انسان‌ها را بر پایه عزت و اختیار و اعتماد همنشین همدیگر ساخت. بالاتر از همه این موارد اهمیت والایی است که قرآن و سنت

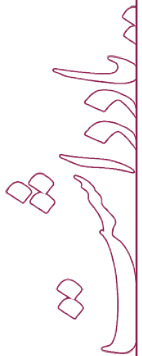


اسلامی به جنس زن قائل شده و انسان را از حیث خلقت و تکلیف دارای تفاوت، ولی از جهت شان و منزلت مساوی و برتری را بر اصل تقوا استوار دانسته است. مکمل شدن زن برای مرد در گام ازدواج نیز از آیات الهی شمرده شده و دختر برای پسر و پسر برای دختر، مایه آرامش قرار داده شده‌اند و به مودت و رحمت بین هم مزین شده و همچون لباس، مایه زینت و هم مایه پوشش نقایص هم قرار گرفته‌اند. چه چیزی بالاتر از این که دین اسلام نگاه ابزاری به زن را از بین برده و جایگاهی

”

**مکمل شدن زن برای مرد در گام ازدواج نیز از آیات الهی شمرده شده و دختر، برای پسر و پسر برای دختر، مایه آرامش قرار داده شده‌اند و به مودت و رحمت بین هم مزین شده و همچون لباس، مایه زینت و هم مایه پوشش نقایص هم قرار گرفته‌اند. چه چیزی بالاتر از این که دین اسلام نگاه ابزاری به زن را از بین برده و جایگاهی والا برای آن هم ارز و هم شان مرد و حتی بالاتر را برایش تعریف کرده است.**

والا برای آن هم ارز و هم شان مرد و حتی بالاتر از آن را برایش تعریف کرده است. سنت نبوی و هدایت امامان نیز همگی با تاکید بر فرهنگ والای اسلامی در باب حفظ شان فرزندان مונث در تاریخ الگو برای مسلمین و مومنین بوده‌اند. تکریم مقام فرزندان دختر، احترام به دختران و زنان، پاسداشت جنس لطیف و روحیه ظریف بانوان در احکام و اخلاق اجتماعی اسلامی، تطابق احکام اسلامی با شرایط جسمی بانوان، تعریف جایگاه والای بانوان در منزل به عنوان مدیرخانه، تعیین حجاب به عنوان حصنی

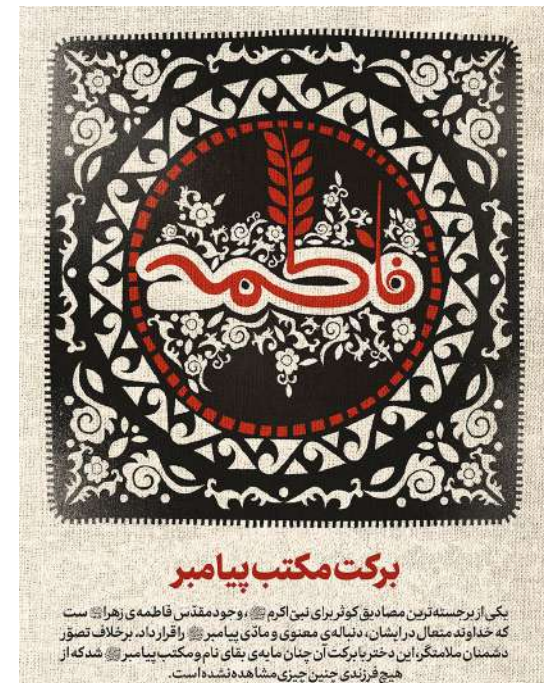


می‌کند و نه رفتارهای تحکیمی و تحمیلی به دختران را به بهانه جنسیت. دختر و پسر در نزد اسلام صاحب منزلتی یکسان هستند و آنکه این منزلت را به هر بهانه و دلیلی زیر پانهاده و جایگاه یکی را بر دیگری در باطن یا ظاهر افزون‌تر نماید، از مسیر عدل خارج و لازم‌الجزا می‌باشد.

ظهور اسلام تغییر اساسی در نوع نگرش به جنس مونث بوجود آورد تغییری که هم نسبت به ادیان گذشته و هم نسبت به عرف جوامع، تحولی شگرف در جهت قدردانی از منزلت انسانی بود. لیکن در گذر زمان همیشه خطاهایی هست که این مقام والا را تنزل داده و به نام دین و مذهب بر آن مهر سکوت می‌فشارند در حالیکه صاحبان علم دین مخالف این نوع نگرش‌ها بوده و هستند. به عنوان مثال در روایت آمده که روزی یکی از مومنین شدیداً ناراحت بود. امام صادق (ع) علت ناراحتی‌اش را پرسید. گفت: فرزندی برایم به دنیا آمده که دوست داشتم پسر باشد ولی دختر است. حضرت به عتاب نسبت به ناراحتی‌اش فرمود: بار او بردوش زمین است و رزقش برعهده خدا. نه زندگی او عمر تو را می‌کاهد و نه از روزی تو می‌خورد. آن مومن از غفلت خویش پیشمان و شادمانی در چهره‌اش نمایان شد. در طول تاریخ بعد از اسلام شاید زنده به گور کردن دختران از روی جهل و نادانی و تعصب کورکورانه متوقف شده باشد، اما بوده و هستند افرادی که دارای بینشی غلط و ترجیح پسر

”  
**نسل نبی خاتم به**  
**عنوان آخرین فرستاده الهی از**  
**طریق، «فاطمه» به عنوان کوثر**  
**اعطایی الهی تداوم یافته و**  
**چهره درخشان اخلاق و کردار و**  
**رفتار فاطمه بنت نبی تا قرن‌ها**  
**سرمشق نه تنها زنان، که**  
**مردان مرد نیز بوده و هست و**  
**خواهد بود و این دردانه هستی**  
**چنان جایگاهی در تاریخ قرآنی**  
**و اسلامی دارد که حسرت**  
**بسیاری از بزرگ مردان تاریخ را**  
**به همراه داشته است.**

و رفتار فاطمه بنت نبی تا قرن‌ها سرمشق نه تنها زنان، که مردان مرد نیز بوده و هست و خواهد بود و این دردانه هستی چنان جایگاهی در تاریخ قرآنی و اسلامی دارد که حسرت بسیاری از بزرگ مردان تاریخ را به همراه داشته و جالب آنکه سرمشق همه امت امامان هستند و سرمشق و الگوی امامان، فاطمه بنت نبی. و اسلام همچون فاطمه‌ای را چنان تکریمی نموده است که مریم مسیحیت و آسیه قوم موسی و حوای آدم ابوالبشر هم به چنین جایگاهی به چشم حسرت باید نگریسته و غبطه به چنین اکرامی بخورند. اسلام دین تکریم انسانیت است. این تکریم نه زنده به گورکردن به دلیل دختر بودن را تحمل



مستحکم در مقابل چشمان گناه آلود نامحرمان و بیان رسوم فراتر از قانون در باب ازدواج و تامین شرایط مورد نیاز برای زنان در خانه شوهر و سخت‌گیری فراوان در باب تامین حقوق زن در بحث مشکلات خانوادگی و طلاق، همه و همه تلاش سنت نبوی است جهت جانمایی صحیح جایگاه منزلتی دختران و زنان مسلمان در جامعه اسلامی از خانه پدر گرفته تا منزل شوهر و جای جای جامعه.

در کنار همه این موارد اضافه کنید این اصل مهم را که نسل نبی خاتم به عنوان آخرین فرستاده الهی از طریق، «فاطمه» به عنوان کوثر اعطایی الهی تداوم یافته و چهره درخشان اخلاق و کردار

بر دختر و شکل‌گیری تبیض هستند. نگاه‌های غلطی همچون ضعیف‌انگاری منزلت دختران در جامعه اسلامی مثل سایر جوامع (نه بدتر بلکه خیلی کمتر از آن‌ها) وجود دارد. و این نگاه باعث رخداد اشکالات تربیتی در خانه و تعمیق این نگاه در بین کل اعضای خانه می‌شود. حتماً که کارکرد پسر از دختر در خانه و بیرون خانه و... ازهم متفاوت است و این مورد وابسته به توانایی‌های ذاتی این دو جنس مختلف است. و چه بسیار اموری که پسران به صورت کلی در آن محرومند هرچه تلاش نیز چاشنی کار نمایند، نمی‌توانند ذره‌ای از آن را همپای دختران پیش بیایند. اما نگاه ترجیحی همیشه مشکل‌ساز و مشکل‌آفرین است.

هنوز هم جوامع دچار ازدواج قولی و رسمی قراردادی پدران هستند. هنوز هم کودک همسری ناشی از درد مالی در جوامع وجود دارد. هنوز هم زنان ماخوذ به حیا و حفظ خانواده، درد آزارهای جسمانی مردان را درگلو فشرده و به قیمت اذیت خویش، حفظ آبرو می‌نمایند، هنوز هم تعریف درست و کاربردی از وضع اقتصادی زنان خانه دار وجود ندارد، هنوز هم تداوم نسل در جنس مذکر محدود و این طرز فکر باعث جنین‌کشی‌های فراوان می‌شود، اما نباید به خاطر کم‌کاری خویش در تحقیق و تلاش برای نیل به جایگاه مطلوب زیستی مورد نظر اسلام، دچار تفریط شده و به بهانه دفاع از حقوق جنس مونث، پای از حدود شرعی فراتر نهاده و اصولی به عنوان



حقوق زن تعریف نمود که نه در حد توان او باشد و نه به صلاح او. حقوقی که غرب مدعی آن، خود هیچ عنایتی به اجرایی شدنش نداشته و هنوز هم از زن به عنوان ابزاری استفاده می‌کند که شاید لازم باشد برایش به ظاهر حقوقی تعیین و از آن دفاعی ظاهری کرد، تا به مقصود اصلی که همانا استعمار زنان است رسید.

خلاصه سخن آنکه اسلام دین عدالت است و مجریان آن نیز بایستی عادل باشند. یکی از این مجریان اصلی اسلام، پدر و مادر می‌باشند که با توکل و مدد طلبی از خدای بی‌همتا و لطف آن احسن الخالقین صاحب فرزندان می‌شوند که بایستی اصل عدالت را در بین آن‌ها جاری نمایند و عدل چیزی نیست جز قراردادن هر چیزی

در موضع خودش. وظیفه پدر و مادر در وهله اول کسب شناخت و معرفت از مواضع است تا بتوانند عدل را رعایت نموده و نسبت به موقعیت هریک از فرزندان خویش مجری مناسبی برای احکام و قوانین اسلام باشند.

به فرمایش قرآن در آیه ۴۶ سوره کهف، فرزندان زینت حیات دنیوی هستند و به فرموده امام سجاد (ع) جزئی از وجود والدین هستند که خوبی و بدی‌هایشان به پدر و مادر نسبت داده خواهد شد و حسن تربیت او و هدایت به سوی خداشناسی و خداپرستی از وظایف والدین می‌باشد. بهتر است مراقب با ارزش‌ترین زینت زیورآلات دنیوی خویش باشیم، تا در آخرت مایه احسان الهی به ماگردند، نه باعث عقوبت باری تعالی.

برای  
بازخوانی  
تخصصی  
موضوعات  
خاص  
با نگرشی نو  
با



همراه  
باشید

رسانه  
اندیشه  
و آگاهی



سایت فکرت

[www.Fekrat.net](http://www.Fekrat.net)

@Fekrat\_net

